

دانش خانواده و جمعیت

جمعی از نویسندگان

طرح کوتاه مدت تحول دروس معارف اسلامی



فصل اول: پیش از ازدواج

از دانشجویان انتظار می‌رود پس از فراگیری این فصل:

۱ درباره هویت خویش و ارزش‌های انسانی خود و آینده زندگی نگرش دقیق‌تری به دست آورند؛

۲ درباره هویت انسان در قالب جنسیت زنانه مردانه و ارتباط هریک با جنس دیگر بهتر بیندیشند؛

۳ شیوه‌های رایج ارتباط با جنس دیگر را نقد و ارزیابی کنند؛

۴ با رفتار جنسی مطلوب از دیدگاه اسلام بیشتر آشنا شوند؛

۵ مدیریت غریزه جنسی و ارتباط با جنس دیگر را بیاموزند.

انسان برای زندگی شایسته نیازمند برنامه‌ریزی، و برای برنامه‌ریزی نیازمند شناخت خویشتن است. آن‌که انسان را ساخته و پرداخته بیش از هرکس می‌تواند درباره مخلوقش، شناخت دقیق ارائه دهد. قرآن کریم آدمی را دارای دو بُعد مادی و فرامادی معرفی می‌کند. تعبیری چون خلقت از خاک، گِل و زمین اشاره به بُعد مادی وجود انسان دارد، و بیان این نکته که در مرحله‌ای از شکل‌گیری وجود انسان، روح الهی در او دمیده می‌شود، بُعد فرامادی وجود او را یادآوری می‌کند.^۱ خداوند از این مرحله از خلقت انسان با تعبیر «نفخه روح الهی» یاد می‌کند. در حقیقت شرافت این بُعد از وجود انسان بدان پایه است که خداوند از آن به «روحي» (روح من) یاد کرده و از این رو موجودات ارزشمند جهان هستی، یعنی ملائک، را به نهایت خضوع در برابر او، یعنی سجده، امر فرموده است. خداوند در آیه ۱۲ تا ۱۵ سوره مؤمنون می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ * ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ * ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا * ثُمَّ أَنشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ * ثُمَّ إِنَّكُمْ بَعْدَ ذَلِكَ لَمَيِّتُونَ﴾

۱. «إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ * فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ» (سوره حجر، آیه ۲۸-۲۹) و نیز نک: سوره سجده، آیه ۹-۷؛ سوره ص، آیه ۷۱-۷۲.

به یقین انسان را از عصاره‌ای از گل^۱ آفریدیم، سپس او را به صورت نطفه‌ای در جایگاهی استوار قرار دادیم. آنگاه نطفه را به صورت علقه [= شبیه لخته خون] درآوردیم. پس آن علقه را به صورت مضغه [= شبیه گوشت جویده] گردانیدیم و آنگاه مضغه را استخوان‌هایی ساختیم. بعد استخوان‌ها را با گوشتی پوشانیدیم. آنگاه جنین را در آفرینش دیگر پدید آوردیم. آفرین باد بر خدا که بهترین آفرینندگان است. پس از این مراحل قطعاً خواهید مرد.

در این آیه پس از ذکر مراحل مختلف تحولات جنینی، به مرحله‌ای خاص با عنوان ﴿ثُمَّ أَنشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ﴾ (سپس او را آفرینشی دیگر ایجاد کردیم) اشاره کرده که در آن انسان بهترین مخلوق، و خداوند نیز بهترین آفریننده و شایسته تکریم و تعظیم شده است. سپس به سرعت یادآوری کرده که زندگی مادی انسان روی زمین گذراست و مرگ او را فرا خواهد گرفت؛ هرچند بعد فرامادی وجود او جاودانه خواهد ماند و به تناسب اعمالش از لذت جاودانه برخوردار یا در رنج ابدی گرفتار خواهد شد. البته چه بسا در گذر از عقوبت کردار خود، پس از تحمل مشقت فراوان، در نهایت از لذت‌های بهشتی هم بهره‌مند گردد.

قرآن در ۷۵ آیه بر جاودانگی انسان و تأثیر تلاش و عملش در سعادت یا شقاوت ابدی او تصریح می‌کند؛ از جمله آیه ۱۴ سوره احقاف که می‌فرماید: «أَنَّهُمْ أَهْلُ بَهْشَتٍ هَسْتَنَدُ وَ دَرِ آن به سزای اعمال نیکی که انجام داده‌اند، جاودانه خواهند بود».^۲

و آیه ۸۰ سوره مائده که می‌فرماید: «چَه اَعْمَال بَدِی از پِش فرستادند، [که در نتیجه] خداوند بر آنان خشم کرده و همانا پیوسته و همیشه در عذاب خواهند بود».^۳

در آیات مختلف نیز تأکید شده که این سعادت و شقاوت حاصل عمل ارادی خود انسان‌هاست؛ از جمله آیه ۵۲ سوره یونس که می‌فرماید: «هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا بِمَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ» (آیا جز به آنچه انجام می‌دادید کیفر داده می‌شوید؟).

قرآن کریم علاوه بر ذکر جاودانگی وجود انسان به دلیل وجود روح الهی در او، در آیه ۷۰ سوره اسرا یادآوری می‌کند: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (به تحقیق، فرزندان آدم را کرامت بخشیدیم).

۱. چه بسا اشاره به تشکیل سلول‌های جنسی از خوراک آدمی باشد که خوراک او در نهایت از خاک برگرفته شده است؛ از گیاه باشد یا از حیوان.

۲. «أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ». (سوره احقاف، آیه ۱۴)

۳. «لَيْسَ مَا قَدَّمَتْ لَهُمْ أَنْفُسُهُمْ أَنْ سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَفِي الْعَذَابِ هُمْ خَالِدُونَ». (سوره مائده، آیه ۸۰)

و بدین‌گونه کرامت ذاتی انسان‌ها را که به واسطه بُعد فرامادی او ایجاد شده، متذکر می‌گردد و در آیات دیگر بیان می‌کند که چون انسان موجودی صاحب اراده و اختیار است، می‌تواند استعداد بیکران خود را در مسیر تعالی خویش به‌کار گیرد و به آنجا برسد که به مغفرت و رحمت در جوار خداوند که جامع جمیع صفات کمال است برسد؛^۱ «در جایگاه صدق، نزد خداوند مالک مقتدر». و می‌تواند به آنجا برسد که خداوند می‌فرماید: «همانا بدترین جنبدگان نزد خداوند انسانی است که حقیقت را نمی‌شنود و نمی‌گوید. این گروه تفکر نمی‌کنند».^۲

«بنابراین انسانی که علم و اراده خود را در مسیر امیال حیوانی به‌کار می‌گیرد، از نظر سیرت مانند حیوانی است که چهارپا راه می‌رود».^۳
مولوی به زیبایی می‌گوید:

ما به فلک بوده‌ایم یار ملک بوده‌ایم	باز همان جارویم جمله که آن شهر ماست
ما ز فلک برتریم وز ملک افزون‌تریم	زین دو چرا نگذریم منزل ما کبریاست
گوهر پاک از کجا عالم خاک از کجا	بر چه فرود آمدیت بارکنید این چه جاست ^۴

شناخت روابط انسان با جنس دیگر (زن و مرد)

اکنون که به خود و حیات انسانی خود نگاهی کلی انداختیم، در مراتب جزئی‌تر، باید به ابعاد وجودی خویش نظر کنیم. از آنجاکه این کتاب به موضوع خانواده اختصاص یافته، به انسان از منظر جنسیت و نوع ارتباط میان زن و مرد توجه می‌کند.

خداوند برای تداوم حیات انسان و رشد و تعالی او، استعدادها و امکانات متعددی در اختیارش قرار داده تا با بهره‌گیری از آن استعدادها و امکانات، مسیر رشد و کمال را بپیماید. نیازهایی را نیز در وجود او قرار داده که ابعاد مختلفی، از جمله جسمانی و عاطفی و روانی دارد. با گذشت زمان، انسان در مرحله‌ای از رشد، بالغ می‌شود و تحولات جدیدی نیز در او رخ می‌نماید.

با بلوغ و ظهور علائم ثانویه جنسی، تفاوت بین دختران و پسران آشکارتر شده و تغییرات

۱. «فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِكٍ مُّقْتَرِبٍ». (سوره قمر، آیه ۵۵)

۲. «إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصُّرُ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَقُولُونَ». (سوره انفال، آیه ۲۲)

۳. نک: جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ج ۱، ص ۵۰۳.

۴. مولانا، دیوان شمس، غزل شماره ۴۶۳.

ایجاد شده زمینه جذابیت هر جنس را برای جنس دیگر بیشتر می کند و تمایل به پیوند با او را به وجود می آورد. هم زمان با این تغییرات، با فعال شدن تخمک ها در دختران و اسپرم ها در پسران، بدن توانایی تولید مثل را می یابد. این امر نشان می دهد که در مراتب کمال انسان، مرحله ای از رشد او با هدف فرزندآوری و دوام نسل بشر صورت می پذیرد.

«پس از بلوغ و هم زمان با تغییرات جسمانی، تحولات عاطفی و روانی نیز در فرد اتفاق می افتد. تفکر انتزاعی و توانایی استدلال در او رشد می کند، احساسات و هیجانات شدیدتر شده و گاه کنترل آنها دشوار می شود، تمایل به ارتباط با دوستان نیز تقویت شده و فرد مایل به استقلال از خانواده و ورود به روابط اجتماعی جدیدتر می شود. هم زمان با این تحولات و با ورود به دوره جوانی، نیازهای عاطفی و جنسی به جنس دیگر شدت می یابند؛ هرچند عوامل و محرک ها در شدت و ضعف این نیاز تأثیر دارد. این عوامل عبارت اند از:

یک. محرک های زیستی عصبی، همچون تأثیر نوع تغذیه؛

دو. محرک های محیطی ارتباطی که شامل دریافت حواس پنج گانه و به ویژه دریافت های دیداری، شنیداری و لمسی و نیز ارتباطات بین فردی و حضور اجتماعی در فضاهای گوناگون و همچنین استفاده از رسانه و فضای مجازی است. به عبارتی، دریافت های حسی که بار جنسی دارند بر هورمون های جنسی و منابع تحریک درونی اضافه شده و آنها را تشدید می کنند.

سه. محرک های ذهنی. گاه ذهن فرد تحت تأثیر محرک های دیداری یا شنیداری شروع به تصویرسازی می کند و منجر به تحریک جنسی می شود.^۱ در حقیقت، گاه میل جنسی مانند اشتها عمل می کند، نه نیاز زیستی و همان گونه که بسیاری از افرادی که گرسنه نیستند زمانی که بوی غذای خوش رایحه ای را استشمام می کنند یا لقمه غذای لذیذی را می چشند احساس گرسنگی و نیاز به غذا پیدا می کنند، برخی محرک های محیطی نیز میل جنسی افراد را تشدید می کنند.

انواع ارتباط در حوزه رفتارهای جنسی

از آنجا که ارتباط با جنس دیگر پیامدهای گوناگونی دارد، ضوابطی برای این روابط تعیین می شود؛ ضوابطی که تأمین نیازهای جنسی و عاطفی را بیشتر تضمین می کند و حیات و

۱. نک: اصغری نکاح، تربیت جنسی کودک و نوجوان، ص ۲۱۷-۲۱۲.

سلامت و رشد و تعالی کودک حاصل از این روابط را نیز تأمین می‌نماید. در قرن بیستم با رواج لیبرالیسم و اهمیت آزادی‌های فردی، جریانی فکری ایجاد شد که معتقد بود انسان باید میل جنسی را هرگونه و به هر میزان که می‌خواهد سیراب کند، مگر جایی که با آزادی دیگران در تعارض باشد. یکی از کسانی که دیدگاه‌هایش در این تحول فکری مؤثر بود «زیگموند فروید» بود. وی تعارض‌های جنسی را دلیل اصلی تمام روان‌رنجوری‌ها می‌دانست و معتقد بود: «میل جنسی انگیزش اصلی رفتار افراد است».^۱

ایده فروید امروزه از سوی بسیاری از روانکاوان و روانشناسان ترویج می‌شود. گروهی از فمینیست‌ها نیز در ترویج آزادی‌خواهی جنسی نقش بسیار مهمی داشتند. فمینیست‌های رادیکال با هدف آزادی‌خواهی، خواستار رهایی زنان از محدودیت‌هایی بودند که مسئولیت ازدواج برای آنان فراهم می‌کرد. آنها با تأکید بر نقش خانواده در اسارت زن، خانه را منجلابی برای زن می‌دانند و به همین دلیل خواهان گسترش روابط جنسی آزاد زنان، ترویج هم‌جنس‌بازی آنان و آزادی سقط جنین‌اند.^۲

از دیگر عوامل مؤثر بر آزادی روابط جنسی، می‌توان به رسانه‌ها اشاره کرد: تفکری که لیبرالیسم اعتقادی در آمریکا و اروپا ایجاد کرد و توسط رسانه‌ها در بین عموم مردم رواج یافت.

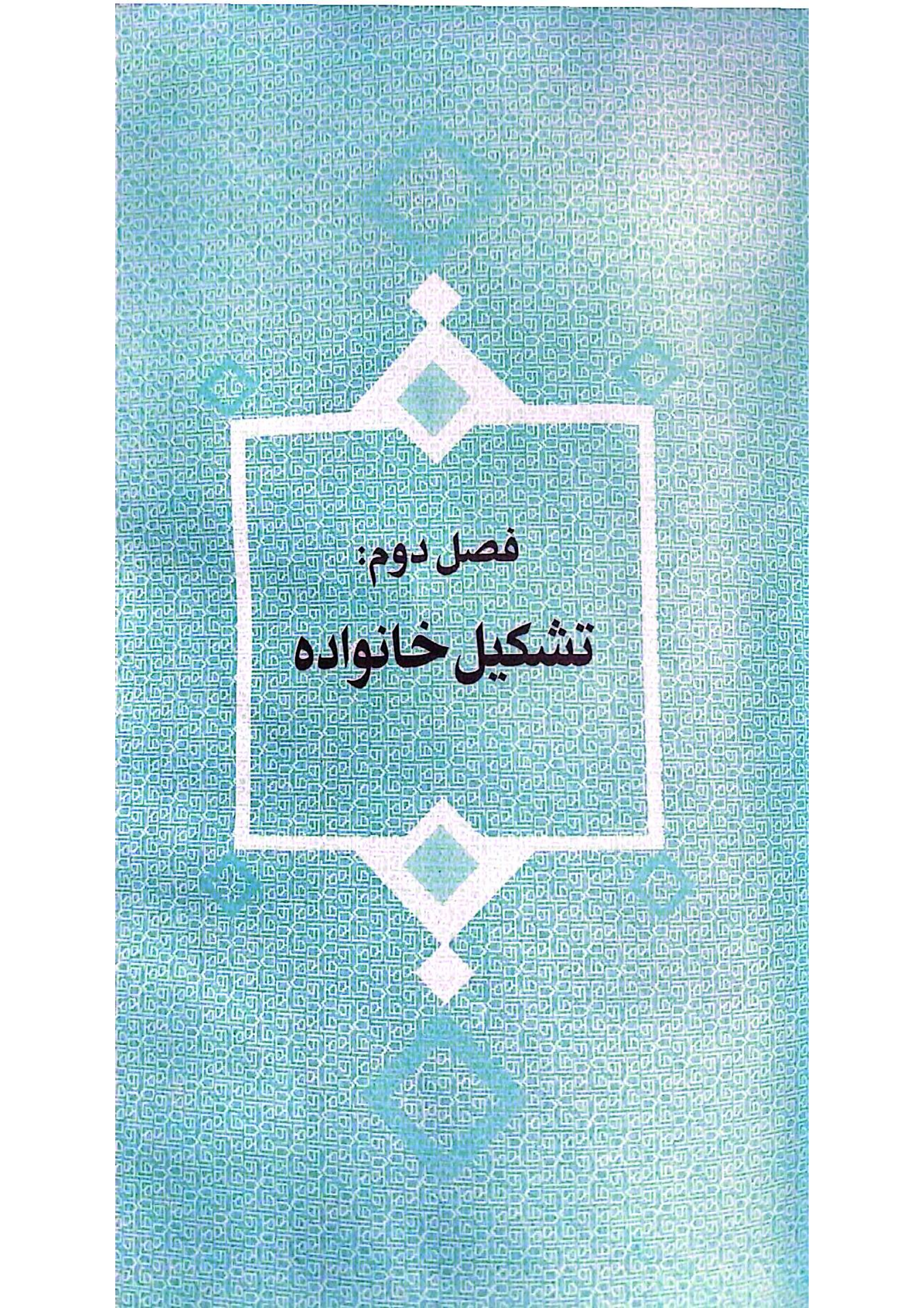
«مهم‌ترین تأثیر رسانه‌های تصویری بر حوزه رفتارهای جنسی، عادی‌سازی روابط جنسی خارج از چهارچوب ازدواج است» تحقیقاتی که درباره جوانان مبتلا به این نوع روابط انجام شده است، نشان می‌دهد این برنامه‌ها روابط جنسی را برای آنان به امری عادی بدل کرده و همین نکته سبب اقدام آنان به روابط جنسی بوده است.^۳ به گفته اندی بنت: «مشاهده این فیلم‌ها در جمع خانوادگی محیطی را فراهم می‌سازد که در آن نوجوانان [به‌ویژه دختران] از مسائل جنسی - که پیش‌تر حریم ممنوعه بود - آزادانه‌تر سخن بگویند».^۴ این

۱. فروید در سال ۱۸۵۶م در شهر فریبگ (جمهوری چک) به دنیا آمد. مادر او زن سوم پدرش بود و پدر نیز فردی سخت‌گیر بود. فروید که کوکابین مصرف می‌کرد، با نوشتن مقاله‌ای در مورد آثار مفید کوکابین، موجب [ایجاد انگیزه برای] شیوع آن در اروپا و آمریکا گردید. او در زندگی شخصی با همسرش دچار مشکلات جنسی بود و از ترس بارداری همسرش، خود را از لذت جنسی با او محروم می‌ساخت. فروید در چهل سالگی دچار روان‌رنجوری شد و اختلالات روانی خود را به تراکم تنش جنسی مربوط دانست. (دوان. پ. و سیدنی الن شولتز، نظریه‌های شخصیت، ص ۵۹-۵۰)

۲. بسیاری از فمینیست‌ها از جمله سیمون دوبووار در کتاب جنس دوم به این مطلب اشاره کرده‌اند.

۳. گروه تحقیقات مدیا اسکوپ، تأثیر رسانه‌ها بر رفتارهای جنسی جوانان، ص ۵۵.

۴. بنت، فرهنگ و زندگی روزمره، ص ۱۲۷.

The background of the page is a dense, repeating geometric pattern in shades of blue and green. A large, light blue diamond shape is centered on the page, containing a smaller, darker blue diamond. The text is written in a stylized, calligraphic font within this central diamond.

فصل دوم: تشکیل خانواده

از دانشجویان انتظار می‌رود پس از فراگیری این فصل:

کارکردهای ازدواج را بشناسند؛

در برخورد با موانع ازدواج، راهکارهای مناسب برای رفع برخی از آنها را بدانند؛

با معیارهای همسرگزینی آشنا شوند؛

با روش شناخت فرد مناسب برای ازدواج آشنا شوند.

ازدواج و کارکردهای آن

یکی از سنت‌های مهم در عالم خلقت، «زوجیت» است که در قرآن کریم نیز به آن اشاره شده است:

منزه است خدایی که پدیده‌های هستی را زوج آفریده است؛ چه از نباتات و چه از

نفوس بشر و دیگر مخلوقاتی که شما از آن آگاه نیستید.^۱

علامه طباطبائی رحمته‌الله در این باره می‌فرماید: «زوج‌ها چیزهای متقابلی هستند که هریک از آنها به وسیله دیگری تکمیل می‌شوند».^۲

حکمت زوج‌آفرینی در جهان خلقت تکامل موجودات است. موجودات تکامل یافته به دلیل وجود دو جنس نر و ماده، به صورت‌های بی‌شماری تکثیر می‌شوند. فایده این تکثیر آن است که تنوع ژنتیکی در آن، به روند تکامل خلقت کمک می‌کند. ایجاد تنوع در نوع انسان اهمیت دیگری نیز دارد؛ اینکه انسان نمی‌تواند به صورت فردی زندگی کند، بلکه برای تأمین نیازهای خود ناگزیر است در اجتماع باشد. در جامعه، هر فردی وظیفه‌ای بر عهده می‌گیرد و بدین طریق مصالح نوع انسان تضمین می‌گردد. اگر انسان‌ها جملگی یک شکل و مشابه بودند و همگی یک شکل خاص از استعداد را داشتند، دیگر قادر به انجام وظایف گوناگون نبودند و در نظام اجتماع اختلال به وجود می‌آمد.

از این رو، خداوند تنوع را از جلوه‌های رحمت خود معرفی می‌کند. زوج‌آفرینی انسان سبب تنوع انسان‌ها با استعدادهای گوناگونی و تکامل آن‌ها نیز خواهد شد. انسان در تحولات رشدی خویش، با آغاز دوره جوانی هماهنگ با نظام زوجیت در جهان هستی، خود را نیازمند نیمه مکمل خود می‌یابد؛ از این رو به ازدواج رو می‌آورد.

۱. «سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ». (سوره یس، آیه ۳۶)

۲. طباطبائی، المیزان فی تفسیر، ج ۱۸، ص ۵۷۳.

ازدواج برای زن و شوهر کارکردهای مطلوب فراوان دارد و برای جامعه نیز برکات بسیار خواهد داشت.

۱. کارکرد فردی ازدواج

ازدواج کارکردهای ارزشمندی برای هر فرد دارد که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱-۱. تکامل شخصیت

تجربه همسر شدن و پس از آن پدر یا مادر شدن، نوعی کمال شخصیت محسوب می‌شود. فرد بر اثر این دو تجربه، دیگران را بخشی از خود احساس می‌کند که این نوعی «توسعه خود» است.

استاد مطهری رحمته الله علیه می‌فرماید:

ازدواج اولین مرحله خروج از خود طبیعی فردی و توسعه پیدا کردن شخصیت انسان است. بعد از ازدواج وقتی می‌خواهیم کار کنیم، برای من تنها نیست. آن «من» تبدیل به «ما» می‌شود؛ به طوری که انسان به سرنوشت خانواده علاقه مندتر است تا به سرنوشت شخص خودش و رنج می‌برد تا آنان در آسایش باشند. این یک درجه از «خود» است.

بنابراین ازدواج، عواطف لطیف انسانی را به خروش می‌آورد. در حقیقت عشق به همسر و سپس فرزندان سبب رشد عاطفی فرد متأهل می‌شود. هنگامی که دختر و پسر ازدواج می‌کنند، به دلیل عشق به همسر خویش و به دلیل آنکه زندگی جدید را، خانه و خانواده خود می‌دانند که با انتخاب خویش آن را بنا نهاده‌اند، در برابر آن احساس مسئولیت می‌کنند و درصدد رفع نیازهای خود و همسرشان برمی‌آیند. این تلاش جدی و شیرین سبب شکوفایی استعدادها می‌شود و بدین ترتیب خصلت‌های اخلاقی همچون مسئولیت‌پذیری، خلاقیت و سازندگی، صبر و سازگاری، امیدواری، تلاش و نشاط و سرزندگی در آنان رشد می‌کند.

۲-۱. ایجاد آرامش روانی

از آنجاکه این دو جنس یکسان نبوده و هریک واجد چیزی است که دیگری آن را ندارد، میل به قرار گرفتن در کنار یکدیگر در آنها ایجاد می‌شود. در نتیجه هریک مکمل دیگری

۲
شده و بدین طریق آرامش می یابند؛ چنان که در قرآن نیز هدف ازدواج، سکونت و آرامش آدمی دانسته شده و فرموده است:

و از جمله نشانه های او این است که برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید تا در کنارشان آرامش یابید و میان شما الفت و رحمت برقرار ساخت. به یقین در آنچه یاد شد، برای مردمی که می اندیشند، نشانه هایی است.

علاوه بر آن، زن و شوهر محرک مثبت برای یکدیگرند و هنگام بروز مشکلات، همراه و رفیق و حامی عاطفی هم هستند. آنان با پیوند به هم، از ناراحتی ناشی از بی اعتمادی به آینده می کاهند؛ خصوصاً آنکه، در بین انسان ها نزدیک ترین رابطه عاطفی، میان زن و شوهر برقرار می شود و این رابطه در کاهش نگرانی ها، اضطراب ها و آشفتگی ها نقشی بنیادین دارد. فرد پیش از ازدواج به دلیل نیازهای مختلف، از جمله نیاز جنسی و نیاز به همراه در زندگی، دچار نوعی ناآرامی و اضطراب است. بررسی وضعیت روانی دختران و پسران پیش از ازدواج، چگونگی تأثیر ازدواج در آرامش روانی را آشکار می سازد. گاه برخی دختران و پسران نیاز به همراه و یاور زندگی را از طریق دوستان برآورده می سازند و برای پرهیز از مسئولیت های ازدواج و زندگی مشترک، مجرد را برمیگزینند. بسیاری از آنها به ویژه دختران، کسب مدارج تحصیلی بالا، به دست آوردن شغلی با ارزش با دریافت حقوق و مزایای مناسب را بر تشکیل خانواده ترجیح می دهند. این افراد معمولاً در سنین میانسالی که خواهران و برادران و بیشتر دوستانشان ازدواج کرده و زندگی مستقلی دارند و پدر و مادر نیز از دنیا رفته اند، از تنهایی رنج بسیار می برند. سایر همسالان علاوه بر کسب موقعیت های اجتماعی یا اقتصادی، به همسر و فرزندان خود دلگرم هستند، ولی آنها در زندگی خود فاقد مونس یا اقتصادی، به نام همسر و فرزند هستند. آنها هرچند با پرهیز از برخی دشواری های تأهل، در دورانی از زندگی، آسایش نسبی داشته اند، خویشان را از آرامش در ایام میانسالی محروم ساخته اند.

۱-۳. پاسخ صحیح به نیازهای جنسی

«رابطه جنسی سالم، به نشاط فردی و تسکین دردها و تنش های بدن می انجامد. این امر برای رفع افسردگی و رسیدن به شادمانی و برطرف شدن سستی و عدم تحرک پذیری،

۱. «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ»
(سوره روم، آیه ۲۱)

عاملی مؤثر است و حتی تندخویی و خشم را کنترل می‌کند.^۱ فردی که به نیاز طبیعی خود در زمینه نیازهای جنسی، توسط ازدواج پاسخ نمی‌دهد دچار ناکامی غریزی می‌شود و وجود همین ناکامی‌های غریزی می‌تواند علت پرخاشگری و تندخویی او شود.

۴-۱. کامل شدن ایمان

یکی از دروازه‌های ورود شیطان به ذهن و روان آدمی، غریزه جنسی است (ازدواج/عامل تسکین این نیاز است و سبب می‌شود که فرد به برخی رفتارهای خلاف اخلاق روی نیاورد. بنابراین اگر فرد ازدواج نکند، ممکن است بر اثر فشار نیازهای جنسی به گناه کشیده شود. انجام چنین رفتارهایی نیز باعث بروز احساس حقارت در فرد شده و به کرامت نفس وی آسیب می‌رساند.

۵-۱. کسب استقلال

از جمله مهم‌ترین تحولات دوران جوانی، احساس نیاز به استقلال از خانواده پدری و مادری است. بی‌گمان ازدواج و تشکیل خانواده‌ای جدید بهترین پاسخ به این نیاز است؛ زیرا هم فرد را مستقل می‌کند و هم همگان، این استقلال را به رسمیت می‌شناسند.

۶-۱. تجربه مدیریت

با گذر از دوران کودکی و نوجوانی، افراد تمایل دارند افزون بر مستقل شدن از خانواده، مدیریت مجموعه‌ای جدید را نیز تجربه کنند. دختر و پسر پس از ازدواج، مدیران خانواده نوپای خود خواهند بود؛ آن‌سان که هریک به تناسب خویش به برنامه‌ریزی و اجرای ایده‌های خود می‌پردازند. بدیهی است با تولد فرزندان، حیطه این مدیریت نیز گسترده‌تر خواهد شد.

۷-۱. بهره‌مندی از حمایت‌های گسترده

انسان تا پیش از ازدواج و به تناسب نیاز خویش از حمایت‌های مادی و غیرمادی خانواده و بستگان خود بهره‌مند است. با ازدواج و تشکیل خانواده جدید بر تعداد بستگان فرد افزوده می‌شود و فامیل همسر او نیز در زمره بستگان او قرار می‌گیرند؛ بنابراین چتر حمایت‌های عاطفی، روانی و گاه مالی بستگان بسیار گسترده‌تر می‌شود.

۱. نک: سالاری فرو همکاران، بهداشت روانی با نگرش به منابع اسلامی، ص ۴۷-۵۳.

۸-۱. کسب اعتبار اجتماعی

ازدواج، اعتبار اجتماعی خاصی به فرد می‌بخشد. در واگذاری شغل، مسکن، وام و... معمولاً تأهل اولویت و شرط است. مردم نیز برای افراد متأهل احترام بیشتری قائل هستند. گویا افراد با ازدواج از مرحله کودکی و نوجوانی فاصله گرفته و وارد مرحله بزرگسالی شده‌اند؛ بزرگ‌ترها هم دارای احترام بیشتری هستند.

۹-۱. ارضای میل به جاودانگی

ازدواج و سپس تجربه شیرین پدر یا مادر شدن سبب می‌شود که انسان با گذر زمان، خود را رو به افول نبیند. بدین سان، فرد تداوم حیات خویش را در فرزندان خود می‌یابد که حاصل دسترنج مادی و معنوی او هستند. پژوهشگران و متخصصان مسائل خانواده پیامدهای مثبت دیگری نیز برای ازدواج مطرح کرده‌اند؛ از جمله: ارضای نیازهای عاطفی؛ محبت کردن به دیگران و محبت دیدن از دیگران توسط همسر و سپس فرزندان؛ بهره‌مندی از شورونشاط در زندگی؛ تقویت انگیزه برای فعالیت؛ رشد اخلاقی و تقویت خصلت‌هایی چون مروّت، جوانمردی، صبر و سازگاری؛ پر شدن اوقات فراغت به نحو آسان، بانشاط و مفید؛ آسایش روانی و اقتصادی والدین به دلیل استقلال فرزندان.

۱۰-۱. رونق اقتصادی

«بیشتر افراد، با ازدواج رونق اقتصادی پیدا می‌کنند و ثروت آنان افزایش می‌یابد. فرد مجرد به مصرف‌گرایی بیشتر علاقه نشان می‌دهد، درحالی‌که فرد متأهل آینده‌نگر می‌شود و پس‌انداز و کنترل سبد هزینه‌ها برایش اهمیت می‌یابد. از سوی دیگر، افراد با آرامش و آسایشی که در خانواده به دست می‌آورند خدمات اقتصادی بهتری را در محیط کار ارائه می‌کنند و انگیزه بیشتری برای فعالیت اقتصادی دارند»^۱.

۲. کارکرد اجتماعی ازدواج

«تمدن نتیجه اجتماع، اجتماع زاییده خانواده و خانواده نیز ثمره ازدواج است. بنابراین اگر ازدواج به تأخیر افتد یا سست شود، خانواده دستخوش زوال می‌شود، و جامعه، فرهنگ

۱. غلاسوند، خانه‌های اعیانی، ص ۶۷.

و تمدن در معرض خطر قرار می‌گیرد.^۱ علاوه بر آن بدون ازدواج و فرزندآوری، جمعیت کاهش می‌یابد و رو به نابودی می‌رود. در صورتی که ازدواج صورت نگیرد، ولی رابطه جنسی نامشروع فراگیر شود، جامعه فاقد نسلی پاک شده و آثار مخرب تولد فرزندان فاقد طهارت نسل، آن اجتماع را رو به تباهی خواهد برد.

۱-۲. انتقال ارزش‌ها از نسلی به نسل دیگر

خانواده کانونی است که در آن ارزش‌های اخلاقی، باورهای دینی و معیارهای اجتماعی از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد و زمینه رشد عاطفی و تربیت اخلاقی و اجتماعی اعضای خانواده فراهم می‌گردد. خانواده در انتقال فرهنگ و پاسداشت ارزش‌های فرهنگی جامعه، اساسی‌ترین نقش را بر عهده دارد.

۲-۲. پرورش مهارت‌های اجتماعی کودکان

«خانواده به مثابه اصلی‌ترین پایگاه رشد و شکوفایی شخصیت و پرورش مهارت‌های اجتماعی کودکان و نوجوانان، در سلامت و اعتلای جوامع بشری بس اثرگذار است؛ چراکه شکل‌گیری شخصیت، تبلور رفتارهای اجتماعی، تعامل‌های فردی و مسئولیت‌پذیری انسان‌ها، اغلب حاصل چگونگی برخورد‌ها، بینش‌ها و تجارب آنها در زندگی خانوادگی است»^۲

✓ پژوهشگران مسائل خانواده درباره آثار اجتماعی ازدواج این موارد را نیز عنوان کرده‌اند:

۱. توسعه امنیت اجتماعی در راستای تنظیم رفتارهای جنسی؛ توسعه اقتصادی به دلیل تقویت انگیزه متاهلان برای گسترش تولید؛ بهبود روابط اجتماعی به جهت توسعه جامعه‌پذیری افراد در کانون خانواده؛ بقای جوامع به دلیل فرزندآوری و پرورش نسل در خانواده؛ حمایت و مراقبت از نیازمندان (کودکان، سالمندان و معلولان) در خانواده و کاهش بار اجتماعی این حمایت‌ها.

۴ آنچه با عنوان کارکردهای ازدواج مطرح شد، زمانی حاصل می‌شود که انتخاب همسر صحیح باشد و زن و شوهر مهارت‌های زندگی مشترک را بیاموزند و به کار بندند؛ در غیر این صورت چه بسا ازدواج، آرامش موجود زندگی را به هم بریزد و خانواده و جامعه را دچار گرفتاری‌های بیشتر کند.

۱. سعدی‌پور، مشاوره ازدواج و خانواده‌درمانی، ص ۱۳.

۲. نک: افروز، روان‌شناسی ازدواج و شکوه همسر‌داری، ص ۱۲-۱۳.

«پیدایش درک و فهم نسبت به زندگی مشترک، در کنار شور و احساس عمیق نسبت به ازدواج، بیانگر شروع بهار ازدواج است. همچنان که بهار، با آغاز رویش های خود، از سبز شدن زمین و شروع شکوفه هایی خبر می دهد که به رسیدن میوه ها و ثمرات آن منجر می شود، ورود به سن جوانی نیز خبر از بهار ازدواج می دهد. شکوفه هایی که بی اعتنایی به شکل گیری آنها و نادیده گرفتن آمادگی مستتر در آنها، می تواند موجب بروز خسارت هایی شود که جبران آن کمتر ممکن می شود»^۱.

«اگرچه جوان با افزایش سن به درک و برداشت های جامع تری دست پیدا می کند و قابلیت هایش هم در زمینه ی پذیرش مسئولیت های زندگی رشد بهتری پیدا می کند و این امر شرایط شکل دهی زندگی مشترک را بهتر و راحت تر می کند؛ اما نمی توان به هرز شدن نیازها و استهلاک فکری و رفتاری جوان، در ارتباط با نیاز به ازدواج بی اعتنا بود. آنهایی که تأخیر در ازدواج را به گمان فراهم شدن شرایط بهتر و آمادگی بیشتر تجویز می کنند، باید نسبت به این آثار که به خاطر نیاز مستمر و فراگیر و پرحجمش، فکر و فعالیت های فرد را درگیر و مستهلک می کند هم بذل توجه کنند. نمی شود یک اثر مفید را دید و جمع کثیری از آثار مضر را در غیاب آن ندید»^۲؛ بنابراین «برای ازدواج باید به حدی از رشد شناختی، عاطفی و رفتاری رسید که شایستگی ها و توانمندی های لازم برای آغاز زندگی مشترک به دست آید. این حداقل ها با پذیرش نقش ها و موقعیت جدید، رشد کرده و کامل تر می شوند»^۳.

پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

دخترها و پسرهای مجرد را همسر دهید، همانا خداوند خلق و خوی آنان را نیکو می کند، روزی آنان را وسعت می دهد و جوانمردی آنها را افزایش می دهد.^۴

در این کلام به مسلمانان تذکر داده شده که ازدواج خود عاملی برای رشد اخلاقی، اقتصادی و اجتماعی فرد محسوب می شود. «در برخی کشورها معمولاً فرزند خانواده در سنین ۱۸ سالگی از خانواده خود جدا می شود و زندگی مستقلی را از حیث مالی، عاطفی و اجتماعی در

۱. نک: حبشی، کتاب ازدواج، (تأسیس)، ص ۸۴.

۲. همان، ص ۸۵.

۳. جانباز، از من تا ما، آمادگی ازدواج، ص ۲۳.

۴. «وَرَجُوا أَيْمَانَهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ يُخَيِّنُ لَهُمْ فِي أَخْلَاقِهِمْ وَيُوسِّعُ لَهُمْ فِي أَرْزَاقِهِمْ وَيَزِيدُهُمْ فِي مَرْوَاتِهِمْ». (مجلسی، بحار الانوار، ۱۰۰ ج، ص ۲۲۲)

«پیدایش درک و فهم نسبت به زندگی مشترک، در کنار شور و احساس عمیق نسبت به ازدواج، بیانگر شروع بهار ازدواج است. همچنان که بهار، با آغاز رویش های خود، از سبز شدن زمین و شروع شکوفه هایی خبر می دهد که به رسیدن میوه ها و ثمرات آن منجر می شود، ورود به سن جوانی نیز خبر از بهار ازدواج می دهد. شکوفه هایی که بی اعتنایی به شکل گیری آنها و نادیده گرفتن آمادگی مستتر در آنها، می تواند موجب بروز خسارت هایی شود که جبران آن کمتر ممکن می شود»^۱.

«اگرچه جوان با افزایش سن به درک و برداشت های جامع تری دست پیدا می کند و قابلیت هایش هم در زمینه ی پذیرش مسئولیت های زندگی رشد بهتری پیدا می کند و این امر شرایط شکل دهی زندگی مشترک را بهتر و راحت تر می کند؛ اما نمی توان به هرز شدن نیازها و استهلاک فکری و رفتاری جوان، در ارتباط با نیاز به ازدواج بی اعتنا بود. آنهایی که تأخیر در ازدواج را به گمان فراهم شدن شرایط بهتر و آمادگی بیشتر تجویز می کنند، باید نسبت به این آثار که به خاطر نیاز مستمر و فراگیر و پرحجمش، فکر و فعالیت های فرد را درگیر و مستهلک می کند هم بذل توجه کنند. نمی شود یک اثر مفید را دید و جمع کثیری از آثار مضر را در غیاب آن ندید»^۲؛ بنابراین «برای ازدواج باید به حدی از رشد شناختی، عاطفی و رفتاری رسید که شایستگی ها و توانمندی های لازم برای آغاز زندگی مشترک به دست آید. این حداقل ها با پذیرش نقش ها و موقعیت جدید، رشد کرده و کامل تر می شوند»^۳.

پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

دخترها و پسرهای مجرد را همسر دهید، همانا خداوند خلق و خوی آنان را نیکو

می کند، روزی آنان را وسعت می دهد و جوانمردی آنها را افزایش می دهد.^۴

در این کلام به مسلمانان تذکر داده شده که ازدواج خود عاملی برای رشد اخلاقی، اقتصادی و اجتماعی فرد محسوب می شود. «در برخی کشورها معمولاً فرزند خانواده در سنین ۱۸ سالگی از خانواده خود جدا می شود و زندگی مستقلی را از حیث مالی، عاطفی و اجتماعی در

۱. نک: حبشی، کتاب ازدواج، (تأسیس)، ص ۸۴.

۲. همان، ص ۸۵.

۳. جانباز، از من تا آمد آمادگی ازدواج، ص ۲۳.

۴. «رَوْحُوا أَيْمَانَكُمْ فَإِنَّ اللَّهَ يُخَيِّنُ لَهُمْ فِي أَخْلَاقِهِمْ وَيُوَسِّعُ لَهُمْ فِي أَرْزَاقِهِمْ وَيَزِيدُهُمْ فِي مَرْوَاتِهِمْ». (مجلسی، بحار الانوار،

فارغ از مسئولیت دولت در آسان سازی ازدواج، در منابع اسلامی تأکید شده که در صورت مهیا بودن مقدمات اولیه ازدواج، دختر و پسر نباید به دلایل واهی ازدواج را به تأخیر اندازند و از مشکلات و موانع ازدواج بیم به دل راه دهند؛ زیرا خداوند پشتیبان آنها خواهد بود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «بر خداوند است یاری کسی که برای رعایت و کسب عفاف و دوری از حرام ازدواج می کند»^۱.

دختر و پسر جوانی که با فراهم شدن مقدمات اولیه ازدواج به آن اقدام می کنند، از فواید و برکات ازدواج، که به بخشی از آن اشاره شد، زودتر بهره مند می شوند؛ اما امروزه امور مختلفی سبب تأخیر در ازدواج می شود؛ از جمله: افزایش سطح توقعات مادی و غیرمادی فرد و خانواده؛ آداب و رسوم دست و پاگیر و غلط؛ گرایش پسران جوان برای احراز موقعیت های بالای اقتصادی و اجتماعی پیش از ازدواج و تمایل برخی دختران برای کسب موقعیت هایی همانند مردان و اشتغال در مشاغل خارج از خانه؛^۲ رعایت ترتیب در ازدواج فرزندان؛ ترس و نگرانی از ازدواج ناشی از سوء سابقه ذهنی؛ تغییر معیارهای گزینش همسر و گرفتار شدن به آرمان زدگی و ایده آل خواهی افراطی در انتخاب همسر؛ نداشتن خواستگار مناسب؛ سربازی و اشتغال به تحصیل.

به هر حال وقتی ازدواج به تأخیر می افتد، شور عاطفی در سنین بالا کاهش می یابد و خستگی روانی رایج در این سنین از لذت ازدواج می کاهد.

✓✓ در این بخش به تعدادی از موانع ازدواج و راه کارهای برطرف کردن آنها توسط دختر و پسر که مایل به ازدواج هستند اشاره می شود.

۱. اشتغال به تحصیل

بسیاری از دانشجویان، اشتغال به تحصیل را مانع ازدواج می دانند و تصور می کنند ازدواج مانع پیشرفت تحصیلی آنان می گردد؛ در حالی که هرچند ازدواج سبب می شود آنها ساعات کمتری درس بخوانند، بازده آن بهتر و بیشتر خواهد بود.

نکته تأمل برانگیز اینکه امروزه سطح تحصیلات برخی از دختران بالاتر از سطح تحصیلات پسران است. باید توجه داشت که ارزیابی و قضاوت درباره تفاوت تحصیلات دخترها و

۱. «حَقُّ عَلَى اللَّهِ عَوْنُ مَنْ نَكَحَ الْيَمَاسَ الْعَقَافَ عَمَّا حَرَّمَ اللَّهُ» (متقی، کنز العمال، ج ۱۶، ص ۲۷۶)

۲. پژوهشی در سال ۲۰۰۴ با عنوان «زنان حرفه ای تنها، یک پدیده جهانی، چالش ها و فرصت ها» منتشر شد و نشان داد که بسیاری از زنان حرفه ای در جهان مجرد مانده و چالش های مشترکی دارند.

پسرهای آماده ازدواج باید با عنایت به هوشمندی، کفایت عقلانی، تجارب ارزشمند حرفه‌ای و بینش اجتماعی طرفین انجام پذیرد. درواقع صرف تفاوت در میزان تحصیلات نمی‌تواند و نباید مانعی برای ازدواج باشد. «چه بسا پسرهایی که با وجود بهره‌مندی از ظرفیت هوشی بالا و رشد مطلوب عقلانی و امکان ادامه تحصیلات دانشگاهی، به دلایلی از جمله کسب مهارت‌های موردنیاز، بضاعت مالی محدود و اشتغال به کار موفق به تحصیلات دانشگاهی نشده‌اند. بی‌تردید برخورداری پسر از تجارب حرفه‌ای مفید و ارزشمند از نظر منطقی به مراتب از صرف تحصیلات نظری ارزشمندتر است»؛^۱ ازاین‌رو پسر و دختر در چنین شرایطی می‌توانند همسر شایسته‌ای برای یکدیگر باشند؛ به شرط آنکه:

- ✓ یک. پسر فهمیدگی لازم را برای پذیرش مدیریت خانواده داشته باشد؛ دوست‌دار دانش باشد و مانع تحصیل همسرش نشود و همچنین دارای ویژگی برتری نسبت به همسرش از حیث اطلاعات عمومی یا سطح خانوادگی باشد.
- ✓ دو. زن ظرفیت پذیرش مدیریت شوهری با تحصیلات کمتر را داشته باشد.

۲. مسائل اقتصادی

مسائل اقتصادی هرچند مسئله‌ای مهم و واقعیتی انکارناپذیر است، نباید آن را مانع ازدواج دانست. اگر امکانات لازم و ابتدایی برای زندگی مشترک وجود داشته باشد، می‌توان برای ازدواج اقدام کرد. در این زمینه:

یک. باید به خداوند متعال توکل کرد. خداوند در قرآن وعده فرموده: «اگر نیازمند باشند، خدا از بخشش خود آنان را توانگر می‌سازد».^۲

دو. پسران ضمن پایین آوردن سطح توقعات شغلی خود بکوشند تا شغل مناسبی بیابند و در این راه از پرداختن به مشاغل پاره‌وقت و نیمه‌وقت امتناع نکنند. با تلاش و توکل به خدا می‌توان در آینده صاحب موقعیت‌های شغلی مناسب‌تری شد.^۳

سه. دختران نیز هنگام انتخاب همسر توجه کنند که پسر جوهره کار و قابلیت تأمین امکانات موردنیاز را داشته باشد. اگر پسر اهل کار و تلاش است، اما هنوز نتوانسته نیازهای زندگی را برآورده کند، می‌تواند از حمایت خانواده تا زمان فراهم شدن امکانات بهره‌مند باشد.

۱. افروز، «تحصیلات و تفاوت‌های تحصیلی در ازدواج»، ص ۱۱-۱۲.

۲. «إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ». (سوره نور، آیه ۳۲)

۳. به برخی شیوه‌های اشتغال مناسب در آغاز ازدواج، در فصل سوم اشاره خواهد شد.

چهار. برای ازدواج نباید توقعات بالایی در میزان مهریه، جهیزیه و مسکن داشت. اگر این امور، ساده گرفته شود، ازدواج آسان و شیرین خواهد شد. برای کمتر شدن مخارج ازدواج، خانواده‌ها با جلوگیری از تجمل‌گرایی و چشم‌وهم‌چشمی، برای برگزاری جشن ساده بکوشند تا برای فرزندشان امکانات ازدواج فراهم شود. در غیر این صورت چه بسا فشار مالی که به دختر، پسر و خانواده آنها وارد می‌شود و دغدغه اقساط وام‌هایی که برای امور غیرضروری ازدواج دریافت شده، زندگی مشترک را از آغاز با کدورت مواجه می‌سازد. در سال‌های اخیر مؤسساتی نیز برای برگزاری آسان‌تر مراسم ازدواج با حذف واسطه‌ها، خدمات مقرون به صرفه‌تری را ارائه می‌دهند.

«آنچه به ازدواج رسمیت می‌بخشد خطبه عقدی است که بین دختر و پسر جاری می‌شود و آن دو را همسر یکدیگر قرار می‌دهد تا عمری زیر یک سقف زندگی مشترک داشته باشند؛ سایر مراسم، حواشی آن است تا ازدواج را مزین سازد. گاهی، افراد به حواشی ازدواج بیش از اصل آن می‌پردازند و مراسم مصرف نمایی عروسی را چنان مفصل برگزار می‌کنند که از آغاز ازدواج، هم فشار اقتصادی به خانواده‌ها وارد می‌شود و هم به دلیل چشم‌وهم‌چشمی، سد بزرگی برای ازدواج جوانانی که خواستار ازدواج هستند ایجاد می‌کند. این مراسم محتوا و قالب اقتصادی ازدواج را افزایش و محتوا و قالب فرهنگی آن را کاهش می‌دهد. اسراف متظاهرانه افزایش می‌یابد و مراکزی هم که به ازدواج و برنامه‌ریزی آن به دید یک شغل نگاه می‌کنند، از طریق تبلیغات و انتشار پیام در فضای مجازی یا حقیقی به ایجاد میل کاذب دریافت خدمات جانبی چون تنوع در خدمات غذایی و نوشیدنی، اجاره مکان برگزاری مراسم، عکاسی و فیلم برداری، لباس عروس، تزیین ماشین عروس، موسیقی زنده و... دامن می‌زنند.»^۱ آمار ثبت ازدواج نیز نشان دهنده آن است که در سال‌های فراگیری کرونا به دلیل حذف مراسم پرهزینه عقد و عروسی، میزان ازدواج جوانان افزایش چشمگیر داشته است. پنج. در صورتی که در منزل پدر دختر یا پسر، امکانات خلوت مناسب زوج جوان فراهم باشد، می‌توان فاصله عقد تا عروسی را طولانی‌تر کرد تا پسر امکان تهیه مسکن، و دختر امکان تهیه جهیزیه را بیابد.

شش. در صورت امکان، زوج جوان در آغاز زندگی از امکانات مسکن والدین استفاده نمایند. هفت. بستگان زوج جوان توجیه شوند که به جای هدایای غیرنقدی کم‌اهمیت [غیر ضروری]،

۱. نک: مسعودی و دیگران، «مراسم پیشکاری، نمود مصرف نمایی مناسک ازدواج».

هدایای نقدی به آنها بدهند. این هدایا کمک می‌کند تا اقساط وام‌هایی که برای خرید جهیزیه یا تهیه مسکن دریافت شده آسان‌تر پرداخت شود.

هشت. در تعیین مهریه به شرایط اقتصادی مرد توجه شود و با تعیین مهریه زیاد، دختر (و اساساً خود ازدواج) وجهه اقتصادی پیدا نکند.

نه. در صورت امکان والدین دختر برای تهیه جهیزیه، فقط به موارد ضروری اکتفا کنند و بقیه هزینه جهیزیه را برای تهیه مسکن در اختیار زوج جوان قرار دهند.

یکی از موانع ازدواج دشواری تهیه جهیزیه است؛ خصوصاً آنکه چشم‌وهم‌چشمی و رقابت منجر به اصرار بر تهیه جهیزیه مفصل شده است. جهیزیه مفصل نیز نیازمند مسکن بزرگ برای جای دادن جهیزیه، مخارج جانبی برای رعایت تناسب با جهیزیه، مانند مهمانی مفصل، خرید سرویس طلا و حلقه گران‌قیمت، لباس‌گران‌بهای عروس و داماد، اجاره سنگین باغ و سالن، هزینه زیاد عکس و فیلم‌برداری و... است. این مخارج علاوه بر آنکه اسراف و حرام است، چه بسا سبب کدورت‌هایی از همان آغاز ازدواج شود. در ضمن منجر به رقابت بیشتر و دشواری ازدواج دخترانی می‌شود که توان تهیه جهیزیه سنگین را ندارند. دانشجویان می‌توانند فرهنگ صمیمیت و سادگی در مراسم ازدواج را جایگزین فرهنگ تجمل و اشرافی‌گری کنند.

ده. از آنجاکه تأمین جهیزیه در بیشتر مناطق ایران بر عهده خانواده دختر است، گاهی فقر فرهنگی، پافشاری بر آداب و رسوم غلط و مقایسه خود با دیگران، این ماجرا را به معضل تبدیل می‌کند.

باید توجه داشت از نظر اسلام و قانون، تهیه جهیزیه بر عهده دختر و خانواده وی نیست و این تنها رویه‌ای عرفی است. در واقع جهیزیه برای آغاز زندگی مشترک است و با همت طرفین، وسایل زندگی کامل‌تر خواهد شد؛ از این رو اگر جهیزیه مختصر بود و برخی ایراد گرفتند و رفتار نامناسبی نشان دادند، مرد باید مدافع همسرش باشد و زن نیز نباید در موضع دفاع قرار گیرد؛ زیرا پاسخ به هر ایرادی لازم نیست.

۳. خدمت سربازی

خدمت سربازی مانع اساسی برای ازدواج محسوب نمی‌شود؛ ضمن آنکه حمایت‌های والدین در دوره کوتاه سربازی به آنها کمک خواهد کرد. افزون بر این، مرد در دوران سربازی

در محل سکونت خود و همسرش خدمت می‌کند و از سال ۱۴۰۱ حقوق سربازی آنان نیز بیشتر شده است. گاه می‌توان با توافق همسر، مراسم عروسی را تا پایان دوران خدمت سربازی به تعویق انداخت.

۴. باورهای اشتباه در رابطه با ازدواج نام‌نمود

برخی از باورهای نادرست در زمینه ازدواج عبارت است از:

۱. ترس از محدود شدن آزادی‌های دوران مجردی؛ حال آنکه:

یک. از دست دادن برخی از آزادی‌های دوران مجردی، بهای رشد و آرامش گران‌بهای است که بر اثر تأهل به دست می‌آید؛

دو. برای اینکه حس نبود آزادی به وجود نیاید، بهتر است طرح تازه‌ای برای روابط با دوستان در نظر گرفته شود تا از روابط دوره مجردی در حد متعادل استفاده شود؛

سه. هنگام انتخاب همسر نظری درباره آزادی‌های دوران مجردی و حفظ مواردی که برای فرد مهم است، پرسیده شود تا در این زمینه به تفاهم برسند.

۲. ترس از مشکلات زندگی؛ حال آنکه:

یک. یادآوری سابقه پیروزی بر مشکلات گذشته به خوبی می‌تواند باعث افزایش امید و در نتیجه موجب کاهش ترس باشد؛

دو. مشورت با افراد موفق در زندگی برای کاهش ترس از مواجهه با مشکلات زندگی مشترک، بسیار مؤثر است؛

سه. در انتخاب شریک زندگی باید به توانایی وی در حل مشکلات دقت شود؛

چهار. به خداوند توکل و به رحمت بی‌کران او اعتماد شود؛ زیرا مشکلات و سختی‌ها با یاری خدا تمام خواهد شد؛ ضمن آنکه پس از ازدواج برای حل مشکلات، همراهی به نام همسر وجود خواهد داشت.

سعدی گوید:

همه روز اگر غم‌خوری غم مدار چو شب غم‌گسارت بود در کنار

کرا خانه آباد و هم‌خوابه دوست خدارا به رحمت نظر سوی اوست^۱

۲. مقایسه با دیگران؛ راز انتخابی صحیح، تناسب زن و مرد با یکدیگر است، نه تناسب با

دوستان و آشنایان. مقایسه خود با دیگران، نتیجه‌ای جز یأس یا بالا رفتن توقعات ندارد. بنابراین هرکس باید خود را فقط با توانمندی‌ها و محدودیت‌های خود مقایسه کند تا با رسیدن به سطحی از خودشناسی، تصمیم مناسبی برای ازدواج بگیرد. مقایسه فرصت‌های ازدواج خود با سایر افراد (دوستان، فامیل و...) گاه به بهای ازدست دادن موقعیت‌های مناسبی تمام می‌شود که هرگز باز نمی‌گردد.

۴. تأکید بر ازدواج خواهر بزرگ‌تر؛ در این‌گونه موارد، ازدواج خواهر کوچک‌تر پیش از خواهر بزرگ‌تر باید به‌گونه‌ای صورت گیرد که موجب سرشکستگی وی نشود؛ بنابراین: یک. والدین با خواهر بزرگ‌تر سخن بگویند و موافقت او را برای ازدواج خواهر کوچک‌تر جلب نمایند؛

دو. والدین علت این امر را واضح و مستدل برای بستگان و دوستان بیان کنند؛ سه. عزت و احترام دختر بزرگ‌تر حفظ شود و محاسن وی، البته نه به صورت ترحمی، در میان جمع بیان گردد؛

چهار. با خواهر بزرگ‌تر درباره ازدواج خواهر کوچک‌تر مشورت شود. والدین نباید وی را در مقابل تصمیم انجام‌شده قرار دهند؛ زیرا این موضوع ممکن است ضربه روحی به او وارد کند. اگر پیشنهاد اقدام برای ازدواج خواهر کوچک‌تر از سوی خواهر بزرگ‌تر باشد، بهتر است.

۵. نیافتن فرد مناسب

امروزه به دلیل کم‌رنگ شدن ارتباط‌های فامیلی، کاهش مهمانی‌های دسته‌جمعی و صمیمانه و نیز کم شدن احساس مسئولیت بستگان، دوستان و آشنایان در معرفی دختر و پسرهای هم‌شان، یکی از موانع ازدواج نیافتن فرد مناسب است. کسی که همسر شایسته خویش را نیافته، باید چند نکته را در نظر بگیرد:

یک. انصراف از برخی معیارهای فرعی: برای مثال، اگر شرط کسی در انتخاب همسر، سید بودن یا تحصیلات عالی اوست، از آنجاکه این دو از ملاک‌های اساسی نیست، باید آنها را کنار نهاد تا دایره انتخاب وسیع‌تر شود.

دو. بالا بردن شایستگی‌ها: توجه به ارتقای مهارت‌ها و توانمندی‌ها و از بین بردن نقاط ضعف خود می‌تواند مؤثر باشد. برای مثال پسر تلاش کند شغلی حتی پاره‌وقت داشته باشد

و دختر نیز شیوه ارتباطات اجتماعی و از همه مهم‌تر، اخلاق فردی خود را بهبود بخشد. همچنین شخص باید از رفتار و گفتار نامناسب پرهیزد و نقاط ضعفی را رفع کند که در ازدواج مورد توجه دیگران است.

سه. حضور فعال در اجتماعات سالم: حضور اجتماعی بستری مناسب برای انتخاب شدن است. گذشته از این، حضور صمیمانه در جمع بستگان به دلیل آنکه علاقه ویژه و شناخت بیشتری به انسان دارند و کمک به آنها، سبب جلب رحمت الهی خواهد شد و با توجه به اینکه آنان عموماً درباره سرنوشت فرد دل‌نگرانی هم دارند، چه بسا زمینه ازدواج او را فراهم سازد. در این زمینه احساس مسئولیت همگانی نیز حائز اهمیت است. بدین بیان که اگر افراد در بین اعضای فامیل و دوستان، دختر و پسر را سراغ دارند که مناسب همدیگرند، با رعایت اصول اخلاقی، آنها را به یکدیگر معرفی کنند؛ در روایات نیز به این موضوع توصیه شده است. البته دعا و اصرار بر دعا، توکل به خداوند و توسل به اهل بیت علیهم‌السلام را نیز نباید نادیده انگاشت.

✓ ۶. موانع خانوادگی

① ۱-۶. مخالفت والدین

در صورتی که پدر یا مادر با ازدواج فرزند مخالفت کنند، آغاز زندگی مشترک با اضطراب و تنش همراه خواهد شد. در این زمینه می‌توان اقدامات زیر را انجام داد:

یک. بهتر است فرد علت مخالفت آنها را جويا شود و به دلایل آنها بیندیشد؛ شاید آنان دلیل منطقی و موجهی داشته باشند که در این صورت او باید در تصمیم خود بازنگری کند. اگر علت مخالفت آنان غیرمنطقی بود، با آرامش و احترام و رعایت روابط عاطفی صحیح، آنان را با خود همراه سازد. فرد نباید با عقاید غیرمنطقی والدین به صراحت مخالفت کند، بلکه در ابتدا بخشی از سخنان آنها را بپذیرد و به تدریج خواسته‌های خود را مطرح نماید. دو. از فردی کمک بگیرد که دلایل او را درک می‌کند و می‌پذیرد و بر پدر و مادر او نیز نفوذ دارد. این فرد می‌تواند یکی از بستگان، دوستان پدر یا مادر، استاد یا مشاور یا روحانی باشد. سه. برای متقاعد کردن پدر و مادر، ابتدا هریک را که کلامش نزد او نافذتر است، با خود همراه سازد.

چهار. بر محبت و احترام خود به آنها بیفزاید تا محبت و رضایت آنها را بیشتر جلب کند.

۲۱. ۲-۶. طلاق پدر و مادر

اگر طلاق پدر و مادر مانع ازدواج است، باید توجه داشت:

یک. برخی نگران دعواها و درگیری‌های والدین و تأثیر منفی آن بر دختر و پسر هستند؛ حال آنکه چه بسا دعواها و اختلافات، پنهانی و دور از چشم فرزندان بوده است.

دو. عده‌ای نگران خلأهای عاطفی فرزندان طلاق هستند؛ درحالی که ممکن است این خلأ را پدر بزرگ، مادر بزرگ یا سایر افراد فامیل جبران کرده باشند یا شخص فردی خود ساخته باشد.

سه. برخی نگران تربیت ناصحیح فرزند طلاق هستند؛ حال آنکه چه بسا فردی که نگهداری او را بر عهده گرفته، به خوبی وی را تربیت کرده باشد. بنابراین:

الف. از آنجاکه هر دختر یا پسر دیگری نیز امکان دارد دارای ضعف‌های اعتقادی، اخلاقی و رفتاری باشد، در برخورد با فرزند طلاق نیز می‌باید فرایند تحقیق همچون دیگران انجام پذیرد؛

ب. در جلسات خواستگاری ضمن مطرح کردن به موقع این موضوع، باید دلایل طلاق والدین برای خانواده طرف مقابل توضیح داده شود. این کار سبب می‌شود تا آنها موقعیت را بهتر درک کنند؛

ج. می‌توان از پدر یا مادری که با او زندگی نمی‌کند تقاضا کرد تا برای حمایت از ازدواج فرزندش در یکی دو جلسه خواستگاری حضور یابد. برخی والدین از این تقاضا استقبال کرده و حمایت‌گر خوبی برای ازدواج فرزندشان خواهند بود.

۲۲. ۳-۶. سوء سابقه والدین

سوء سابقه والدین نیز مانع ازدواج فرزندان نیست؛ اما در این زمینه بررسی و تحقیق ضروری است. اگر سایه بدنامی، اعتیاد، انحراف اخلاقی، بزه‌کاری یا حبس والدین زندگی آینده را تهدید می‌کند، برای اطمینان بخشی به طرف مقابل باید توضیح داد که شخصیت او متمایز از فضای حاکم بر خانواده است. همچنین افزایش توانایی‌های فردی و تلاش برای یافتن وجهه اجتماعی مثبت برای خود در جامعه نیز امری ضروری است.

۲۳. ۷. سابقه طلاق یا فوت همسر

امروزه شاهد تعداد فراوان زنان و مردانی هستیم که به دلیل طلاق یا فوت همسر، مجرد هستند. سرشماری سال ۱۳۹۵ (آخرین سرشماری ملی نفوس و مسکن) بیانگر آن است که

در این سال ۳۰۶/۵۶۰ زن ۳۰ تا ۵۰ سال و ۲۸/۵۳۷ مرد در همین سنین بر اثر فوت همسر، مجرد بوده‌اند. علاوه بر آن، تعداد ۴۱۹/۶۵۴ زن و ۲۵۱/۳۴۱ مرد در همین سنین بر اثر طلاق همسر، بدون همسر بوده‌اند.^۱

لازمه پاسخ به نیاز این افراد آن است که خانواده، دوستان و بستگان این افراد مقدمات مناسب را برای ازدواج افراد هم‌تا و هم‌شان از این گروه را با یکدیگر فراهم سازند. بسیاری از دختران و پسرانی که به دلایل مختلف از همسر خود جدا شده‌اند یا همسر آنان فوت کرده، افراد بسیار مناسبی برای ازدواج با یکدیگرند، هرچند برای موفقیت در ازدواج مجدد این افراد توجه به نکات زیر مناسب است:

یک. از زمان طلاق یا فوت همسر حدود شش ماه گذشته باشد تا تنش‌های روانی پس از طلاق یا فوت همسر از بین رفته یا کاهش یافته، و آرامشی که لازمه تصمیم‌گیری صحیح است، فراهم شده باشد؛

دو. در ازدواج دوم نیز شایستگی‌های لازم و معیارهای اصلی ازدواج در نظر گرفته شود؛ سه. در ازدواج مجدد پس از طلاق باید درباره علت طلاق تحقیق دقیق صورت گیرد؛ در ضمن از پیامدهای حقوقی و رفتاری پس از طلاق نیز اطلاع حاصل شود. مثلاً اگر مرد ماهیانه اقساط مهریه همسر سابق خود را می‌پردازد یا اگر هنوز تعلق عاطفی بین خواستگار با همسر سابق او وجود دارد یا....

چهار. در صورت وجود فرزند باید اطمینان یافت که آیا همسر جدید صلاحیت رسیدگی به فرزند را دارد یا خیر؟ اگر حضانت فرزند با همسر سابق است، نحوه ارتباط با همسر گذشته به واسطه وجود فرزندان چگونه برنامه‌ریزی می‌شود؟ اگر همسر دارای فرزند است، برنامه‌ریزی و روش او برای نگهداری و تربیت فرزندش چیست؟ پنج: یکی از مناسب‌ترین افراد برای ازدواج پس از طلاق، همسر سابق است. بنابراین اگر مرد یا زنی پس از جدایی به این نتیجه رسید که همسرش فرد سالمی با خطاهای جزئی و رفع‌شدنی بوده و خودش نیز اشتباهاتی داشته که تصمیم دارد آنها را اصلاح کند، ازدواج مجدد آن دو با هم مناسب است؛ همان‌گونه که قرآن کریم می‌فرماید: «و در این [مدت]، شوهرانشان برای بازگرداندن آنها [به زندگی مشترک] سزاوارترند، اگر خواهان اصلاح باشند».^۲

۱. مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ ش.

۲. «وَيُؤْمَلُّنَّ أَحَقَّ بِرَدِّهِنَّ فِي ذَلِكَ إِنْ أَرَادُوا إِصْلَاحًا». (سوره بقره، آیه ۲۲۸)

انتخاب همسر شایسته

پس از رفع موانع ازدواج، مهم‌ترین مسئله انتخاب صحیح شریک زندگی است. برای این امر نکاتی چند را باید در نظر گرفت:

۱. ضرورت شناخت خود

انسان تا خود را به خوبی نشناسد، نمی‌تواند تشخیص دهد که چه کسی هم‌تا و هم‌شان اوست؛ از این رو بهتر است فرد ابتدا ویژگی‌های جسمانی، اخلاقی، اعتقادی و خانوادگی خود را مشخص کند.

برای شناخت خود برگه‌ای بردارد و مشخصات مختلف خود را یادداشت کند؛ ویژگی‌هایی از این دست: ظاهری، اعتقادی و مذهبی، اخلاقی، روحیه و منش رفتاری، فرهنگی، اقتصادی، خانوادگی، سیاسی، اجتماعی، میزان هوشمندی و سطح تحصیلات، خصلت‌های شخصیتی، سلیقه‌ها، برنامه زندگی و حساسیت‌ها.

برای تشخیص دقیق‌تر خوب است نظر دیگران را هم درباره خود بپرسد و هنگام یادداشت مشخصات خود، آن نظرات را هم لحاظ کند. صداقت در هنگام خودشناسی به انسان فرصت می‌دهد تا شخصیت پنهان خود را بهتر بشناسد و به اصلاح عیوب خود بپردازد و با توجه به ویژگی‌های خود هم‌تای خویش را انتخاب کند.

۲. معیارهای همسرگزینی

یکی از مهم‌ترین مراحل زندگی هر فرد، فرایند گزینش همسر است؛ زیرا انسان تا پایان عمر با پیامدهای انتخاب خود همراه است. پس از معیارهای انتخاب همسر ضروری هستند، اگر در همسر آینده یافت شود مناسب است. تعدادی نیز جزء آمال و آرزوهاست. معیارهای ضروری را باید در همسر آینده احراز کنیم، معیارهای مناسب اگر حاصل شود بهتر است، ولی نباید مانع ازدواج شود و آمال و آرزوها را هم چون سیری ناپذیرند باید کنترل کرد. اسلام در انتخاب همسر بر چند معیار اساسی تأکید کرده است:

۱-۲. هم‌تایی و همانندی

اگر فلسفه ازدواج مشخص باشد، ما را به معیارهایمان برای انتخاب همسر نزدیک می‌سازد. بدین ترتیب معیارهایی که با مقصود ما از ازدواج بی‌ارتباط است، حذف می‌گردد.

قرآن کریم هدف و فلسفه ازدواج را «آرامش» آدمی می‌داند. قطعاً این آرامش در مسیر هدایت انسان رقم خورده است؛ بنابراین تمام معیارها، یعنی خصوصیات ظاهری، روحی، فکری، اخلاقی، اجتماعی، اعتقادی و خانوادگی، باید با توجه به میزان ایجاد آرامش تعالی بخش ارزیابی گردد. بنیادی‌ترین مسئله در ازدواج که موجب آرامش آدمی می‌شود، اصل همتایی است. آرامش در سایه ازدواج با فردی حاصل می‌شود که همتای ماست، نه فراتر یا فروتر از ما.

تعالیم اسلام در گزینش همسر بر اصل «کفو بودن» تأکید دارد؛ بدین معنا که زن و مرد تقریباً همتا باشند؛ البته این هم‌سانی بیشتر در خصوص ایمان است و زن و مرد به سبب ایمان، همتای یکدیگر دانسته شده‌اند.^۱ روایات اهل بیت علیهم‌السلام هم یکی از معیارهای همسر شایسته را ایمان او ذکر کرده‌اند.^۲ مقصود از ایمان رویکردی کلی است که فرد از دین و مذهب به دست می‌آورد. این رویکرد موجب می‌شود وی در برابر آفریدگار خویش به مجموعه‌ای از باورها، کارها و رفتارهای ویژه در زندگی پایبند باشد.^۳ ایمان مذهبی از دو راه، خوشبختی بیشتری را برای همسر به ارمغان می‌آورد:

یک. فرد با ایمان، به سبب ارتباط قلبی با خدا و برخورداری از نیروی کنترل‌کننده درونی، فردی قابل اعتماد است؛

دو. از آنجاکه به نظام اعتقادی و ارزشی مشخصی معتقد است، ثبات شخصیت بیشتری دارد.

مطابق آنچه گفته شد دختر و پسر تفاهم بیشتری خواهند داشت که تناسب بیشتری با هم داشته باشند؛ از این رو تناسب در اعتقادات خانواده و فرهنگ و شخصیت فرد مهم است. درباره خانواده و فرهنگ هرچه هم‌سانی بیشتر باشد، تفاهم بیشتر خواهد بود؛ اما

۱. «أَنْتِكُمْ أَلَا كَفَاءَ وَأَنْتِكُمْ مِنْهُمْ وَاخْتَارُوا لِنُطْفِكُمْ...» (با همتایان خود ازدواج کنید و از همتایان خود همسر گزینید و

برای فرزندان خود فردی را پدر و مادر او قرار دهید که همتای خودتان باشد). (مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۳۶)

۲. «الْمُؤْمِنُ كُفُوُ الْمُؤْمِنَةِ وَالْمُسْلِمُ كُفُوُ الْمُسْلِمَةِ» (مرد با ایمان همتای زن با ایمان و مرد مسلمان همتای زن مسلمان است). (همان، ص ۴۴)

۳. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «هرگاه خواستگاری نزد شما آمد و دین‌داری و امانت‌داری او را پسندیدید، به او زن بدهید که اگر چنین نکنید، در روی زمین تبه‌کاری و فساد بسیار پدید خواهد آمد» (نک: همان، ص ۳۷۲). و نیز فرمود:

«با زنان [فقط] به سبب زیبایی آنها ازدواج نکنید که چه بسا زیبایی آنها، خوارشان می‌سازد و با آنها [فقط] به جهت ثروتشان ازدواج نکنید که چه بسا ثروتشان سبب طغیان‌شان می‌شود. با زنان برای دین و ایمانشان ازدواج کنید»

(متقی، کنز العمال، ج ۱۶، ص ۲۹۲).

۴. آذربایجانی، مقیاس سنجش دین‌داری، ص ۲۶.

درباره شخصیت باید گفت: در بیشتر صفات، همسانی موجب تناسب است؛ اما در برخی ابعاد شخصیتی دیگر باید دید که طرف مقابل باید دارای چه ویژگی‌ای باشد که سبب آرامش ما شود؛ مثلاً اگر ما کم حرف هستیم، باید ببینیم که آیا کم حرفی خود را نقطه ضعف می‌دانیم یا آن را ویژگی خوبی می‌شمریم؛ اگر نقطه ضعف بدانیم، فرد کم حرف همسر مناسبی برای ما نیست و اگر ویژگی خوبی بشماریم، فرد کم حرف برای ما مناسب است. همچنین باید ببینیم از بین دوستانی که انتخاب کرده‌ایم، بیشتر به دوستان کم حرف تمایل داریم یا پُر حرف. بدین ترتیب می‌توان مصادیق کفویت را شناسایی کرد.

چکیده سخن اینکه کفو انسان فردی است که با او احساس آرامش ایجاد می‌شود. در برخی صفات، مانند اقتدارگرایی و اقتدارپذیری با نبود همسانی، تناسب بیشتری شکل می‌گیرد. در مورد تناسب فرهنگی هم باید توجه داشت که اگر تفاوت فرهنگی وجود داشته باشد:

- ✓ یک. فرد در صورتی که قدرت انطباق با شرایط جدید و متفاوت را دارد، این ازدواج را بپذیرد.
- ✓ دو. فرد پیش از ازدواج، با فرهنگ و آداب و رسوم طرف مقابل به خوبی آشنا شود تا با رعایت آن، مانع ایجاد اختلاف با وی یا خانواده و بستگان او شود. او باید خانواده خود را نیز در این زمینه توجیه کند.
- ✓ سه. اگر تفاوت فرهنگی بسیار زیاد باشد، این ازدواج چندان مناسب نیست؛ زیرا بیشتر اختلافات، ناشی از تفاوت اعتقادات و رفتارهای برخاسته از فرهنگ فرد است.

۲-۲. خوش اخلاقی

اساس زندگی زناشویی، سازگاری و تفاهم و همکاری است که این امور فقط در پرتو اخلاق نیک فراهم می‌شود.

۲-۳. سلامت

سلامت جسمانی و روانی نیز جزء شرایط لازم همسر مناسب به شمار می‌رود. گاه فرد دارای مشکلات جسمانی مهمی چون نقص یا عیب عضو، صرع یا برخی بیماری‌های اعصاب و روان است؛ در این صورت:

- یک. ابتدا فرد برای درمان بیماری خود بکوشد و سپس اقدام به ازدواج کند.
- دو. فردی را که قصد ازدواج با او دارد از وجود بیماری‌های مهمش، خصوصاً بیماری‌های

خطرناک مسری یا آنچه سبب اختلال در روابط زناشویی یا موجب نقص در فرزندان می‌شود، مطلع سازد؛ هرچند لازم نیست بیماری‌های درمان‌شده را مطرح کند. سه. در صورت ناممکن بودن درمان، فردی را برای ازدواج انتخاب کند که سه‌صدر لازم را برای پذیرش بیماری او داشته باشد.

چهار. در صورت وجود بیماری اعصاب و روان، حتماً با مشاور مشورت کند. اگر فردی پرخاشگر یا گرفتار سوءظن‌های زیاد یا وسواس یا افسردگی شدید است، ابتدا با یاری روان‌پزشک خود را درمان کند و سپس با راهنمایی مشاور، توانایی زندگی مشترک مطلوب را در خود ایجاد، و در انتخاب همسر از راهنمایی‌های او استفاده کند.

به جز صفات یادشده، سایر ملاک‌ها نسبی هستند؛ بدین معنا که باید آنها را با توجه به سایر ملاک‌ها و نیز ضعف یا قوت آنها در نظر گرفت. هرچند میزان حساسیت فرد به آن ملاک‌ها هم اهمیت دارد؛ از این رو اگر به موضوعی (مثلاً قد یا وزن) حساسیت زیاد دارید، حساسیت خود را کاهش دهید و در غیر این صورت آن را هم در زمره ملاک‌های اصلی خود لحاظ کنید.

✓ سن ازدواج ۲-۴. سن ازدواج

اگر دختر و پسر رشد فکری مناسبی برای زندگی مشترک دارند، نباید ازدواج آنان به تأخیر بیفتد. ازدواج در اوایل جوانی سبب می‌شود تا افراد از نعمت‌ها و برکات ازدواج زودتر بهره‌مند شوند و پیش از آنکه شخصیتشان قالبی محکم پیدا کند، در کنار یکدیگر رشد کنند. ازدواج در اوایل جوانی اغلب باعث انعطاف‌پذیری، گذشت، نشاط روحی بیشتر به همراه توقعات پایین‌تر، سازگاری بیشتر با همسر و در نهایت موجب آرامش بیشتر در زندگی خواهد شد.

البته «برای ازدواج در سنین بالا نیز باید یادآور شد این امر، مانع ازدواج نیست؛ زیرا بالا رفتن سن موجب کسب تجربه بیشتر شده و در نتیجه، زندگی آرامش خواهد یافت. درباره نگرانی از بارداری بانوان در سن بالا نیز باید توجه داشت که خانم‌ها تا پس از چهل سالگی نیز باردار می‌شوند. افزون بر این، چه بسا افرادی در سنین پایین نیز از موهبت بچه‌دار شدن محروم باشند. مهم آن است که همسران در زندگی مشترک خود آرامش داشته باشند. به طور کلی سن حقیقی انسان برآیندی است از سه مؤلفه اصلی: سن شناسنامه‌ای

۲) سن زیستی یا بیولوژیکی و سن روانی و عقلانی و سرزندگی. گاه دو نفر دارای سن شناسنامه‌ای یکسان و سن زیستی متفاوتی هستند. برای مثال، فردی دارای موهای سفید بسیار و پوستی دارای کمی چین و چروک است؛ اما دیگری با همان سن، حتی یک تار موی سفید هم ندارد و سلامت دندان‌ها و پوست بدنش نشان‌دهنده سن زیستی کمتری است.

گاه نیز افراد با سن شناسنامه‌ای یکسان، سن روانی متفاوتی دارند. نشاط و سرزندگی، پویایی فکر، بلوغ عقلانی و قابلیت مطلوب همسررداری، قدرت و مهارت ابراز احساسات، انگیزه‌های تلاش، امیدآفرینی و امیدبخشی، توانمندی‌ها و مهارت‌های کلامی، هوش هیجانی و ارتباطات اجتماعی، نشان‌دهنده سن روانی و بلوغ عقلانی افراد است.^۱

نکته تأمل‌برانگیز آنکه با توجه به آمار دختران و پسران مجرد هرگز ازدواج نکرده، اگر پسران برای ازدواج با دخترانی با فاصله سنی ۵ یا ۶ سال کوچک‌تر از خود اصرار داشته باشند، بسیاری از دختران فرصت ازدواج را از دست خواهند داد؛ ولی اگر پسران مجرد با دخترانی با فاصله ۱ تا ۳ سال کوچک‌تر از خود ازدواج کنند، قریب به اتفاق دختران و پسران از نعمت ازدواج بهره‌مند خواهند شد. آمار طلاق در کشور نیز بیانگر آن است که ازدواج همسالان یا افرادی با فاصله سنی اندک، ازدواج‌های موفق‌تری بوده است. برای نمونه، آمار ازدواج و طلاق در چند سال اخیر نشان می‌دهد که بیشترین نسبت ازدواج به طلاق بین زوج‌های همسال اتفاق افتاده است؛ به این معنا که بیشترین ازدواج و تعداد اندک طلاق در بین زن و شوهرهای هم‌سن بوده است. پس از آن نیز در میان زوج‌هایی بوده که پسر یک یا دو سال از دختر بزرگ‌تر بوده است.^۲ کم بودن طلاق در بین همسالان به دلیل نقش همفکری و همدلی بیشتر بین همسران با فاصله سنی اندک است؛ از این رو مناسب است پسران به ازدواج با دخترانی با فاصله سنی اندک تشویق شوند.

نکاتی درباره ازدواج با تفاوت سنی معکوس: مطابق عرف و فرهنگ کشور ما، داماد معمولاً بزرگ‌تر از عروس است. اگر در شرایطی سن دختر بیشتر بود، لازم است دختران به این نکات توجه کنند:

یک. مراقب آثار گذر عمر بر جسم و روان خود باشند و از عواملی که آنها را فرسوده می‌کند

۱. نک: افروز، «سن و تفاوت‌های سنی در ازدواج»، ص ۱۰-۱۲.

(همچون حساسیت زیاد به مشکلات زندگی که نشاط روانی را از بین می برد یا آنچه سبب به هم خوردن تناسب اندام یا از بین رفتن طراوت پوست صورت می شود) بپرهیزند و بکوشند با ورزش و مراقبت های لازم، خود را جوان تر نگاه دارند.

دو. به علاقه ها و سلیقه های همسر جوان ترشان توجه کنند و رفتار خود را با آنها تنظیم نمایند. سه. ظرفیت پذیرش حرف های اطرافیان را داشته باشند. برخی از خانواده ها پذیرای این نحوه ازدواج نیستند، از این رو ممکن است در آغاز ازدواج برخی رفتارها مناسب نباشد، ولی به مرور این مسائل رنگ می بازد.

در زمینه معیار زیبایی در انتخاب همسر

۵-۲. رضایت از معیارهای ظاهری

یکی از عوامل مؤثر در رضایت از ازدواج، خشنودی و رضایت از ظاهر و زیبایی همسر است. در این موضوع چند نکته را باید در نظر داشت:

یک. در ملاک زیبایی نباید سخت گیری کرد. اگر فرد زیبارو توانایی حراست از زیبایی و محافظت از حریم خود و زیبایی اش را نداشته باشد، زندگی فاقد آرامش خواهد شد و زن یا مرد نگران خیانت دیگران به زندگی مشترکشان خواهند بود. علاوه بر آن، گاهی زیبایی همسر سبب غرور، تکبر و فخرفروشی او می شود که این امر زندگی مشترک را تلخ و تحمل ناپذیر خواهد ساخت. همچنین چه بسا زیبایی زیاد دختر یا پسر، برای کسانی که به برخورد جنس مخالف با همسرشان غیرت و حساسیت زیادی دارند، گرفتاری ایجاد کند، و فرد همواره نگران همسرش باشد. از این رو زن یا مرد زیبا با محدودیت های رنج آفرین همسر مواجه خواهند بود.

دو. هیچ فردی زیبایی مطلق ندارد؛ از این رو باید سطح توقع خود را درباره زیبایی همسر تعدیل کرد تا دچار وسواس در انتخاب و محرومیت از ازدواج بهنگام، نشد. باید توجه داشت که زیبایی امری شدنی است و فردی که برای ازدواج انتخاب می شود، با آرایش، لباس مناسب و... زیبا خواهد شد؛ همان گونه که برخی زیبارویان، زیبایی واقعی ندارند و در صورت محو پیرایه ها و آرایش ها هرگز مورد پسند نخواهند بود. همچنین باید توجه داشت که زیبایی پس از مدتی عادی می شود و آنچه مهم جلوه می کند، رفتار همسر است.

بنابراین اگر هنگام انتخاب، از معیارهای ظاهری فرد احساس انزجار یا اکراه ایجاد شود، مصلحت در انصراف از ازدواج است؛ ولی اگر تمایل ایجاد شد باید وجود سایر ویژگی های

مورد نظر را بررسی کرد، و اگر حالت تردید ایجاد شد، باید شناخت بیشتری به فرد مورد نظر پیدا کرد. چه بسا پس از آشنایی با سایر ویژگی‌های ارزشمند فرد، گرایش قلبی به او بیشتر شود؛ خصوصاً آنکه زیبایی امری ترکیبی است و چه بسا دختران خوش سخن و خوش اخلاق و پسران مهربان و فهمیده که پس از اندکی زندگی مشترک، در چشم همسر خود زیباترین فرد جلوه نمایند.

در هر صورت باید احساس خوشایندی به فرد مقابل ایجاد شود؛ ولی نخست باید طرفین اطمینان یابند که بینشان تطابق فرهنگی و خانوادگی و فکری و روحی وجود دارد و سپس به احساس بنگرند. آنها باید به یاد داشته باشند که در انتخاب عاقلانه، پس از ازدواج عشق و علاقه نیز ایجاد خواهد شد. این علاقه وعده الهی است که خداوند در قرآن به آن اشاره کرده و آن را یکی از نشانه‌های خود برشمرده است.^۱

۴. در موضوع معیارهای ظاهری، احساس دختر یا پسر مهم است، نه نظر خانواده یا اطرافیان او. دختر یا پسر قرار است عمری با همسر خود زندگی کنند، نه دیگران. علاوه بر آن گاه دختر یا پسر در چشم فرد مقابل زیبا جلوه می‌کند، حال آنکه دیگران او را نمی‌پسندند.

♦ برای مطالعه بیشتر

برخی موارد جزئی نیز در معیارهای انتخاب همسر باید مورد توجه قرار گیرد؛ از جمله:

یک. ازدواج فامیلی

از ازدواج فامیلی نباید نگران بود؛ چه بسا در این نوع ازدواج‌ها، تناسب بیشتری وجود داشته باشد و حمایت‌های فامیلی نیز بیشتر صورت گیرد. افزون بر این، شناخت از فرد مقابل بیشتر و دقیق‌تر، و امکان فریب بسیار کمتر است. علاوه بر این، از آنجاکه معمولاً آداب و رسوم، و اخلاق و اعتقادات فامیل شباهت بیشتری به هم دارد، تفاهم با همسر و خانواده او بیشتر است. در ازدواج فامیلی باید به این نکات توجه کرد:

- از مشاوره ژنتیک غفلت نشود؛

- ازدواج بر اساس انتخاب عاقلانه انجام شود، نه فقط پیروی از آداب و رسوم.

دو. تعداد زیاد جمعیت اعضای خانواده

برخی تعداد زیاد جمعیت اعضای خانواده را معیار مطلوب ازدواج نمی‌دانند، حال آنکه در خانواده‌های پرجمعیت:

- فرزندان معمولاً روابط عاطفی بهتری دارند؛ زیرا علاوه بر محبت پدر و مادر، طعم مهر خواهران و برادران را نیز می‌چشند؛

۱. «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً». (سوره روم، آیه ۲۱)

- عمدتاً افراد قانع‌تر و سازگارتری هستند؛
- تعامل اجتماعی این‌گونه فرزندان بهتر است و توان مدیریت بهتری برای حل مسائل دارند.

۳. شیوه آشنایی با فرد مناسب برای ازدواج

شناسایی فرد موردنظر برای ازدواج به صورت‌های مختلف صورت می‌پذیرد: گاه مادر یا خواهر پسر در بین دختران فامیل یا محله یا دوستان، دختری را شناسایی می‌کنند و پسر را در جریان می‌گذارند. آنها به خواستگاری می‌روند و در صورتی که دختر را پسندیدند، پسر نیز با دختر ملاقات می‌کند و در صورت توافق دختر و پسر، با هم ازدواج می‌کنند. گاهی نیز فردی واسطه معرفی شده و دخترانی را که می‌شناسد به خانواده پسر معرفی می‌کند و خواستگاری صورت می‌پذیرد. گاهی نیز دختر و پسر در محیط‌های آموزشی، محیط کار یا سایر اجتماعات و گاهی نیز از طریق ارتباط در فضای مجازی با یکدیگر آشنا می‌شوند و پس از انتخاب، خانواده را در جریان قرار می‌دهند تا خواستگاری رسمی هم صورت بگیرد. در این روش انتخاب همسر، گاه پس از دوره آشنایی نسبتاً طولانی، تصمیم به ازدواج مطرح می‌شود. هریک از این روش‌ها مزایا و معایبی دارد که با توجه به آن می‌بایست بهترین روش را با توجه به وضعیت خود برای انتخاب همسر برگزید.

۱-۳. آشنایی بدون واسطه

- افرادی که از این طریق اقدام به انتخاب همسر می‌کنند به دلایلی اشاره دارند از جمله:
- ناتوانی خانواده در شناسایی فرد مناسب برای ازدواج به دلیل مشغله زیاد یا در دسترس نبودن فرد مناسب یا اعتقاد به واگذاری انتخاب به خود فرزند؛
- سخت‌گیری خانواده و مانع تراشی برای ازدواج فرزند یا تحمیل نظرات خود به او؛
- احساس رضایت از انتخابی که با اختیار خودشان صورت پذیرفته؛
- آشنایی مستقیم و بدون واسطه با فرد موردنظر و اطمینان از جاذبه‌های ظاهری و رفتاری او؛
- فرصت بیشتر برای شناخت کامل فرد موردنظر؛ زیرا در خواستگاری رسمی تعداد جلسات آشنایی محدود است و ادامه آن پس از چند جلسه، خارج از حوصله والدین است.
- در ارزیابی این نحوه انتخاب همسر باید توجه داشت در مواردی که مانع ازدواج، ناتوانی یا کوتاهی والدین یا سخت‌گیری آنها در انتخاب همسر برای فرزندشان باشد، دختر یا پسر

آسان تر موفق به انتخاب می شوند؛ ولی می بایست توجه داشت که اگر این آشنایی در قالب دوستی صورت پذیرد، معمولاً شناخت صحیح و واقع بینانه صورت نمی پذیرد؛ زیرا دختر و پسری که با علاقه زیاد با یکدیگر ارتباط برقرار می کنند، ناخودآگاه بر معایب و نقایص یکدیگر چشم می بندند و عیوب هم را نمی بینند و حتی آنها را حسن تلقی می کنند. چنین نگرش معکوسی زائیده نیاز شدید عاطفی دختر و نیاز جنسی پسر است. این تصور واژگون، قدرت شناخت و اختیار انتخاب را سلب می کند و موجب کجروی در اتخاذ تدبیر می شود؛ زیرا اختیار انسان در تصمیم گیری تحت تأثیر دلبستگی اوست. در این نوع دوستی ها، تمرکز بر جاذبه هایی که سبب عشق و علاقه شده، باعث غفلت از امور مهم دیگر می شود. به بیانی دیگر، این امر موجب توجه به «ظاهر، رفتار، ابراز محبت فرد و نقاط قوت وی» می گردد و از این سو سبب «غفلت از باطن، افکار، فرهنگ و نقاط ضعف او» می شود. همچنین این دو نفر ناخودآگاه می کوشند فقط جنبه های مثبت خود را ابراز کنند و رفتارشان را به گونه ای جلوه دهند که با علایق طرف مقابل سازگار باشد. در این روابط، افراد تصویری غیرواقعی از یکدیگر خواهند داشت. به همین سبب پس از ازدواج زمانی که چهره واقعی فرد آشکار می شود، طرف مقابل دچار تعارض خواهد شد. علاوه بر آن ممکن است دختر و پسر با آسیب هایی مواجه شوند که در فصل اول برای تداوم رابطه عاطفی با جنس دیگر یا شکست این رابطه مطرح شد. افرادی هم که معتقدند انتخاب همسر از طریق دوستی سبب شکل گیری ازدواجی بر پایه عشق و محبت خواهد شد، اما امکان ایجاد این علاقه در خواستگاری های سنتی وجود ندارد، باید توجه داشته باشند که در ازدواج باید آگاهانه انتخاب نمود و عاشقانه زندگی کرد. خداوند وعده داده است قلب های زن و شوهر را به هم متمایل گرداند. تجربه نیز نشان داده که معمولاً در ازدواج های عاقلانه، پس از عقد، همسران به یکدیگر دلبستگی شدیدی پیدا می کنند.

در صورتی که دختران و پسران بدون واسطه و بدون برقراری رابطه دوستی با فردی آشنا شوند و از طریق دیدن عقاید و رفتار، او را برای ازدواج مناسب ببینند، می توانند پس از شناخت اولیه و با پرهیز از آسیب های روابط دوستانه تحت حمایت خانواده ها و با استفاده از تجربه آنها جلسات رسمی خواستگاری را شکل دهند. در این نوع انتخاب از آنجاکه عرف جامعه خواستگاری دختر از پسر را نمی پسندد (هرچند دین و قانون منعی برای این امر نمی بیند)، بهتر آن است که با توافق طرفین، پسر از دختر خواستگاری کند.

به دلیل کاهش فرزندآوری در سالیان اخیر و کوچک شدن اعضای فامیل و نیز محدود شدن روابط فامیلی و همچنین کاهش رفت و آمد با همسایگان و ارتباط خانوادگی با دوستان، و علاوه بر آن به دلیل مهاجرت از شهری به شهری جدید و ناآشنایی با افراد آن منطقه و نداشتن ارتباطات محلی، بسیاری از خانواده‌ها با فرد مناسب برای ازدواج فرزند خود مواجه نمی‌شوند؛ از این رو افراد دل‌سوز دوست‌دار خانواده، واسطه ازدواج می‌شوند و افراد مناسب را به خانواده طرفین معرفی می‌کنند.

واسطه‌گر در ازدواج، کسی است که بر اساس شناختی نسبی از طرفین و خانواده‌های آنان، دو جوان را برای ازدواج به یکدیگر معرفی می‌کند و در ادامه کار نیز یاری می‌رساند. معمولاً واسطه در ازدواج یکی از این سه گروه است: خانواده یا فامیل، دوست یا همکار و نیز مراکز یا افراد خاص. آشنایی با واسطه محاسنی دارد؛ از جمله: برخورداری از خواستگاران بیشتر، شناخت و انتخاب عقلانی‌تر، احترام به خانواده‌ها و رعایت حریم دختر و پسر. هرچند معایبی نیز می‌تواند داشته باشد، از جمله آنکه امکان دارد معرف اطلاعات ناقص به طرفین بدهد، از هر دو طرف تعریف و تمجید بیجا کند یا خواستگاران نامناسب را معرفی نماید.

روایات، واسطه‌گری در ازدواج را امری نیکو دانسته‌اند؛ چنان‌که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

هر کس تلاش کند تا دختر و پسر با ایمانی با هم ازدواج کنند... خداوند برای هر قدمی که در این راه برداشته یا هر سخنی که برای این پیوند به زبان آورده، ثواب یک سال روزه و نماز شب را پاداش می‌دهد....^۱

واسطه‌گر ضمن آنکه باید عاقل و داوری بی‌طرف باشد، باید معیارهای دو طرف را به خوبی بشناسد، سنجیده و پخته عمل کند و به مسائل ازدواج آگاه باشد تا بتواند همسری شایسته را معرفی نماید.

در خصوص انتخاب همسر از طریق معرف، توجه به این نکته ضروری است: اگرچه معرف معمولاً قصد خیر دارد، اعتماد کامل به اطلاعات و گفته‌های وی عاقلانه نیست؛ زیرا وی از نگاه خود و بر اساس نظام فکری و ارزشی‌اش، دو خانواده را مناسب هم یافته است. بنابراین چنانچه وی از فکر قوی و منسجمی برخوردار نباشد و موقعیت دقیق هر دو طرف را به درستی در نظر نگیرد، نمی‌توان بر پایه گفته‌های او تصمیم نهایی را گرفت.

یکی از شیوه‌های آشنایی دو طرف و خانواده‌هایشان، برگزاری مجلس خواستگاری به شیوه سنتی است؛ بدین معنا که خانواده پسر با تعیین وقت قبلی به دیدار خانواده دختر می‌روند و دختر و پسر در آن مجلس فرصتی می‌یابند تا با عقاید و دیدگاه‌های یکدیگر آشنا شوند؛ ضمن آنکه خانواده‌های آنان نیز مجالی برای شناخت و ارزیابی یکدیگر می‌یابند. به سبب مشکلات برگزاری چنین جلسه‌ای، دست‌کم در مراحل ابتدایی آشنایی ممکن است برخی ترجیح دهند پیش از انجام این جلسه با یکدیگر به توافق برسند و سپس خانواده‌ها را مطلع کنند. برخی از این مشکلات عبارت‌اند از:

۱. مشکلات خانواده دختر: گاهی رفت‌وآمد و خواستگاری‌های متعدد و بدون نتیجه، برای دختر و خانواده‌اش بازتاب منفی دارد؛ به همین دلیل خانواده‌ها از پذیرش خواستگاران که آنها را نمی‌شناسند، سرباز می‌زنند.

۲. سکونت در دو شهر متفاوت: چه بسا یکی از خانواده‌ها در شهر دیگری زندگی کند و طرفین ترجیح دهند پس از آشنایی اولیه، در صورتی که به حداقلی از تفاهم رسیدند، سختی سفر را برای مراحل بعد از خواستگاری به خانواده خود تحمیل کنند.

در این‌گونه موارد بهترین راه، انجام صحبت‌ها و آشنایی‌های اولیه در مراکز قابل اعتماد (مانند مرکز مشاوره در دانشگاه) است. چنانچه دسترسی به این مراکز وجود نداشت، بهتر است این آشنایی در مکان عمومی و رسمی و با اطلاع والدین صورت گیرد. این آشنایی صرفاً شناختی ابتدایی است و پس از انجام گفت‌وگوهای اولیه، بهتر آن است که هرچه سریع‌تر خانواده‌ها جلسه رسمی خواستگاری را برگزار کنند. جلسه خواستگاری به سبب شرایطی که دارد، به دو طرف امکان می‌دهد بهتر یکدیگر را بشناسند، این جلسه به چند دلیل درخور اهمیت است:

۱. با حضور در منزل دختر، روح کلی خانواده، منش، سلیقه و سطح زندگی آنان با توجه به فضای داخل منزل و نحوه پذیرایی آنان مشخص می‌شود؛

۲. والدین فرصت دارند با یکدیگر بیشتر گفت‌وگو کنند و همدیگر را بهتر بشناسند؛ چه بسا سؤالاتی که دو طرف نتوانند از هم بپرسند، اما والدین به راحتی آن مسائل را با یکدیگر در میان بگذارند؛

۳. نوع رفتار هریک از دو طرف با خانواده خود می‌تواند گویای تربیت و میزان احترام وی به دیگران باشد؛

۴. پس از چند جلسه گفت و گو، خانواده دختر می تواند پیشنهاد بازدید از خانواده داماد را مطرح کند تا دختر با روحیات و منش طرف مقابل و خانواده او بیشتر آشنا شود؛

۵. به دلیل حضور بزرگ ترها در جلسه، مجلس بیشتر شناخت محور بوده و نقش احساسات کمتر است؛

۶. به سبب همراهی والدین، اضطراب دو طرف کاهش می یابد.

روش های سنتی خواستگاری هرچند دارای محاسنی است، معایبی نیز دارد؛ از جمله آنکه خانواده ها گاه به شدت درگیر تجملات می شوند، تا آنجا که بیش از آنکه به اعتقادات، ایمان و اخلاق خانواده دختر و پسر توجه کنند، سطح زندگی آنها، نوع منزل مسکونی، گران قیمت بودن یا نبودن لباس ها و وسایل، و تنوع میوه و اسباب پذیرایی را مورد نظر قرار می دهند. اگر خانواده دختر به جای توجه به تعداد میوه ها، به چیدمان زیبای آنها توجه کنند یا به جای تلاش برای تعویض منزل یا اسباب و وسایل آن، در نوع چیدمان منزل سلیقه به خرج دهند و همچنین اگر خانواده پسر به جای توجه به ظواهر، به اخلاق و ایمان خانواده دختر و نیز شیوه رفتار، از جمله سلیقه آنها در تزئین منزل بنگرند، برگزاری جلسه خواستگاری نیز از تکلف کمتری برخوردار می شود و جوانان و خانواده های آنان با رغبت بیشتری آن را برگزار می کنند.

روش شناخت

مهم ترین روش ها برای شناخت همسر آینده عبارت است از:

یک. گفت و گو با طرح سؤالات دقیق و جزئی؛

دو. دقت در گفتار و رفتار؛

سه. تحقیق از دوستان صمیمی، بستگان، همکاران و معارفان؛

چهار. مشورت با افراد آگاه، دل سوز و مطمئن؛

برای گفت و گو و تحقیق باید این امور بررسی شود:

- ویژگی های جسمانی (سلامت یا بیماری مهم جسمی یا روانی، ویژگی های ظاهری چون قد و اندام و...)

- ویژگی های اعتقادی (مبانی فکری، باورها و بینش های مذهبی و...)

- ویژگی های اخلاقی (میزان نرم خویی یا تندخویی، نوع واکنش هنگام عصبانیت، میزان

مسئولیت‌پذیری در مقابل دیگران، گوشه‌گیر یا اجتماعی بودن، میزان نظم و انضباط، اهل مشورت یا خودرأی بودن، میزان وفاداری به دوستان، میزان تواضع یا غرور، نوع رفتار با جنس مخالف در محیط تحصیل یا محیط کار، برجسته‌ترین ویژگی مثبت و برجسته‌ترین ویژگی منفی و...؛

- سطح درک و میزان هوش؛

- مشخصات خانوادگی (سطح فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی خانواده، جایگاه فرد در خانواده و نگرش خانواده به این ازدواج)؛

- مسائل اقتصادی (شغل، میزان درآمد، برنامه‌ریزی برای هزینه‌کرد درآمد، مسکن، توقعات مالی)؛

- حساسیت‌ها و علایق خاص؛

- برنامه آینده زندگی؛

باید معیارهای اصلی را پیش از شروع جلسات گفت‌وگو اولویت‌بندی کرد تا پس از هر جلسه بتوان به ارزیابی و جمع‌بندی رسید. همچنین نباید با مشاهده یک ملاک در شخص، قضاوت سطحی و شتاب‌زده داشت و پیش از ارزیابی تمام معیارها نظر خود را اعلام کرد. نکته مهم آنکه هیچ‌کس تمام امتیازات را نخواهد داشت، بلکه از جمع‌بندی معیارها باید معدل خوبی کسب شود و حد این معدل خوب نیز به شرایط دختر و پسر بستگی دارد. ممکن است فردی در برخی جنبه‌ها بالاتر از همسرش باشد؛ درحالی‌که همسر وی در جنبه‌های دیگر از او پیش‌تاز باشد.

♦ برای مطالعه بیشتر

در گفت‌وگوی مناسب جلسه خواستگاری، فرد اطلاعات دقیق از خود ارائه می‌نماید و از طرف مقابل نیز همین اطلاعات را کسب می‌کند؛ اطلاعاتی درباره اعتقادات و میزان تقید به آنها، روحیات، محاسن و معایب خویش، و علاوه بر آن برنامه آینده زندگی خود را در مواردی که همسر در آن سهیم است (مانند: تحصیل، اشتغال، مسکن و روش زندگی) توضیح می‌دهد. لازم نیست درباره مسائلی که در گذشته بوده و در زندگی آینده اثری ندارد مطلبی بیان شود؛ مثلاً اگر در گذشته تعلق عاطفی به فردی داشته بیان آن لازم نیست؛ مگر آنکه سابقه آن مستمر و فعال و باقی باشد؛ مثلاً طرف مقابل باج‌خواهی یا تهدید می‌کند یا مسائل مالی بین دو طرف ادامه دارد؛ دراین صورت طرح موضوع

فصل سوم: تحکیم خانواده

از دانشجویان انتظار می‌رود پس از فراگیری این فصل:

عوامل اعتقادی مؤثر در استحکام خانواده را بشناسند؛

تعدادی از مهارت‌های رفتاری مؤثر در استحکام خانواده را فرا گرفته و در زندگی خانوادگی به کار گیرند.

ازدواج دختر و پسر، سرآغاز دل‌دادگی و مهرورزی بین آنهاست و معمولاً شیرین‌ترین روزهای زندگی، پس از عقد آغاز می‌شود. این رابطه نیازمند رسیدگی و مراقبت است تا به درازای عمر، شیرینی و گرمی خود را حفظ کند. برخی گمان می‌کنند اگر انتخاب همسر با دقت و وسواس زیاد صورت پذیرد یا زندگی مشترک با عشق عمیق آغاز گردد، خانواده‌ای سعادتمند خواهند داشت؛ حال آنکه تفاوت‌های فردی و فراز و فرود ایام، زندگی را با چالش‌ها و مسائل مختلف روبه‌رو خواهد کرد و اگر همسران از دانش لازم برای مدیریت روابط بین خود و نیز مدیریت مسائل زندگی برخوردار نباشند در گذر زمان روابط عاطفی‌شان سست خواهد شد.

عوامل اعتقادی
عوامل رفتاری

عوامل تحکیم خانواده و مهارت‌های رفتاری آن

۱. عوامل اعتقادی ۱- اعتقاد به تقدیر ۲- دین داری ۳-...

«امروزه شناخت درمانی از مباحث مهم روان‌شناسی است؛ به گونه‌ای که قوی‌ترین درمان را درمان شناختی می‌دانند. شناخت درمانی معتقد است که به جای تغییرات مستقیم بر روی رفتار فرد، باید تغییرات مثبتی در بینش و نگاه او ایجاد کرد. غالباً یک روان‌شناس رفتاردرمان، برای درمان یک فرد افسرده چنین توصیه‌هایی دارد: «خبرهای ناراحت‌کننده به او ندهید، او را به مجالس شادی ببرید، وی را تشویق کنید که فیلم‌های شاد ببیند و کتاب‌های شاد بخواند و...». در حقیقت روان‌شناس رفتاردرمان سعی دارد که با مدد از رفتارهای مثبت، رفتارهای منفی را به عقب براند؛ اما برخی روان‌شناسان چنین روشی را صحیح، کارآمد و پایدار نمی‌دانند. از نظر آنان بهترین روش، ایجاد تغییر در شناخت و بینش فرد است. مطابق با نظر این گروه برای درمان افسردگی باید بینش و تفکری که منجر به یأس و افسردگی در فرد می‌شود، تغییر داد تا به تبع آن تظاهرات افسردگی نیز از بین برود. اینها تأییدی بر اهمیت داشتن باورها و بینش‌های صحیح است. با ایجاد شناخت، بینش و باورهای درست، قادر

خواهیم بود که در یک سیر طبیعی، بدون هیچ تغییر مستقیمی در رفتار اعضای خانواده، آنها را به سوی موفقیت و تعالی هدایت کنیم؛ زیرا به خودی خود رفتار صحیح به دنبال نگرش صحیح تولید می‌شود. منتها این نگرش و شناخت را باید قبل از مواجهه با شرایط سخت در وجود خود پایدار کنیم. به این منظور باید عقاید و باورهای درست را همواره پیش چشم داشته باشیم، بر آنها تفکر و تعمق کنیم و حتی با وجود علم به آنها، مکرراً آنها را از زبان افراد صاحب دل بشنویم تا در عمق جانمان نفوذ کند.^۱ در این بخش به برخی باورها و نگرش‌های مؤثر در استحکام خانواده بر مبنای آموزه‌های اسلامی اشاره می‌شود.

۱-۱. اعتقاد به تقدس پیوند زناشویی

«یکی از عواملی که در سوق‌یابی به ازدواج، دوری‌گزیدن از جایگزین‌های احتمالی، ایجاد آمادگی‌های فردی و اجتماعی در جهت مقابله با آسیب‌های احتمالی پیوند زناشویی و در نتیجه حفظ و تثبیت خانواده نقشی تعیین‌کننده دارد، مقدس دانستن ازدواج است. بی‌شک حرمت نهادن به یک پدیده، به‌ویژه در صورتی که چنین نگرشی در ذهنیت عموم غلبه داشته باشد، به‌طور طبیعی در تقویت موقعیت آن و از دیگر سو در تضعیف اراده‌های ناهمسو تأثیری شگرف دارد.

به باور صاحب‌نظران، یکی از عوامل مهم سقوط جایگاه خانواده در غرب، فرایند دنیوی شدن یا تقدس‌زدایی^۲ بود که افزون بر دیگر حوزه‌های حیات اجتماعی، نهاد خانواده را نیز به شدت متأثر ساخت. در نتیجه این فرایند، ازدواج که پیش‌تر اقدامی مقدس و دینی تلقی می‌شد، قداست خود را از دست داد و به یک قرارداد مدنی صرف بدل گردید.^۳

اسلام درصدد است نگرش مسلمانان به ازدواج و خانواده مقدس باشد؛^۴ از این رو در روایات آمده است: «ازدواج سبب کامل شدن دین فرد می‌شود»؛^۵ «کسی که ازدواج می‌کند، خدا را پاک ملاقات می‌کند»؛^۶ «هنگام ازدواج درهای آسمان به رحمت گشوده می‌شود»؛^۷

۱. بانکی پورفرد، سز دلبران، ص ۱۱-۱۲.

۲. seculariation.

۳. بستان و همکاران، اسلام و جامعه‌شناسی خانواده، ص ۱۷۲.

۴. Ada, 15, 2004, p. 1082.

۵. نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۵۰.

۶. حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۱۸: ۱۴۳، مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۲۲۰.

۷. مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۲۱.

«نگاه پرمحبت زن و شوهر به یکدیگر سبب جلب رحمت خدا خواهد شد»؛^۱ «زیاد شدن محبت مرد به زنش موجب ازدیاد ایمان می‌گردد»؛^۲ «هم‌نشینی با همسر ثوابی بیش از ثواب اعتکاف در مسجد النبی ﷺ دارد»؛^۳ «شوهرداری شایسته زن و تلاش مرد برای تأمین مشروع نیاز اقتصادی خانواده، ثواب جهاد در راه خدا را دارد»؛^۴ «کسی که با همسرش ارتباط جنسی داشته باشد، اجر می‌برد»؛^۵ «خداوند از طلاق نفرت دارد»؛^۶ «گذشت از خطای همسر دارای اجر اخروی است».^۷

مطابق چنین اعتقاداتی زن و شوهری که به تقدس ازدواج و خانواده باور قلبی داشته باشند، نقش همسری خویش را به خوبی ایفا می‌کنند و در مواجهه با مشکلات زندگی مشترک، با تمام توان برای اصلاح زندگی می‌کوشند.

ح ۱-۲. دین‌داری چگونه باعث تحکیم خانواده می‌شود؟

از جمله عوامل مؤثر در تحکیم خانواده، اعتقادات دینی و رفتارهای منطبق بر شاخص‌های دینی است. پژوهش‌های بسیاری، تأثیر دین‌داری را بر سلامت روابط اعضای خانواده و استحکام آن اثبات کرده‌اند.

♦ برای مطالعه بیشتر

گروهی از استادان دانشگاه ایالتی کانزاس در پی پژوهش‌های خود به این نتیجه رسیده‌اند که تعهد به خانواده، اغلب با عامل تعهد دینی التزام دارد. در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰م پروفیسور نیک استینت^۸ از دانشگاه آلاباما و پروفیسور جان دی فرین^۹ از دانشگاه نبراسکا برای کشف «رابطه بین دین و پایداری خانواده» تحقیقاتی انجام دادند و دریافتند که ۸۴ درصد از افراد مورد مطالعه، دین را عامل مهمی برای تقویت و استحکام خانواده می‌شمردند.

۱. پاینده، نهج الفصاحة، حدیث ۶۲۱.

۲. شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۸۴.

۳. ابن ابی فراس، تنبیه الخواطر و نزهة النواظر، ص ۳۶۲.

۴. مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۳۲۴؛ پاینده، نهج الفصاحة، ص ۷۴۶.

۵. نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۱۰.

۶. پاینده، نهج الفصاحة، ص ۳۰۲.

۷. مجلسی، بحار الانوار، ج ۷، ص ۲۱۶.

پروفسور آلن برگین^۱، استاد روان‌شناسی دانشگاه بریگام یانگ - که موفق به دریافت جایزه از انجمن روان‌شناسی آمریکا شد - معتقد است: «برخی از تأثیرات دین، اثری معادل انرژی هسته‌ای بر روان انسان‌ها دارند. شواهد قابل ملاحظه‌ای وجود دارد که نشان می‌دهد مشارکت دینی باعث کاهش مسائلی مانند بی‌بندوباری جنسی، اعمال انحرافی و بزهکارانه، حاملگی در سنین پایین، تجاوز به عنف، طلاق، نارضایتی از ازدواج، خودکشی و اعتیاد به مواد مخدر و الکل می‌شود و از سویی عزت نفس، انسجام خانوادگی و سلامت عمومی را نیز افزایش می‌دهد». در حال حاضر، اندیشمندان اجتماعی در حال تئوریزه کردن قدرت مداوم دین در قبال نیروهای هستند که باعث ازهم‌گسیختگی خانواده می‌شوند...^۲

درباره چگونگی تأثیر دین داری بر استحکام خانواده می‌توان به این نکات اشاره کرد:

یک. ایجاد وفاق در تعیین بایسته‌های زندگی خانوادگی

یکی از عوامل مؤثر در ایجاد اختلاف و کشمکش‌های خانوادگی، اعتقادهای متفاوت هریک از اعضا درباره بایدها و نبایدهای زندگی است؛ حال آنکه در زندگی همسران با ایمان، معیارهای واحد - که همان رهنمودهای الهی است - تعیین‌کننده نوع رفتار آنهاست. هر دو در رفتارهای جنسی، روابط عاطفی، نوع خدمت‌گزاری به دیگر اعضا و بهره‌مندی از خدمات خانواده، تعامل آنها با افراد و اجتماعات دیگر و نوع مواجهه با مشکلات خانواده به سرعت به توافق می‌رسند و با دل سپردن به رهنمودهای اسلامی، رفتار خویش را سامان می‌بخشند.

دو. تأثیر رعایت حلال و حرام الهی

- در موارد فراوانی، پرهیز از محرمات الهی به استحکام خانواده می‌انجامد:
- غیبت حرام است؛ از این رو اعضای خانواده حرمت همدیگر را در نبود هم پاس می‌دارند؛
- تهمت حرام است؛ بنابراین افراد خانواده به واسطه تهمت همسر، در معرض از بین رفتن احترام خود و نفرت از یکدیگر قرار نمی‌گیرند؛
- سخن چینی حرام است؛ در نتیجه اختلافات خانوادگی تشدید نمی‌شود؛
- نسبت ناروای بی‌عفتی به زنان پاک‌دامن حرام است؛ لذا روابط عاطفی همسران خصمانه نمی‌شود؛

1. Allan Bergin.

۲. نک: بلالی، «رابطه مذهب و خانواده در غرب»، ص ۲۶۶-۲۶۴.

- شراب خواری حرام است؛ از این رو، همسر و فرزندان از برخی خشونت‌ها و بدرفتاری‌ها که معمولاً در حال مستی روی می‌دهد در امان می‌مانند؛

- دروغ‌گویی حرام است؛ بنابراین اعضای خانواده به یکدیگر اعتماد دارند.

نمونه‌های فراوان دیگری نیز می‌توان بیان کرد که همگی نشان‌دهنده تأثیر رعایت مرزهای واجب الهی در استحکام روابط اعضای خانواده است.

سه. اعتقاد به نظارت الهی در روابط با خانواده

تأثیر اعتقاد به نظارت الهی در استحکام خانواده را در ابعاد مختلف می‌توان مشاهده کرد؛
از جمله:

الف. پرهیز از ظلم به همسر؛ توجه به نظارت دقیق خداوند بر تمام رفتارها و حتی بر آنچه در ذهن می‌گذرد، آدمی را از افکار و رفتار ناشایست باز می‌دارد. امام حسن علیه السلام به مردی که در امر ازدواج دخترش با آن حضرت مشورت کرده بود، فرمود:

دخترت را به پسر باتقوا شوهر بده؛ زیرا اگر همسرش را دوست داشته باشد او را تکریم می‌کند و اگر از او متنفر شود، به او ظلم نمی‌کند.^۱

در روایات نیز معمولاً مردان و زنانی که در حق همسر خویش جفا می‌کنند، به شدت از عذاب الهی ترسانده شده‌اند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

زن یا مردی که همسرش را آزار دهد و به او ظلم کند، اولین فرد واردشونده در جهنم است.^۲

ب. بالابردن آستانه تحمل فرد در رویارویی با مشکلات خانوادگی؛ آیات و روایات بسیاری به زنان و مردانی که در مواجهه با مشکلات خانوادگی صبر سازنده پیشه می‌کنند و مدبرانه منافع خانواده را تأمین می‌نمایند، وعده رحمت الهی داده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

خداوند به مردی که بر بداخلاقی همسرش صبر کند، ثواب حضرت داوود علیه السلام و به زنی که بر بداخلاقی شوهرش صبر کند، ثواب آسیه را عطا می‌کند.^۳

۱. «زَوْجَهَا مِنْ رَجُلٍ تَقِي فَإِنَّهُ إِنْ أَحَبَّهَا أَكْرَمَهَا وَإِنْ أَبْغَضَهَا لَمْ يَظْلِمَهَا». (طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۲۰۴)
۲. حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۱۶۳؛ ج ۲۱، ص ۳۴۵. همچنین در روایات آمده است: «بدرفتاری و نیز کناره‌گیری مرد از خانواده سبب عذاب قبر خواهد شد» (همان، ج ۲۰، ص ۱۶۳). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره زنان شوهرآزار نیز فرمود: «زنی که با شوهر خود مدارا نداشته باشد و کاری فوق طاقت وی را بر او تحمیل کند، در قیامت خدا را در حالی ملاقات می‌کند که از او خشمگین است» (همان، ص ۲۱۲).

۳. مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۴۷.

آن که به خدا اعتقاد دارد، ناملایمات زندگی خانوادگی را با اعتقاد به تقدیر الهی، رحمت پنهان خداوند می‌شمرد و معتقد به وجود حکمت برای همه امور زندگی، چه سختی‌ها و چه راحتی‌ها، است. او اعمال خویش را برای رضایت الهی انجام می‌دهد؛ از این رو اگر با جفا یا ناسپاسی همسر یا ناکامی در زندگی خانوادگی مواجه شود، طاقت از کف نمی‌دهد و در برخورد با مشکلات زندگی به سرعت به فکر طلاق نمی‌افتد؛ بلکه معتقد است خداوند مشکلات را می‌بیند و او را یاری خواهد داد.

این اعتقاد توانایی فرد را در حل مسائل زندگی خانوادگی دوچندان خواهد کرد؛ زیرا او قدرت لایزال الهی را پشتیبان خود می‌داند. فرد باایمان حتی اگر مشکلات خانوادگی را محصول تصمیم نادرست یا رفتار خطای خود ببیند، باز هم به خداوند امیدوار است؛ زیرا در وعده الهی تردید ندارد: «ای بندگان من [که با گناه] بر خود زیاده‌روی کردید از رحمت خداوند ناامید نشوید»^۱ و «جز گروه کافران کسی از رحمت خدا ناامید نمی‌شود».^۲

چهار. تأثیر شرکت در مراسم دینی

از دیگر آثار دین‌داری بر تحکیم خانواده می‌توان به اثر شرکت در آیین‌ها و مراسم‌های دینی بر تقویت روابط عاطفی مثبت در بین شرکت‌کنندگان در این مراسم اشاره کرد. از آنجاکه شرکت‌کنندگان در این مراسم‌ها، معمولاً حضور خانوادگی دارند، وحدت و علاقه‌مندی و یکدلی حاصل از این حضور برکات خود را در روابط اعضای خانواده به خوبی نشان می‌دهد. مواردی از قبیل: تجربه حضور خانوادگی در مراسم اعیاد و سوگواری‌های مذهبی، چه هنگام برنامه‌های دسته‌جمعی ادعیه یا مداحی‌ها یا مراثی و چه هنگام بهره‌مندی از اطعام دسته‌جمعی در این مراسم‌ها؛ تجربه حضور خانوادگی در زیارتگاه‌های مقدس مذهبی یا مساجد برای انجام زیارت یا نمازهای جماعت و جمعه و اعتکاف و مراسم احیای شب‌های قدر یا خواندن دسته‌جمعی قرآن در ماه مبارک رمضان؛ حضور خانواده‌ها در مراسم راه‌پیمایی اربعین، مراسم شیرخواره‌های حسینی و.... شرکت خانواده‌ها در این مراسم‌ها علاوه بر تقویت معنویت، معمولاً سبب یکپارچگی بیشتر اعضای خانواده و تقویت صمیمیت بین آنها می‌شود. افزون بر آن، شرکت در این

۱. «يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ». (سوره زمر، آیه ۵۳)

۲. «لَا يَنَالُ مِنَ رَّحْمَةِ اللَّهِ إِلَّا الْكَافِرُونَ». (سوره یوسف، آیه ۸۷)

مراسم‌های جمعی معمولاً سبب تقویت خوش‌بینی و اعتماد به سایرین شده و بر رضایت فرد از زندگی فردی و خانوادگی می‌افزاید.

نکته مهم در زمینه تأثیر دین‌داری بر استحکام خانواده آن است که مقصود از دین‌داری، داشتن اعتقادات اسلامی و بروز رفتارهای منطبق بر آن است، نه آن نحوه از دین‌داری که با گزینش بخشی از دین و رها کردن بخشی دیگر، به نام دین عمل می‌شود؛ زیرا گاه افراد هم‌زمان با عمل به برخی رفتارهای دینی (نظیر اصرار بر نمازهای مستحبی یا رعایت ظواهر مذهبی یا شرکت در مراسم دسته‌جمعی دعا یا پافشاری بر اذکار پرشمار)، بخشی از دین را، همچون خوش‌رفتاری با همسر و فرزندان، پرهیز از نگاه آلوده به نامحرم یا رعایت حجاب، رها می‌سازند و مطابق میل خویش، گزینشی عمل می‌کنند. چنین افرادی متدین واقعی نیستند و نباید انتظار داشت که ظهور و بروز آثار دین‌داری موجب استحکام روابط خانوادگی ایشان شود.

مهارت‌های رفتاری مرتبط با دین‌داری همسران

پس از ازدواج، برای رشد معنوی و رسیدن به کمال الهی، یکدیگر را یاری دهید و بال پرواز هم باشید؛ برای نمونه:

۱. زمینه گناه را در خانه خود فراهم نکنید. استفاده از رسانه‌های دیداری شنیداری آلوده به حرام یا رفت‌وآمد با افراد اهل گناه هرچند اعضای خانواده را سرگرم می‌کند، صفای معنوی خانه را مسموم خواهد کرد. با ارتقای سواد رسانه‌ای خویش فقط از برنامه‌هایی استفاده کنید که به سلامت جسم و روان و ارتقای دانش و معنویت شما کمک می‌کند و با خانواده‌های با ایمان و درست‌کار رفت‌وآمد داشته باشید و ارتباط خود را با آنها قوی کنید.

۲. از خوردن لقمه حرام بپرهیزید.

۳. بر انجام واجبات و ترک محرمات مداومت داشته باشید و در صورتی که از همسران ترک واجب یا انجام حرامی را دیدید صمیمانه و با مهر و محبت از او تقاضا کنید برای حفظ پاکی و صفای زندگی مشترکتان رفتار خود را خدایپسندانه کند.

۴. همراه با خانواده، در برنامه‌های مذهبی همچون نماز جماعت، مراسم اعیاد و سوگواری یا نماز جمعه شرکت کنید. اصولاً برای زندگی خانوادگی برنامه معنوی منظم داشته باشید.

افکار مثبت به احساس درست و سپس به رفتار شایسته می انجامد. فرد خوش گمان آرامش دارد و در آسایش زندگی می کند. امام علی علیه السلام فرمود: «خوش گمانی مایه آسایش دل و سلامت دین است»^۱.

خانواده مهم ترین جایگاه آسایش و آرامش است و از همین رو نباید از تأثیر حسن ظن به همسر غفلت کرد. حسن ظن به معنای فریب خویشتن یا ساده دلی و حماقت نیست؛ بلکه بدان معناست که به گفتار و رفتار همسر و خانواده همسر و مسائل زندگی مشترک بدگمان نباشیم و اگر امر نامطلوبی دیده شد، بر اساس حدس و گمان تصمیم نگیریم؛ زیرا ممکن است پندار ما از رفتار همسر برداشتی نادرست باشد یا اینکه انگیزه و قصد او را درک نکرده باشیم. خوش گمانی به همسر سبب ارتباطی صمیمی می شود و محبت هر دو را به هم عمیق تر می کند؛ در غیر این صورت، همسر همواره نگران آن است که مبادا از کلام یا رفتار او برداشت نادرستی شود. در متون دینی بر خوش بینی به دیگران و تعبیر رفتار آنها به بهترین شکل تأکید شده است؛ چنان که امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید:

کار برادر دینی ات را به بهترین وجه تعبیر کن، تا زمانی که دلیل قطعی برخلاف آن برای تو حاصل شود.^۲

حضرت علی علیه السلام فرموده است: «خوش بین بودن از نیکوترین خصلت ها و بهترین نصیب ها است»^۳.

از این رو همسران با ایمان، سعی می کنند تا خوبی های یکدیگر را به خوبی ببینند. از آنجاکه گاه در رفتار همسر امور ناخوشایندی دیده می شود، برای تقویت حسن ظن به او می باید صفات مثبتش را به خوبی دید و از برداشت نادرست از رفتارش پرهیز کرد و رفتار منفی او را بزرگ نمایی نکرد. در این راستا، هم نشینی با افرادی که حسن ظن دارند، در گسترش مثبت اندیشی انسان تأثیر بسیار دارد.

♦ برای مطالعه بیشتر

مقام معظم رهبری: «این مرحله از زندگی را که وارد زندگی مزدوج می شوید و تشکیل خانواده

۱. «حُسْنُ الظَّنِّ رَاحَةُ الْقَلْبِ وَ سَلَامَةُ الدِّينِ». (آمدی، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۲۵۳)

۲. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۳۶۲.

۳. آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، حدیث ۴۸۲۴.

می‌دهید، یکی از نعمت‌های بزرگ الهی به حساب بیاورید و آن را شکر بگذارید. همه آنچه ما داریم از خداست: «مَا بِنَا مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنَ اللَّهِ»^۱ اما توجه به این نعمت خیلی اهمیت دارد. خیلی از نعم را انسان توجه ندارد. بعضی‌ها ازدواج می‌کنند همه نوع خوبی هم گیرشان می‌آید، زندگی شیرین و خوبی را هم می‌گذرانند، ولی نمی‌فهمند که این چه نعمت بزرگی است، چه حادثه تعیین‌کننده و مهمی در زندگی است. وقتی نفهمیدند، شکر آن را هم به جا نمی‌آورند و از رحمت الهی که با شکر متوجه انسان می‌شود، محروم می‌مانند. لذا باید انسان توجه کند به اینکه این چه نعمت بزرگی است و شکر این نعمت چگونه است؟ توقعی که از ما در مقابل این نعمت دارند این است که با این نعمت خوب رفتار کنیم»^۲.

مهارت‌های رفتاری همسران

۱. برگه‌ای بردارید و خوبی‌هایی را که همسرتان دارد، یکی یکی در آن بنویسید. سپس برای هر خوبی مصادیق آن را بنویسید: انواع محبت‌هایی که به شما کرده، انواع تلاشی که برای بهبود زندگی خانوادگی انجام داده، انواع خلاقیت‌های او و.... از او برای این همه خوبی سپاسگزار باشید و خداوند را نیز برای آنکه همسر خوبی به شما عطا کرده، شکر کنید.

۲. سعی کنید جنبه مثبت کارهای همسر خود را ببینید؛ مثلاً در همسر پرحرف خود خونگرمی او را ببینید و به او بگویید: «تو چه آدم اجتماعی و خونگرمی هستی، در هر جمعی که حضور پیدا می‌کنی آن جمع شورونشاط پیدا می‌کند» و در همسر کم حرف خود دقت نظر او را ببینید و به او بگویید: «تو چه آدم دقیق و عمیقی هستی و تا چیزی را لازم و مفید ندانی به زبان نمی‌آوری».

۳. همسر خود را با دیگران مقایسه نکنید. اگر دیگران خوبی‌هایی دارند، همسر شما نیز خوبی‌های خاص خود را دارد؛ همچنین دیگران علاوه بر آن خوبی‌ها، نقاط ضعف و کاستی‌هایی نیز دارند.

۲. عوامل رفتاری

چه بسا زن و شوهری که در آغاز ازدواج، عاشقانه همدیگر را دوست داشته و این محبت را به یکدیگر ابراز کنند، ولی به دلیل رفتارهای ناپسند اندک‌اندک این علاقه آتشین به سردی بگراید و پس از چند سال زندگی مشترک تحمل ناپذیر شود.

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۹، ص ۲۶۹.

۲. بیانات مقام معظم رهبری، هنگام خطبه عقد، به تاریخ ۱۳۸۱/۰۳/۲۹.

از این رو چگونگی رفتار با همسر، یکی از مهارت‌های مهمی است که زوج‌های جوان باید آن را فراگیرند. در این بخش به چند مهارت مهم خواهیم پرداخت.

ح ۲-۱. اظهار محبت به همسر

«قرآن کریم از رابطه میان زوجین با کلمه «مودت» و «رحمت» تعبیر می‌کند.^۱ این نکته بسیار دقیق، به جنبه انسانی زندگی زناشویی اشاره دارد؛ بدین بیان که شهوت تنها عامل پیوند زناشویی نیست، بلکه صفا و صمیمیت و اتحاد دو روح است که زوجین را به یکدیگر پیوند می‌دهد.^۲ «بی‌تردید زندگی مشترک از مهم‌ترین عرصه‌های تجلی عشق و شیفتگی در روابط انسانی است که در شکل‌گیری این پیوند و استمرار آن نقشی اساسی دارد».^۳ امام صادق علیه السلام در روایتی بر اهمیت احساس عاطفی اشاره می‌کند: «هرگاه عشق و علاقه مردی به همسرش زیاد شود، بر ایمان او افزوده می‌شود».^۴

امام رضا علیه السلام نیز می‌فرماید: «بدان که زنان چند گروه‌اند [که] یک گروه از آنان گنج و غنیمت به شمار می‌آید؛ این گروه، زنانی هستند که شوهران خود را دوست دارند و به همسر خود عشق می‌ورزند».^۵

شاعر ارزشمند، مهدی الهی قمشه‌ای زبان حال این افراد را چنین بیان می‌کند:

بیا تا شمع هم، پروانه هم، یار هم باشیم	در این گلشن، بهار هم، گل هم، خار هم باشیم
پریشان خاطران برگرد هم از جان و دل گردیم	ز شهر آوارگان دردشت غم، غمخوار هم باشیم
به صحرای صفا، در پرده با هم راز هم گوئیم	به گلزار وفا هم ناله و همراز هم باشیم
شبان تیره را روشن کنیم از مهر یکدیگر	در این تاریک محفل شمع گل رخسار هم باشیم

رابطه عاطفی همسران، ارتباطی دوسویه است که در نگاه، کلام و رفتارشان بروز می‌کند. در این باره نکته مهم آن است که این احساس باید بارها و بارها در گفتار و رفتار اظهار شود؛ چنان‌که امام صادق علیه السلام فرمود: «باید میان همسران پیام‌رسان باشد». سؤال شد: مقصود شما از پیام‌رسان چیست؟ آن حضرت فرمود: «بوسه و سخن».^۶

۱. «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً». (سوره روم، آیه ۲۱)

۲. شهید مطهری، جاذبه و دافعه علی علیه السلام، ص ۵۳.

۳. بستان و همکاران، اسلام و جامعه‌شناسی خانواده، ص ۱۸۹.

۴. شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۸۴.

۵. مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۳۴.

۶. «وَلْيَكُنْ بَيْنَهُمَا رَسُولٌ. قِيلَ: وَمَا الرَّسُولُ؟ قَالَ: الْقُبْلَةُ وَالْكَلامُ...». (جزائری، التحفة السنية، ص ۲۷۷)

آن حضرت خطاب به زنان نیز فرمود: «زن در روابط میان خود و شوهر هم دلش، از سه خصلت بی نیاز نیست که یکی از آن سه، اظهار عشق به شوهر با دل ربایی است»^۱.
و نیز پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «سخن مرد به همسرش که «دوستت دارم»، هرگز از قلب زن بیرون نمی رود»^۲. بدین گونه آن حضرت مردان مسلمان را به تکرار عبارات محبت آمیز به همسر راهنمایی فرموده است.

﴿مهارت های رفتاری همسران﴾

شنیدن عبارات محبت آمیز از نیازهای جدی زوجین است؛ از این رو پس از ازدواج:
یک. محبت و علاقه خود را به همسران به بهانه های گوناگون ابراز کنید و از هر فرصتی برای تبادل ارتباطات عاطفی خود با یکدیگر بهره بگیرید. وقتی کنار هم نیستید برای هم پیامک بفرستید و برای ارسال پیامک به دنبال دلیل نباشید. ابراز محبت و عشق به همسر یا تشکر از زحماتی که برای شما انجام داده یا عذرخواهی از اشتباهی که مرتکب شده اید یا تذکر یک نکته، می تواند بهانه خوبی برای نوشتن مطالب پرمحبت باشد.

دو. لحظاتی که احساس می کنید خیلی همسران را دوست دارید، آن را به او بگویید و احساس خود را در دفتر خاطرات بنویسید تا اگر زمانی میان شما ناراحتی و کدورتی پیش آمد، با خواندن آن نوشته آرام شوید.

سه. هر چند وقت یک بار، کاری ویژه برای همسر خود انجام دهید. برای نمونه، غذای مورد علاقه همسر خود را تهیه کنید یا خوراکی مورد علاقه وی را خریداری کنید.

چهار. ادبیات محبت آمیز در افراد متفاوت است. برای نمونه، مردان با سخنان محبت آمیز، نوازش یا با خرید هدیه برای زن و نیز خرید خانه به او محبت می کنند و زنان نیز با کلام پرمحبت یا خانه داری باسلیقه، محبت خود را به شوهر ابراز می نمایند. محبت همسران را با هر ادبیاتی که دارد، بپذیرید و به همسران با ادبیاتی که با روحيات او سازگار است، محبت کنید تا آن را بهتر دریابد.

پنج. برخی از افراد، توانایی لازم برای ابراز محبت قلبی خود را ندارند و گاه این محبت را در قالب عبارات های نامناسب ابراز می کنند. مثلاً مردان در سخت گیری های خود برای

۱. «لَا غَنَى بِالزَّوْجَةِ فِيمَا بَيْنَهَا وَبَيْنَ زَوْجِهَا الْمُوَافِقَ لَهَا عَنْ ثَلَاثِ خِصَالٍ وَهِيَ... إظهارُ العشقِ لَهُ بِالْخِلَافَةِ...» (مجلسی، بحار الانوار، ج ۵، ص ۲۳۷)

۲. «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: قَوْلُ الرَّجُلِ لِلْمَرْأَةِ إِنِّي أُحِبُّكَ لَا يَذْهَبُ مِنْ قَلْبِهَا أَبَدًا.» (حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۲۳)

از این رو چگونگی رفتار با همسر، یکی از مهارت‌های مهمی است که زوج‌های جوان باید آن را فراگیرند. در این بخش به چند مهارت مهم خواهیم پرداخت.

۱-۲. اظهار محبت به همسر

«قرآن کریم از رابطه میان زوجین با کلمه «مودت» و «رحمت» تعبیر می‌کند. این نکته بسیار دقیق، به جنبه انسانی زندگی زناشویی اشاره دارد؛ بدین بیان که شهوت تنها عامل پیوند زناشویی نیست، بلکه صفا و صمیمیت و اتحاد دو روح است که زوجین را به یکدیگر پیوند می‌دهد.^۱ «بی‌تردید زندگی مشترک از مهم‌ترین عرصه‌های تجلی عشق و شیفتگی در روابط انسانی است که در شکل‌گیری این پیوند و استمرار آن نقشی اساسی دارد.^۲ امام صادق (ع) در روایتی بر اهمیت احساس عاطفی اشاره می‌کند: «هرگاه عشق و علاقه مردی به همسرش زیاد شود، بر ایمان او افزوده می‌شود.»^۳

امام رضا (ع) نیز می‌فرماید: «بدان که زنان چند گروه‌اند [که] یک گروه از آنان گنج و غنیمت به شمار می‌آید؛ این گروه، زنانی هستند که شوهران خود را دوست دارند و به همسر خود عشق می‌ورزند.»^۴

شاعر ارزشمند، مهدی الهی قمشه‌ای زبان حال این افراد را چنین بیان می‌کند:

در این گلشن، بهار هم، گل هم، خار هم باشیم	بیا تا شمع هم، پروانه هم، یار هم باشیم
ز شهر آوارگان دردشت غم، غمخوار هم باشیم	پریشان خاطران برگرد هم از جان و دل گردیم
به گلزار وفا هم ناله و همراز هم باشیم	به صحرای صفا، در پرده با هم راز هم گوئیم
در این تاریک محفل شمع گل رخسار هم باشیم	شبان تیره را روشن کنیم از مهر یکدیگر

رابطه عاطفی همسران، ارتباطی دوسویه است که در نگاه، کلام و رفتارشان بروز می‌کند. در این باره نکته مهم آن است که این احساس باید بارها و بارها در گفتار و رفتار اظهار شود؛ چنان‌که امام صادق (ع) فرمود: «باید میان همسران پیام‌رسان باشد». سؤال شد: مقصود

شما از پیام‌رسان چیست؟ آن حضرت فرمود: «بوسه و سخن».^۵

۱. «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً». (سوره روم، آیه ۲۱)

۲. شهید مطهری، جاذبه و دافعه علی (ع)، ص ۵۳.

۳. بستان و همکاران، اسلام و جامعه‌شناسی خانواده، ص ۱۸۹.

۴. شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۸۴.

۵. مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۳۴.

۶. «وَلَيْكُنْ بَيْنَهُمَا رَسُولٌ. قِيلَ: وَمَا الرَّسُولُ؟ قَالَ: الْقُبْلَةُ وَالْكَلامُ...». (جزائری، التحفة السنية، ص ۲۷۷)

حضور همسرشان در خانه، درواقع محبت خود را به او ابراز می‌کنند و اینکه طاقت دوری او را ندارند. در این مواقع بکوشید صحبت‌های همسران را ترجمه کنید. در ضمن خودتان نیز با همسران بدون نیاز به ترجمه سخن بگویید؛ مثلاً به جای آنکه بگویید: «دوست ندارم دیر به خانه بیایی»، بگویید: «وقتی زود به خانه می‌آیی، خوشحال می‌شوم». شش. همسر شما هنگام بیماری، هنگام درد و زمان شکست، بیش از هر زمان دیگری نیازمند یاری و محبت شماست. بگذارید هنگام سختی‌ها شما را در کنار خود احساس کند و آرام گیرد. هفت. اگر خواهان دریافت محبت از همسر خود هستید رفتار خود را محبت‌برانگیز کنید. محبت همسران به شما وابسته به عمل شماست؛ کارهایی مانند: وفاداری به همسر، همکاری با او، توجه به احساسات همسر و همدلی با او، کاهش سطح توقعات از او و نیز پرهیز از عواملی که او را به شما دل‌سرد می‌کند، مانند: تندخویی یا قهر.

ح ۲-۲. خوش‌گفتاری

کلام مهم‌ترین وسیله ارتباطی بین دو فرد است؛ ازاین‌رو، همسران که نزدیک‌ترین افراد به یکدیگر هستند و بیشترین اوقات عمر را با یکدیگر سپری می‌کنند، باید مهارت خوب سخن گفتن و خوب شنیدن را فراگیرند. امام سجاد علیه السلام می‌فرماید:

حق همسر بر تو آن است که همواره به یاد داشته باشی که خداوند همسرت را سبب آرامش، راحتی و آسایش تو قرار داد، او را مونس و یاورت نمود و به وسیله او از بسیاری ناملايمات محافظت شدی. پس واجب است هریک از شما همسران، خداوند را برای همسر محبوبش شکر گوید و توجه داشته باشد که او نعمتی الهی است و واجب است که با این نعمت خداوندی خوش‌گفتار باشد.^۱

امام علی علیه السلام نیز به فرزند خویش وصیت فرمود: «پسر، با همسر خود خوش‌سخن باش تا زندگی‌ات صفا یابد».^۲

و نیز فرمود: «خطاب‌هایتان را زیبا کنید تا پاسخ زیبا بشنوید».^۳

سخن گفتن دوستانه و صمیمی، رعایت ادب در کلام و تشکر از زحمات شریک زندگی، از

مصادیق بارز خوش‌سخنی است.

۱. نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۱۶۰.

۲. «أخبرني الصُّخْبَةُ لَهَا لِيَصْفُو عَيْشُكَ». (حرعاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۱۶۹)

۳. آمدی، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۴۳۵.

مهارت‌های ارتباط گفتاری مؤثر و نیکو را فرا گرفته و تمرین کنید تا عادت شما گردد:

۱-۲-۲. شیوه سخن گفتن با همسر

یک. منظور خود را به درستی به همسران منتقل کنید؛ زیرا او بر اساس برداشتی که از حرف شما می‌کند به شما پاسخ خواهد داد. بنابراین گنگ و مبهم سخن نگوئید و با کنایه حرف نزنید.

دو. به جای اینکه بگوئید «چه نمی‌خواهید»، مهربانانه بگوئید «چه می‌خواهید». اگر شما به همسران بگوئید «چه نمی‌خواهید»، چه بسا او دریابد که در عوض چه باید بکند؛ ولی وقتی تقاضای مثبت خود را ابراز نمایید، همسران به روشنی نیاز شما را درمی‌یابد. البته انتظار نداشته باشید تقاضای شما کاملاً برآورده شود. برای این منظور، نظر همسران را نیز جویا شوید.

سه. از طرف همسر خود صحبت نکنید و از به‌کار بردن عباراتی همچون «تو فکر می‌کنی من...» یا «تو می‌خواهی من...» اجتناب کنید و در عوض از او درباره افکار و احساساتش سؤال کنید. برای مثال بگوئید: «تو در مورد... چه فکر می‌کنی؟» یا «تو درباره... چه می‌خواهی؟» چهار. در سخنان خود از توهین، تحقیر و اتهام بپرهیزید؛ زیرا اگر سخنان درست هم باشد، مؤثر واقع نخواهد شد. درواقع همسر شما فقط به قسمت توهین‌آمیز کلام شما توجه خواهد کرد و بقیه گفته شما را نادیده می‌گیرد.

پنج. اگر پیش‌تر نظر خود را درباره موضوعی به همسران گفته‌اید، در صورت لزوم آن را تکرار کنید و از به‌کار بردن جملاتی مانند «تو که می‌دانی» یا «صد بار به تو گفته‌ام» اجتناب کنید؛ زیرا این نوع جملات در همسر موضع دفاعی ایجاد می‌کند.

شش. تقاضای خود را از همسران آمرانه و دستوری به زبان نیاورید و آن را چندین بار تکرار نکنید. اگر آن را یک بار مطرح کردید و همسران پاسخ مثبت نداد، حتماً مانعی وجود دارد؛ مثل اعتقاد نداشتن به آن کار یا خستگی یا مشغول بودن به کاری دیگر. سعی کنید آن موانع را برطرف کنید. اگر هم در نهایت همسران تقاضای شما را نپذیرفت، راه دیگری برای برطرف کردن نیاز خود از طریق سالم و مفید پیدا کنید که به روابط شما با همسران نیز آسیبی وارد نیاورد.

هفت. وقتی خشمگین یا رنجیده خاطر هستید، از به کار بردن عبارات تند پرهیزید؛ زیرا به احتمال بسیار، پاسخ وی نیز تند خواهد بود. اگر با زبانی آرام تر احساس خود را بیان کنید، هم به گفته شما توجه خواهد شد و هم امکان حل مشکل بیشتر می شود. «هنگام بیان احساس خود در مواقع ناراحتی یا عصبانیت، از به کار بردن جملاتی که با «تو» شروع می شود، اجتناب کنید. بیان عباراتی مانند «تو من را عصبانی کردی» یا «تو به من بی احترامی کردی» سبب می شود که همسران از شما دور گردد، در عوض بکوشید احساس خود را در قالب «من...» بیان کنید تا همسران از نظر ذهنی و روانی به شما نزدیک شود. پس از آن، افکار خود را درباره رفتار همسران با عباراتی چون «من فکر می کنم» یا «من به نظر می رسد» ابراز کنید تا بدون وارد کردن اتهام، نظر شما را شنیده و احساسات را درک کند»^۱.

❧ ۲-۲-۲. شیوه تعامل با سخن همسر

یک. هنگامی که همسران با شما صحبت می کند، کارها و امور دیگر را رها کنید و فقط به وی گوش دهید. گوش کردن با شنیدن متفاوت است. شنیدن، به معنای دریافت امواج صوتی است، ولی گوش کردن با قصد و نیت شنیدن و فهمیدن است. خوب گوش کردن نه تنها نشانه ابراز علاقه و صمیمیت است؛ بلکه به شما کمک می کند که به برداشتی کامل و دقیق از منظور همسران دست یابید و از طرفی او را تشویق می کنید که او هم شنونده خوبی برای سخنان شما باشد.

دو. هنگام حرف زدن همسر با تکان دادن سر یا پرسیدن سؤالاتی درباره مضمون صحبت او و طرح پرسش های باز پاسخ،^۲ نشان دهید که به سخنان او گوش می دهید. با همسر خود همدلی نمایید و آن را ابراز کنید. همدلی به معنای موافقت با نظر و عقاید همسر نیست، بلکه بدین معناست که خود را به جای وی بگذارید و به او بگویید چطور احساس وی برای شما درک شدنی است. برای همدلی در قدم اول باید خود را به جای همسران بگذارید تا احساسات، نیازها، مشکلات، دغدغه ها و... را از زاویه دید او بنگرید. در قدم بعدی با او به گونه ای رفتار کنید که دوست دارید اگر جای او بودید، با شما رفتار می شد. برای همدلی با همسر، به سخنان او به صورت مفید و فعال گوش کنید؛ یعنی:

۱. عاطف وحید و لواسانی، مهارت های ارتباطی همسران، ص ۷۲-۷۶.
۲. سؤالاتی که با چگونه، چرا و چه آغاز می شوند و جواب تفصیلی دارند.

- به او فرصت سخن گفتن و ابراز احساسات بدهید و تا وقتی سخن می‌گوید، سکوت کنید و سخنی نگویید؛

- با زبان بدن، به او نشان دهید که به سخنان او علاقمند هستید و با تکیه کلام‌های کوتاه، مانند جالب بود یا...، با او همراهی کنید یا در پایان هر قسمت از صحبت‌هایش خلاصه‌ای از سخنانش را در یک یا چند جمله کوتاه ارائه دهید.

سه. هنگام صحبت همسر، از ابراز هرگونه خستگی و بی‌حوصلگی و شتاب‌زدگی خودداری کنید و خود را صبور و علاقه‌مند و مشتاق به ارتباط کلامی با وی نشان دهید.

چهار. وقتی همسر شما سخن می‌گوید، زود قضاوت نکنید؛ بگذارید سخن او تمام شود و سپس نتیجه‌گیری کنید. گاهی شما آغاز کلام او را بد متوجه می‌شوید و این امر موجب می‌شود با پیش‌فرضی ذهنی به ادامه سخنان او گوش کنید و نتوانید به خوبی با یکدیگر سخن بگویید.

»»» ۲-۲-۳. رعایت زمینه‌های لازم برای گفتار مؤثر

یک. بیان مشکلات، سختی‌ها و انتقادات را به زمانی موکول کنید که خسته یا گرسنه نیستید و شرایط شما برای بیان مطالب مناسب است، می‌توانید با هم قرار بگذارید که مثلاً:

- قبل از ناهار یا شام انتقاد یا شکایت نکنیم؛

- در بستر از بیان مطالب شکوه‌آلود یا انتقادآمیز پرهیز کنیم؛

- نزد فرزندان از یکدیگر انتقاد نکنیم.

دو. اگر عصبانی، نگران، خسته یا غمگین هستید، ممکن است حرف‌ها و کارهای همسر خود را به صورت منفی دریافت کنید و بر اساس این برداشت اشتباه، واکنش منفی بروز دهید.

در این شرایط باید وضعیت خود را به همسرتان ابراز کنید. در نتیجه، احتمال درک احساسات از سوی همسر افزایش می‌یابد. می‌توانید از ادامه صحبت صرف‌نظر کنید و آن را به زمان مناسب دیگری واگذارید.

سه. از روش‌های ارتباطی ستیزه‌جویانه و اجتنابی پرهیزید.

- در روش ارتباطی ستیزه‌جویانه، فرد به دنبال اثبات خود و برنده شدن به هر قیمتی است.

- در روش ارتباطی اجتنابی، فرد از اختلاف به هر قیمتی اجتناب می‌کند؛ زیرا اختلاف

معادل جنگ و دعوا فرض می‌شود؛ بنابراین در مورد نگرانی‌ها و موضوعات مهم صحبت نمی‌شود و مشکلات پنهان می‌ماند.

چهار. اوقاتی را مخصوص خلوت با یکدیگر و سخن گفتن با هم اختصاص دهید.
در آغاز ازدواج، همسران زمان زیادی را با یکدیگر می‌گذرانند و از مجالست با هم لذت می‌برند؛ اما اندک‌اندک با بیشتر شدن آشنایی، نیاز کمتری به هم صحبتی با یکدیگر دارند، ضمن آنکه شغل و تحصیلات و ارتباطات اجتماعی نیز بخش عمده وقت آنها را به خود اختصاص می‌دهد. برخی همسران در زمان حضور در منزل به دیدن تلویزیون، استفاده از اینترنت، تلفن همراه و مطالعه روزنامه یا مجله می‌پردازند و زمان اندکی را به هم صحبتی و هم‌نشینی با هم می‌گذرانند، این امر سبب می‌شود بهره‌های عاطفی همسران کاهش یابد، مسائل زندگی مطرح نشود، برای آن چاره‌جویی نگردد و برای آینده نیز برنامه‌ریزی مشترک نشود. همه این امور در درازمدت، بین همسران شکاف ایجاد می‌کند و زندگی را با مشکلات جدی روبه‌رو می‌سازد؛ از این‌رو لازم است همسران اوقاتی را به هم‌نشینی و خلوت با یکدیگر اختصاص دهند. اهمیت این خلوت‌ها تا بدان پایه است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «خداوند، نشستن مرد را در کنار همسرش، از اعتکاف در مسجدالنبی صلی الله علیه و آله بیشتر دوست دارد».^۱

برای آنکه از هم‌نشینی و هم‌صحبتی با همسر به خوبی بهره‌مند شوید این امور را در نظر بگیرید:
الف. همین امروز با همسر خود صحبت کنید و زمان خاصی را تعیین کنید تا هر هفته در یک زمان خاص، با او خلوت دو نفره و دوستانه داشته باشید تا در مورد خودتان و زندگی‌تان با یکدیگر صحبت کنید. این دیدارها می‌تواند گردشی یکی دو ساعته در پارک و... باشد. در این ملاقات‌ها روابط عاطفی و احساسی خود را با خلایق زنده نگه دارید و از بیان شکایت و گله‌هایی که از یکدیگر دارید، بپرهیزید.

ب. سعی کنید وعده‌های غذایی را با هم بخورید. اگر گاه به دلیل شغلی نمی‌توانید ناهار را با هم باشید، هرگز از شام مشترک غفلت نکنید. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «زمانی که اعضای خانواده با هم سر سفره غذا می‌نشینند و غذا خوردن را با «بسم الله» شروع می‌کنند و با حمد الهی به پایان می‌رسانند، خداوند آنان را می‌آمرزد».^۲

ج. تلاش کنید برنامه‌های مشترک داشته باشید. برای مثال، با هم تلویزیون تماشا کنید

۱. ابن ابی فراس، تنبیه الخواطر و نزهة النواظر، ص ۳۶۲.

۲. کلینی، کافی، ج ۱۲، ص ۳۷۶.

یا با هم از فضای مجازی استفاده کنید و در مورد آنچه دیده‌اید، با یکدیگر گفت‌وگو کنید.
د. رویدادهای خاص را برای گردهم آمدن اعضای خانواده مشخص کنید. به این وسیله
سبب شکل‌گیری احساس هویت و تعلق خاطر میان اعضای خانواده می‌شوید.

۳-۲. ارضای صحیح نیاز جنسی

از جمله اهداف مهم ازدواج، ارضای نیاز جنسی است؛ بنابراین همسران باید در مقابل نیاز
جنسی یکدیگر احساس مسئولیت کنند و از همسر خویش لذت بخش‌ترین بهره جنسی را ببرند.
«ارضای صحیح نیازهای جنسی علاوه بر آنکه زندگی را شیرین و لذت بخش می‌سازد،
به سلامت جسم نیز کمک می‌کند و در رشد بهنجار شخصیت و آرامش روان انسان نیز
نقشی اساسی دارد.

از این سو، بی‌توجهی به نیاز جنسی همسر به روابط زن و شوهر آسیب می‌رساند و آنها را
دچار عصبانیت و دل‌سردی نسبت به یکدیگر می‌کند و به تدریج موجب بروز رفتارهای
پرخاشگرانه و در نهایت سبب افسردگی می‌شود.^۱

از دیگر آثار مهم ارضای نیازهای جنسی، حفظ ایمان است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به ابوذر
فرمود: «فردی که با همسرش ارتباط زناشویی برقرار می‌کند، خداوند به او اجر و ثواب
می‌دهد». این سخن مایه تعجب ابوذر شد. آن حضرت توضیح داد: «همان‌گونه که وقتی
حرامی را مرتکب شوی کیفر داده می‌شوی، وقتی حلالی را نیز به جای آوری، اجر داده
خواهی شد؛ زیرا به سبب انجام این حلال از حرام الهی در امان خواهی ماند».^۲

روابط زناشویی مناسب، سبب احساس لذت مشترک، ایجاد و تعمیق شور و نشاط در
زندگی، تقویت صمیمیت بین همسران، و کاهش تنش در برخورد با فشارهای زندگی
می‌شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

بنده مؤمن هنگامی که دست همسرش را بگیرد، خداوند برایش ده حسنه
می‌نویسد و ده سیئه را محو می‌کند. و اگر او را ببوسد، خداوند برایش صد حسنه
می‌نویسد و صد سیئه را محو می‌کند. و اگر با او رابطه زناشویی برقرار کند، خداوند
برایش هزار حسنه می‌نویسد و هزار سیئه را محو می‌نماید.^۳

۱. نک: سالاری فر، خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی، ص ۱۳۶.

۲. حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۱۰۹.

۳. نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۵۰.

نیاز جنسی همسران به یکدیگر منحصر در رابطه زناشویی نیست و شامل همه بهره‌های دیداری، شنیداری و رفتاری می‌گردد؛ هرچند معمولاً این بهره‌ها به هم‌بستری و ارتباط زناشویی منتهی خواهند شد. روایات اسلامی به ضرورت توجه هریک از همسران به پاسخ‌دهی مناسب به همه این نیازها اشاره دارد؛ از جمله آراستگی ظاهری در مقابل هم. امام صادق علیه السلام فرمود:

در ارتباط بین زن و شوهر، مرد نیازمند سه چیز است که یکی از آنها به دست آوردن قلب زن با آراستن ظاهر خود در مقابل دیدگان اوست، و زن نیز در روابط خود با همسرش بی‌نیاز از سه ویژگی نیست که یکی از آنها ظاهری جذاب در برابر دیدگان شوهر است.^۱

سیره عملی پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام نیز گواه بر توجه آنان به نیاز همسر خویش است. در احوال پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است: «او لباس خوش‌رنگی داشت که آن را در خانه برای خانواده خویش به تن می‌کرد».^۲

درباره امام باقر علیه السلام نیز نقل شده که آن حضرت موهای سفید خود را رنگ می‌کرد و درباره علت آن می‌فرمود: «من مردی هستم که همسر را دوست دارم و خودم را برای همسرم آراسته می‌کنم».^۳

نیز زمانی که مهمان ایشان آن حضرت را با لباسی خوش‌رنگ و چهره‌ای آراسته دید و تعجب کرد، فرمود: «بر من لازم است همان‌گونه که همسر خود را برای من آرایش می‌کند، من نیز برای او آراسته باشم».^۴

روایات اسلامی افزون بر توصیه به مردان برای آراستگی ظاهری در خانه، به آنان در زمینه نیاز زنان به هم‌بستری با شوهر نیز هشدار می‌دهد؛ از این رو بیان شده: «برای جوانمردان هلاکت و نابودی است که مرد در شهری که خانواده‌اش در آن سکونت دارد باشد، ولی شب را در منزل خود سپری نکند».^۵

در ارضای نیازهای جنسی، زن و شوهر باید به چند نکته توجه کنند:

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۲۳۷.

۲. حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۳۰.

۳. همان، ج ۲، ص ۸۲.

۴. کلینی، کافی، ج ۶، ص ۴۴۸.

۵. همان، ج ۲، ص ۵۵۵.

یک. توجه به تفاوت جنسی زن و مرد؛ نکته مهم در زمینه نیاز جنسی همسران این است که غریزه جنسی مردان و زنان با یکدیگر تفاوت‌های چشمگیری دارد؛ مردان در برابر محرک‌های جنسی سریع‌تر تحریک می‌شوند، در مقابل نیاز جنسی خود مقاومت کمتری دارند و هنگام ارضا نشدن جنسی آسیب‌پذیرترند. به دلیل این تفاوت‌ها، تمکین جنسی برای زن واجب است و هرگاه شوهر از همسر خود طلب رابطه جنسی کند، بر زن واجب است که نیاز شوهر خود را برآورده سازد، مگر آنکه عذر شرعی یا عقلی داشته باشد. امام صادق علیه السلام فرمود:

زنی برای حاجتی نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمد. پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: شاید تو از «مُسَوِّفَات» هستی؟ زن گفت: ای پیامبر خدا، «مُسَوِّفَات» چیست؟ آن حضرت فرمود: زنی که همسرش او را برای نیاز جنسی دعوت می‌کند، ولی او دائماً آن را عقب می‌اندازد، تا اینکه همسرش را چُرت فرا می‌گیرد و می‌خوابد. پس فرشتگان مدام او را لعنت می‌کنند تا شوهرش از خواب بیدار شود.^۱

تمکین زن سبب رضایت‌مندی شوهر می‌شود و زن را محبوب وی قرار می‌دهد؛ ازاین‌رو، زنان باید به تقاضای جنسی همسر خود حساس باشند و نیاز او را در این زمینه با نگاه‌های جذاب، کلام پُراحساس و رفتار مطلوب خویش برآورده سازند و با کوتاهی در این امر، زمینه حضور زن دیگری را در ذهن شوهر خود فراهم نکنند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «بهترین زنان شما کسی است که در خلوت با شوهر، لباس حیا از تن برمی‌کند».^۲

البته مردان و زنان هر دو باید پیام‌های جنسی همسر خود را، حتی اگر مستقیم نباشد، دریابند و با پاسخ مطلوب به این پیام‌ها، زندگی زناشویی خود را جذاب و دل‌نشین سازند. تفاوت دیگر همسران آن است که مردان در روابط جنسی با همسر خود معمولاً به سرعت به اوج لذت جنسی می‌رسند؛ حال آنکه رسیدن به این مرحله در زنان نیازمند زمان بیشتری است. ازاین‌رو، بسیاری از زنان از رابطه زناشویی لذت کامل نمی‌برند. اطلاعات اندک مردان و زنان و نیز حیای زنانه گاه سبب می‌شود این نارضایتی زنان تا سال‌ها ادامه یابد و به مرور زمان به سردمزاجی آنها بینجامد. معمولاً مردان نیز اگر شاهد هیجانات جنسی همسر خود نباشند، از این رابطه احساس رضایت کافی نخواهند داشت. امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: «هنگامی که یکی

۱. شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۴۲.

۲. «خَيْرُ نِسَائِكُمُ الَّتِي إِذَا خَلَّتْ مَعَ زَوْجِهَا خَلَعَتْ لَهُ دِرْعَ الْحَيَاءِ». (مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۳۷)

از شما خواست با همسرش آمیزش جنسی کند، نباید شتاب کند؛ زیرا زنان نیازهایی دارند.^۱ بنابراین، هریک از زوجین باید اطلاعات لازم در زمینه چگونگی رضایت جنسی از یکدیگر را کسب کنند و به آن عمل نمایند.

دو. خویشن‌داری جنسی از غیرهمسر: از آنجا که غریزه جنسی عامل بسیار مهم در پیوند عاطفی همسران و استحکام خانواده است، اسلام دستور داده تا زنان و مردان ارضای این نیاز را در همه مراتب آن به همسر خود معطوف نمایند. در همین راستا، اسلام نگاه و کلام هوس‌آلود با غیرهمسر و نیز عشوه زنانه در کلام و رفتار برای غیرشوهر را حرام شمرده و حتی توصیه کرده است که افراد مراقب ذهن خویش باشند تا در نیاز جنسی خویش به غیرهمسر خود نیندیشند. حضرت علی علیه السلام فرمود:

هرگاه از زنی خوشتان آمد، نزد همسر خود بروید [و با او رابطه زناشویی برقرار کنید]؛ زیرا همسر شما هم مانند اوست. برای شیطان در قلب خود راهی قرار ندهید تا اینکه آن زن از خاطر شما برود.^۲

زن و مرد عقیف در مقابل همه وسوسه‌های جنسی خارج از چارچوب زناشویی، خویشن‌داری می‌کنند. بدین‌گونه، آنان نسبت به همسر خود احساس نیاز بیشتری خواهند داشت و این امر پیوند خانواده را مستحکم‌تر خواهد ساخت.

سه. نکاتی درباره روابط جنسی زن و شوهر:

الف. پس از هر بار رابطه جنسی کامل، واجب است زن و شوهر «غسل جنابت» نمایند.^۳
ب. رابطه زناشویی، در دوران خون‌ریزی ماهیانه زنان، در حال روزه و در احرام حج حرام است و علاوه بر گناه، سبب وجوب «کفاره» نیز می‌شود. رابطه زناشویی در ایام خون‌ریزی ماهیانه زنان، برای آنها عوارض منفی جسمانی و روانی در پی خواهد داشت. از جمله آنکه در اندام‌های زناشویی خانم‌ها و آقایان همیشه تعدادی میکروب وجود دارد و در ایام خون‌ریزی ماهیانه بانوان، دهانه رحم باز است؛ بنابراین احتمال دارد با انجام رابطه زناشویی، این میکروب‌ها به رحم، لوله‌های رحمی و تخمدان‌ها منتقل شوند و باعث عفونت و چسبندگی آنها گردند.

۱. «إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمُ أَنْ يَأْتِيَ زَوْجَتَهُ فَلَا يُعْجَلْهَا فَإِنَّ لِلنِّسَاءِ حَوَائِجَ». (همان، ص ۲۸۷)

۲. شیخ صدوق، الخصال، ج ۲، ص ۶۳۷.

۳. در صورتی که به آب دسترسی نباشد، تیمم بدل از غسل واجب است.

ج. مصرف داروهای محرک جنسی بدون مشورت با پزشک معمولاً تا زمان کوتاهی سبب افزایش میل و فعالیت جنسی می‌شود، ولی در درازمدت توانایی جنسی را با مشکلاتی روبه‌رو می‌کند.

د. برخی از افراد به دلایل گوناگون دچار ناتوانی‌های جنسی یا سردمزاجی هستند و قادر به ارضای مطلوب نیازهای جنسی همسر خود نیستند. این وضعیت در درازمدت آسیب‌زا است. هریک از زوجین باید با شناخت، شجاعت و صداقت به این مشکل توجه کنند و از طریق مشورت با افراد متخصص مانند روان‌پزشک، روان‌شناس، متخصص غدد، متخصص زنان، متخصص کلیه و مجاری ادرار و مشاور خانواده، به درمان آن بپردازند. امروزه به دلیل پیشرفت علوم، بیشتر این اختلال‌ها که علت جسمی یا روانی دارند، درمان‌پذیر است.

ه. امروزه به دلیل گسترده‌گی اطلاعات جنسی، تخیل و توقعات جنسی افراد زیاد شده است. به همین دلیل زن و شوهر از رابطه سالم و طبیعی به میزان کافی لذت نمی‌برند؛ از این رو باید بکوشند تا از دیدن فیلم‌ها، خواندن کتاب‌ها و مرور پایگاه‌های اینترنتی و استفاده از فضای مجازی که آنان را در معرض تحریکات جنسی قرار می‌دهد، بپرهیزند. با این کار، هم از حرام الهی دوری می‌جویند و هم روابط زناشویی آنها لذت‌بخش خواهد بود. آنها باید توجه کنند که بسیاری از رفتارهای جنسی مهیج که در فیلم‌ها نشان داده می‌شود، مختص افرادی است که به دلیل فساد اخلاقی، تجربه انواع رفتارهای جنسی را با افراد مختلف دارند و همسر عقیف و نجیب آنها با این رفتارها بیگانه است.

و. زن و شوهر هنگام شادی با یکدیگر عهد ببندند که در هیچ شرایطی نباید بسترشان از هم جدا شود، مگر آنکه یکی از آنها در سفر باشد و عهد ببندند که هرکسی از این قرار تخلف کرد، باید جریمه‌ای سنگین بپردازد. بستر مهم‌ترین عاملی است که آتش کدورت‌ها را هر قدر هم زیاد باشد، خاموش خواهد کرد.

ز. همسران برای حفظ وقار خود و خانواده خود و همچنین به منظور رعایت حال مجردها، در رفتار خود با همسرشان بین خلوت و جمع، تفاوت قائل شوند.

✓ ۴-۲. مدیریت اقتصادی خانواده

نیاز به خوراک، پوشاک، مسکن و آنچه سلامت و امنیت جسمانی و روانی فرد را تأمین می‌کند، از نیازهای اساسی انسان است؛ از این رو پس از تشکیل خانواده، اعضای آن نیازمند

نیاز جنسی همسران به یکدیگر منحصر در رابطه زناشویی نیست و شامل همه بهره‌های دیداری، شنیداری و رفتاری می‌گردد؛ هرچند معمولاً این بهره‌ها به هم‌بستری و ارتباط زناشویی منتهی خواهد شد. روایات اسلامی به ضرورت توجه هریک از همسران به پاسخ‌دهی مناسب به همه این نیازها اشاره دارد؛ از جمله آراستگی ظاهری در مقابل هم. امام صادق علیه السلام فرمود:

در ارتباط بین زن و شوهر، مرد نیازمند سه چیز است که یکی از آنها به دست آوردن قلب زن با آراستن ظاهر خود در مقابل دیدگان اوست، و زن نیز در روابط خود با همسرش بی‌نیاز از سه ویژگی نیست که یکی از آنها ظاهری جذاب در برابر دیدگان شوهر است.^۱

سیره عملی پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام نیز گواه بر توجه آنان به نیاز همسر خویش است. در احوال پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است: «او لباس خوش‌رنگی داشت که آن را در خانه برای خانواده خویش به تن می‌کرد».^۲

درباره امام باقر علیه السلام نیز نقل شده که آن حضرت موهای سفید خود را رنگ می‌کرد و درباره علت آن می‌فرمود: «من مردی هستم که همسرم را دوست دارم و خودم را برای همسرم آراسته می‌کنم».^۳

نیز زمانی که مهمان ایشان آن حضرت را با لباسی خوش‌رنگ و چهره‌ای آراسته دید و تعجب کرد، فرمود: «بر من لازم است همان‌گونه که همسرم خود را برای من آرایش می‌کند، من نیز برای او آراسته باشم».^۴

روایات اسلامی افزون بر توصیه به مردان برای آراستگی ظاهری در خانه، به آنان در زمینه نیاز زنان به هم‌بستری با شوهر نیز هشدار می‌دهد؛ از این رو بیان شده: «برای جوانمردان هلاکت و نابودی است که مرد در شهری که خانواده‌اش در آن سکونت دارد باشد، ولی شب را در منزل خود سپری نکند».^۵

در ارضای نیازهای جنسی، زن و شوهر باید به چند نکته توجه کنند:

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۲۳۷.

۲. حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۳۰.

۳. همان، ج ۲، ص ۸۲.

۴. کلینی، کافی، ج ۶، ص ۴۴۸.

۵. همان، ج ۳، ص ۵۵۵.

یک. توجه به تفاوت جنسی زن و مرد؛ نکته مهم در زمینه نیاز جنسی همسران این است که غریزه جنسی مردان و زنان با یکدیگر تفاوت‌های چشمگیری دارد؛ مردان در برابر محرک‌های جنسی سریع‌تر تحریک می‌شوند، در مقابل نیاز جنسی خود مقاومت کمتری دارند و هنگام ارضا نشدن جنسی آسیب‌پذیرترند. به دلیل این تفاوت‌ها، تمکین جنسی برای زن واجب است و هرگاه شوهر از همسر خود طلب رابطه جنسی کند، بر زن واجب است که نیاز شوهر خود را برآورده سازد، مگر آنکه عذر شرعی یا عقلی داشته باشد. امام صادق علیه السلام فرمود:

زنی برای حاجتی نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمد. پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: شاید تو از «مُسَوِّفَات» هستی؟ زن گفت: ای پیامبر خدا، «مُسَوِّفَات» چیست؟ آن حضرت فرمود: زنی که همسرش او را برای نیاز جنسی دعوت می‌کند، ولی او دائماً آن را عقب می‌اندازد، تا اینکه همسرش را چُرت فرا می‌گیرد و می‌خوابد. پس فرشتگان مدام او را لعنت می‌کنند تا شوهرش از خواب بیدار شود.^۱

تمکین زن سبب رضایت‌مندی شوهر می‌شود و زن را محبوب وی قرار می‌دهد؛ ازاین‌رو، زنان باید به تقاضای جنسی همسر خود حساس باشند و نیاز او را در این زمینه با نگاه‌های جذاب، کلام پُراحساس و رفتار مطلوب خویش برآورده سازند و با کوتاهی در این امر، زمینه حضور زن دیگری را در ذهن شوهر خود فراهم نکنند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «بهترین زنان شما کسی است که در خلوت با شوهر، لباس حیا از تن برمی‌کند».^۲

البته مردان و زنان هر دو باید پیام‌های جنسی همسر خود را، حتی اگر مستقیم نباشد، دریابند و با پاسخ مطلوب به این پیام‌ها، زندگی زناشویی خود را جذاب و دل‌نشین سازند. تفاوت دیگر همسران آن است که مردان در روابط جنسی با همسر خود معمولاً به سرعت به اوج لذت جنسی می‌رسند؛ حال آنکه رسیدن به این مرحله در زنان نیازمند زمان بیشتری است. ازاین‌رو، بسیاری از زنان از رابطه زناشویی لذت کامل نمی‌برند. اطلاعات اندک مردان و زنان و نیز حیای زنانه گاه سبب می‌شود این نارضایتی زنان تا سال‌ها ادامه یابد و به مرور زمان به سردمزاجی آنها بینجامد. معمولاً مردان نیز اگر شاهد هیجانات جنسی همسر خود نباشند، از این رابطه احساس رضایت کافی نخواهند داشت. امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: «هنگامی که یکی

۱. شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۴۲.

۲. «خَيْرُ نِسَائِكُمُ الَّتِي إِذَا خَلَتْ مَعَ زَوْجِهَا خَلَعَتْ لَهُ دِرْعَ الْحَيَاءِ». (مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۳۷)

از شما خواست با همسرش آمیزش جنسی کند، نباید شتاب کند؛ زیرا زنان نیازهایی دارند.^۱ بنابراین، هریک از زوجین باید اطلاعات لازم در زمینه چگونگی رضایت جنسی از یکدیگر را کسب کنند و به آن عمل نمایند.

دو. خویشتن‌داری جنسی از غیرهمسر: از آنجاکه غریزه جنسی عامل بسیار مهم در پیوند عاطفی همسران و استحکام خانواده است، اسلام دستور داده تا زنان و مردان ارضای این نیاز را در همه مراتب آن به همسر خود معطوف نمایند. در همین راستا، اسلام نگاه و کلام هوس‌آلود با غیرهمسر و نیز عشوه زنانه در کلام و رفتار برای غیرشوهر را حرام شمرده و حتی توصیه کرده است که افراد مراقب ذهن خویش باشند تا در نیاز جنسی خویش به غیرهمسر خود نیندیشند. حضرت علی علیه السلام فرمود:

هرگاه از زنی خوشتان آمد، نزد همسر خود بروید [و با او رابطه زناشویی برقرار کنید]؛ زیرا همسر شما هم مانند اوست. برای شیطان در قلب خود راهی قرار ندهید تا اینکه آن زن از خاطر شما برود.^۲

زن و مرد عفیف در مقابل همه وسوسه‌های جنسی خارج از چارچوب زناشویی، خویشتن‌داری می‌کنند. بدین‌گونه، آنان نسبت به همسر خود احساس نیاز بیشتری خواهند داشت و این امر پیوند خانواده را مستحکم‌تر خواهد ساخت. سه. نکاتی درباره روابط جنسی زن و شوهر:

الف. پس از هر بار رابطه جنسی کامل، واجب است زن و شوهر «غسل جنابت» نمایند.^۳
ب. رابطه زناشویی، در دوران خون‌ریزی ماهیانه زنان، در حال روزه و در احرام حج حرام است و علاوه بر گناه، سبب وجوب «کفاره» نیز می‌شود. رابطه زناشویی در ایام خون‌ریزی ماهیانه زنان، برای آنها عوارض منفی جسمانی و روانی در پی خواهد داشت. از جمله آنکه در اندام‌های زناشویی خانم‌ها و آقایان همیشه تعدادی میکروب وجود دارد و در ایام خون‌ریزی ماهیانه بانوان، دهانه رحم باز است؛ بنابراین احتمال دارد با انجام رابطه زناشویی، این میکروب‌ها به رحم، لوله‌های رحمی و تخمدان‌ها منتقل شوند و باعث عفونت و چسبندگی آنها گردند.

۱. «إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمُ أَنْ يَأْتِيَ زَوْجَتَهُ فَلَا يُعْمَلُهَا فَإِنَّ لِلنِّسَاءِ حَوَائِجَ». (همان، ص ۲۸۷)

۲. شیخ صدوق، الخصال، ج ۲، ص ۶۳۷.

۳. در صورتی که به آب دسترسی نباشد، تیمم بدل از غسل واجب است.

ج. مصرف داروهای محرک جنسی بدون مشورت با پزشک معمولاً تا زمان کوتاهی سبب افزایش میل و فعالیت جنسی می‌شود، ولی در درازمدت توانایی جنسی را با مشکلاتی روبه‌رو می‌کند.

د. برخی از افراد به دلایل گوناگون دچار ناتوانی‌های جنسی یا سردمزاجی هستند و قادر به ارضای مطلوب نیازهای جنسی همسر خود نیستند. این وضعیت در درازمدت آسیب‌زا است. هریک از زوجین باید با شناخت، شجاعت و صداقت به این مشکل توجه کنند و از طریق مشورت با افراد متخصص مانند روان‌پزشک، روان‌شناس، متخصص غدد، متخصص زنان، متخصص کلیه و مجاری ادرار و مشاور خانواده، به درمان آن بپردازند. امروزه به دلیل پیشرفت علوم، بیشتر این اختلال‌ها که علت جسمی یا روانی دارند، درمان‌پذیر است.

ه. امروزه به دلیل گسترده‌گی اطلاعات جنسی، تخیل و توقعات جنسی افراد زیاد شده است. به همین دلیل زن و شوهر از رابطه سالم و طبیعی به میزان کافی لذت نمی‌برند؛ از این رو باید بکوشند تا از دیدن فیلم‌ها، خواندن کتاب‌ها و مرور پایگاه‌های اینترنتی و استفاده از فضای مجازی که آنان را در معرض تحریکات جنسی قرار می‌دهد، بپرهیزند. با این کار، هم از حرام الهی دوری می‌جویند و هم روابط زناشویی آنها لذت‌بخش خواهد بود. آنها باید توجه کنند که بسیاری از رفتارهای جنسی مهیج که در فیلم‌ها نشان داده می‌شود، مختص افرادی است که به دلیل فساد اخلاقی، تجربه انواع رفتارهای جنسی را با افراد مختلف دارند و همسر عفیف و نجیب آنها با این رفتارها بیگانه است.

و. زن و شوهر هنگام شادی با یکدیگر عهد ببندند که در هیچ شرایطی نباید بسترشان از هم جدا شود، مگر آنکه یکی از آنها در سفر باشد و عهد ببندند که هرکسی از این قرار تخلف کرد، باید جریمه‌ای سنگین بپردازد. بستر مهم‌ترین عاملی است که آتش کدورت‌ها را هر قدر هم زیاد باشد، خاموش خواهد کرد.

ز. همسران برای حفظ وقار خود و خانواده خود و همچنین به منظور رعایت حال مجردها، در رفتار خود با همسرشان بین خلوت و جمع، تفاوت قائل شوند.

۲-۴. مدیریت اقتصادی خانواده

نیاز به خوراک، پوشاک، مسکن و آنچه سلامت و امنیت جسمانی و روانی فرد را تأمین می‌کند، از نیازهای اساسی انسان است؛ از این رو پس از تشکیل خانواده، اعضای آن نیازمند

برنامه‌ریزی صحیح برای تأمین این نیازها هستند. نظام حقوقی اسلام و قوانین کشور، مسئولیت تأمین مخارج زندگی را بر دوش شوهر نهاده است؛ بنابراین مردان باید جهت کسب درآمد و نیز مدیریت صحیح اقتصاد خانواده بکوشند. این قدرت تأمین‌کنندگی در مردان عزت و شکوه نیز ایجاد خواهد کرد.

زنان نیز در خانواده‌هایی که مجبور به اشتغال نیستند و شوهرانشان درآمد خانواده را تأمین می‌کنند و حیات شادتری دارند؛ از این رو، زنان نیز باید تلاش اقتصادی همسر خود را پاس بدارند و با شغل او سازگاری داشته باشند؛ زیرا به دست آوردن شغل مناسب و حفظ آن دشوار است. حمایت زن از شوهر در امر اشتغال در تقویت توانایی‌های او تأثیر بسزایی خواهد داشت؛ در غیر این صورت، انگیزه مرد کاهش می‌یابد و چه بسا به دلیل علاقه به همسر خود، به مشاغل ناهمخوان با تخصص خود یا شغل‌های نامشروع روی می‌آورد که در هر صورت اقتصاد خانواده آسیب می‌بیند.

افزون بر این، زنان با مدیریت مصرف در خانواده و نیز آموزش شیوه صحیح مصرف به فرزندان، سهم مهمی در ایجاد آسایش خانواده دارند. متأسفانه امروزه مصرف خانواده‌های ایرانی در برخی موارد بی‌رویه است. هم‌اکنون در ایران سرانه مصرف سالیانه نوشابه چهار برابر، نمک دو برابر، شکر شش برابر و بنزین چهار برابر متوسط جهانی است و در مصرف لوازم آرایش نیز دومین کشور غرب آسیا و هفتمین کشور دنیا است.^۱

۱-۴-۲. کسب درآمد

الف. اشتغال مردان

از آنجاکه تأمین درآمد خانواده بر عهده مردان است، پسران جوان باید از آغاز جوانی با مهارت‌های لازم برای کسب درآمد آشنا شوند؛ از جمله:

یک. از آغاز زندگی مشترک به دنبال مشاغل سطح بالا نباشید. هر شغل حلالی که کمکی برای تأمین معاش شما و خانواده‌تان باشد - هرچند با دستمزد پایین - می‌تواند مقدمه خوبی برای شغل‌های بهتر در آینده باشد. شغل‌های پاره‌وقت و نیمه‌وقت و اشتغال در کنار پدر یا یکی از بستگان یا دوستان می‌تواند آغاز خوبی باشد تا دیگران با دیدن همت و توانمندی شما، فرصت‌های شغلی بهتری را به شما پیشنهاد دهند.

دو. باید شغل شما شرافتمندانه و مال حاصل از آن حلال باشد؛ بنابراین باید از این امور دوری کنید: رشوه گرفتن یا رشوه دادن، غل و غش در معامله، معاملات حرام همچون قمار، ربا و غصب؛ زیرا مال حرام، برکت را در زندگی از بین خواهد برد و تأثیر نامطلوبی بر فرزندان خواهد گذاشت. امام صادق علیه السلام فرمود: «اثر درآمد حرام، در نسل آشکار می شود»^۱.

سه. با شناخت خود و استعدادها و توانمندی های خویش بکوشید تا حد امکان شغل مناسب با توانایی های خویش انتخاب کنید. امروزه روش های مختلفی برای آگاهی از استعدادهای شغلی وجود دارد.

چهار. توجه به خلأها و نیازهای روز جامعه، برای انتخاب شغل مناسب حائز اهمیت است. بسیاری از کسب و کارها از ایده هایی شروع شده اند که نیاز روزمره مردم است. پس از افزایش دانش و مهارت در مورد آن شغل، به دلیل استقبال مردم، فرد به درآمد مناسب خواهد رسید.

پنج. برای استفاده از فرصت های شغلی جدید از امکانات فضای مجازی هم باید استفاده کرد. امروزه بسیاری از مشاغل به صورت دورکاری و به صورت خویش فرما از طریق سایت های مرتبط انجام می پذیرد؛ فرد مهارت خود را عرضه می نماید و پروژه های کاری را دریافت می کند.

شش. می توانید تا زمان به دست آوردن فرصت شغلی مورد نظر، به مشاغل خانگی بپردازید؛ هرچند اشتغال خود را باید به گونه ای مدیریت کنید که موجب سلب آرامش اعضای خانواده نشود. کسب و کار خانگی^۲ به شغلی گفته می شود که با همکاری اعضای خانواده در فضای مسکونی و در قالب طرح کسب و کار مجاز بدون مزاحمت و ایجاد اختلال در آرامش واحدهای مسکونی شکل می گیرد. نیازی به اجاره یا خرید و استخدام محل کسب و منشی ندارید و ارزش افزوده کالاها و خدمات تولید شده نصیب خودتان می شود. هزینه رفت و آمد و مشکلات ناشی از ترافیک را ندارید. از نیروی کار سایر اعضای خانواده (در صورت تمایل آنها) هم می توانید استفاده کنید. مشاغل خانگی باعث توسعه فرهنگ کار در بین فرزندان هم می شود. در مشاغل خانگی از فضای مجازی برای بازاریابی و دسترسی راحت به خریداران می توانید استفاده کنید. دولت نیز تسهیلاتی را به حمایت از

۱. «کُتُبُ الْحَرَامِ بَيْنُ فِي الدَّرِيَّةِ». (مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۳۷)

فعالیت‌ها را نیز کاهش می‌دهد. آهسته ولی پیوسته تلاش کنید تا در نهایت به مقصد برسید. کمیت اشتغال خود را کاهش دهید و در عوض، کار خویش را با کیفیت خوب انجام دهید. د. برای تقویت توانایی جسمی و روانی خود بکوشید. برای انجام مسئولیت‌های چندگانه باید از نظر جسمی و روانی وضعیت خوبی داشته باشید. تغذیه مفید، میزان خواب مناسب و مقداری ورزش در روز ظرفیت شما را افزایش می‌دهد.

ه. با استفاده از نیروی خلاقیت و استفاده از تجربه دیگران و جست‌وجو در کتاب‌ها، سایت‌ها و نشریه‌های مربوط به مسئولیت‌هایتان، روش‌های جدید برای انجام بهتر مسئولیت‌های خانوادگی و شغلی خود را پیدا کنید. و. از تنوع بیشتر در پذیرش مسئولیت‌ها اجتناب کنید. تنوع گسترده موجب ابهام و استرس می‌شود.

شش. وظایف شغلی خود را در ساعات حضور در کنار همسر و فرزندان انجام ندهید و از این لحظات برای ایجاد روابطی گرم و صمیمانه حداکثر استفاده را بکنید و کیفیت حضورتان را در خانه افزایش دهید.

هفت. در مواقعی که کار منزل زیاد است، صمیمانه از همسران کمک بخواهید. البته توقع نداشته باشید که او مانند زن خانه‌داری کند؛ زیرا این کار با روحیات زنانه سازگارتر است. بگذارید در هر کاری که مایل است، به شما کمک کند و سپس از او برای کمک‌هایش تشکر کنید.

هشت. در زندگی با همسر سخنی از پول من و پول تو به میان نیاورید. زنان با اشتغال خود، روابط خود و همسرشان را صمیمی‌تر می‌کنند؛ از این رو با ایجاد مرز میان خود و همسران به این صمیمیت آسیب نرسانید.

۲-۴-۲. مدیریت مصرف

ثروت خانواده از دو راه تأمین می‌شود: ^۱ «زیاد کردن درآمد» و ^۲ «کم کردن مخارج»؛ بنابراین به همان میزان که برای ازدیاد درآمد مشروع تلاش می‌کنید، برای مصرف بهینه نیز باید برنامه‌ریزی نمایید. به بیان دیگر، برای ثروتمند شدن، به جای آنکه بکوشید بیشترین امکانات را در زندگی خود فراهم کنید، بکوشید از امکانات موجود بیشترین بهره را ببرید. بنابراین همسران جوان برای مدیریت بهینه مصرف به این نکات توجه کنند:

یک. موارد مصرف خانواده را مشخص کنید. مخارج خانواده معمولاً عبارت است از: غذا، پوشاک، خرید یا اجاره مسکن و تعمیرات، هزینه منابع انرژی مانند آب، برق و گاز، مخارج مربوط به رفت و آمد، تلفن، بهداشت و درمان، خرید و تعمیر لوازم منزل، خرید لوازم مربوط به شغل، هزینه تحصیل، اقساط وام، هزینه آرایش و عطر، تفریح و مسافرت، میهمانی و حقوق واجب الهی: خمس و زکات فطره.

این موارد را متناسب با درآمد و هزینه های خانواده و با توجه به اولویت ها بودجه بندی کنید. از این رو:

الف. تمام درآمدها و هزینه ها را با جزئیات مشخص سازید و از کلی گویی پرهیز کنید.
ب. درآمدها و هزینه ها را به صورت روزانه، هفتگی، ماهیانه یا سالانه یادداشت کنید تا میزان درآمد و هزینه مشخص شود؛ با این کار امکان تحلیل و بررسی خردمندانه آنها و امکان پیش بینی درست و برنامه ریزی بهتر هزینه های خانواده در آینده فراهم می شود.
ج. هر پولی را در زمینه مخصوص به آن هزینه کنید؛ مثلاً اجاره خانه را صرف امر دیگری نکنید.

د. هزینه هرچیز را به همان میزان که مشخص کرده اید مصرف کنید؛ مثلاً اگر برای مسافرت مبلغ خاصی پیش بینی شده بیشتر از آن هزینه نکنید.

دو. راه های ساده ای را برای کاستن از مخارج پیدا کنید. مانند:

الف. «در جدولی دقیق، میزان درآمد و همه جزئیات مخارج خود را بنویسید در پایان ماه ببینید کدام مخارج به راستی ضروری نبوده است. بسیاری از مخارج که ضروری به نظر می رسند، درواقع لازم نیستند. موارد غیرلازم را از بودجه حذف کنید.

ب. تعمیر و سرویس برخی از وسایل منزل مانند کولر را بیاమوزید تا در هزینه تعمیر وسایل صرفه جویی کنید.

ج. از وسایل خانه به طور صحیح استفاده کنید تا خراب نشود و به موقع تعمیرشان کنید.^۱
د. سکونت موقت در منزل والدین، در آغاز زندگی مشترک بخشی از بار مالی را از دوش زوجین برمی دارد. در صورت همکاری والدین از این امکانات استفاده نمایید و روابط بین خویش، همسر و خانواده خود را نیز مدیریت کنید. در زمینه تهیه مسکن باید یادآوری کرد که بیشتر پسران جوان در آغاز زندگی مشترک منزلی را اجاره می کنند. این امر سبب استقلال

زوج جوان شده و به مدیریت شایسته روابط با خانواده دختر و پسر کمک می‌کند؛ هرچند سبب فشار اقتصادی بر شوهر شده و بخشی از درآمد او به این امر اختصاص می‌یابد، بدون آنکه در نهایت صاحب مسکن مستقلی شوند. علاوه بر آن، تغییر دائمی منزل پس از پایان یافتن مدت اجاره، سبب اذیت آنها نیز خواهد شد. به هرروی لازم است پسران از آغاز زندگی مشترک به فکر خرید مسکن مستقل، اگرچه بسیار کوچک و در مناطق ارزان قیمت باشند. در این رابطه می‌توان از حمایت‌های دولتی (وام مسکن، پیش‌فروش تعاونی‌ها و...) یا حمایت خانواده (کمک مالی پدرشوهر یا پدرزن به صورت بلاعوض یا قرض) استفاده کرد. با تهیه خانه‌ای کوچک و ارزان، صاحب‌خانه شده و به مرور زمان با پس‌انداز می‌توانید خانه‌تان را وسعت دهید.

ه. بخشی از درآمد را به استفاده بهینه از اوقات فراغت اختصاص دهید؛ مانند میهمانی ساده و کم‌خرج یا مسافرت و تفریح با هزینه اندک. توجه داشته باشید: کار بدون تفریح، انسان را خسته می‌کند و تفریح بدون کار، آدم را تنبل می‌سازد. می‌توانید از فضاهای رایگان استفاده کنید. پارک‌های داخل شهر، سبزه‌زارها یا چند درخت سبز کنار جوی آب در خارج شهر می‌تواند محل مناسبی برای پهن کردن زیرانداز و گپی صمیمانه و تناول خوراکی دل‌چسب با همسر باشد. می‌توانید غذا را در منزل تهیه کنید تا سالم، قابل اطمینان و کم‌هزینه باشد. می‌توانید با استفاده از وسایل نقلیه عمومی، سفر کم‌هزینه‌ای داشته باشید. می‌توانید راه‌های دیگری را نیز برای کاستن مخارج بیابید و از این راه بین درآمد و هزینه‌ها فاصله کمتری ایجاد کنید.

سه. تا آنجا که ممکن است، بخشی از درآمد خود را، هرچند کم، پس‌انداز کنید. اندک اندک این پس‌اندازها می‌تواند سرمایه کار بهتر یا کمکی برای فراهم کردن امکانات اصلی زندگی شود. چه بسا پس از چندین سال پس‌انداز و استفاده از وام‌های گوناگون بتوانید صاحب‌خانه شوید یا مغازه‌ای بخرید یا در کارهای تولیدی سرمایه‌گذاری کنید.

چهار. مردان همسر خویش را از میزان درآمد خود مطلع، و درباره مصرف آن با یکدیگر همفکری کنند و برای مصارف هر ماه با هم برنامه‌ریزی داشته باشند. بدین‌سان، زن با شوهر همدلی می‌کند و توقعات خود و مصرف خانواده را با درآمد او تنظیم خواهد کرد.

پنج. برای مصرف خانواده، کالای ایرانی که کیفیتی پذیرفتنی دارد خریداری کنید و بدین وسیله از اشتغال جوانانی همانند خودتان حمایت کنید.

در طول تاریخ و در جوامع مختلف، همواره زنان با مردان تفاوت‌هایی داشته‌اند؛ هرچند تربیت و آموزش‌های رسمی و غیررسمی در تنوع و شدت این تفاوت‌ها اثرگذار بوده است. ابعاد این تفاوت‌ها عبارت است از: «جسمی و فیزیولوژیکی»، «عاطفی و روانی»، «رفتار و عملکرد» و نیز «خواسته‌ها و انتظارات». اسلام نیز بر وجود این تفاوت‌ها و تنظیم رفتارها بر اساس آن صحنه نهاده است.

امام صادق علیه السلام فرمود: «مردم تا زمانی که متفاوت باشند، در جهت خیر و خوبی سیر می‌کنند. پس هنگامی که مساوی گردند، نابود می‌شوند».^۱

الف. تفاوت‌های جسمانی و روانی

یکی از مهارت‌هایی که زوج‌های جوان باید بیاموزند، شناخت تفاوت‌های جسمانی و روانی زنان با مردان و تنظیم رفتارها و انتظارات خود بر اساس آن است. از این رو باید دانست: یک. «زن‌ها ظریف‌تر از مردان هستند و مردان عضلات قوی‌تر و قدرت بدنی بیشتری دارند. در ضمن خون مردان دارای اکسیژن بیشتری است و قلب آنها نیز به‌هنگام فعالیت بدنی، مجال بیشتری برای فعالیت دارد».^۲ «میزان عضله‌ها در جنس مرد حدود ۴۵ درصد از وزن او و در زن حدود ۳۶ درصد وزن او را شامل می‌شود. استخوان‌های مردان نیز ضخیم‌تر از زنان است؛ به‌طور نمونه کتف‌های مردان عریض‌تر از زنان و قفسه سینه آنان نیز طویل‌تر و پای آنها هم اندکی بلندتر از زنان است. تارهای صوتی مردان ضخیم‌تر از زنان است که به‌همراه عبور هوای بیشتر و ریه‌های پرحجم‌تر مردان موجب بروز صدای محکم و مقتدر و درشت همراه با طنین بم در مردان می‌شود؛ حال آنکه زنان دارای صدایی ظریف و نازک‌تر می‌باشند. از نظر روانی نیز مردان نسبت به زنان معمولاً سختی و محکمی و جرئت و جسارت بیشتری دارند. لازمه این تفاوت‌های جسمانی و روانی مردان با زنان، جرئت و جسارت و اقتدار مردان در ارتباط با همسر و فرزندان است. براین اساس، پسرانی که با دختران دوست می‌شوند، ولی از ازدواج با او سر باز می‌زنند، فاقد جرئت و جسارت مردانه می‌باشند یا مردانی که در زندگی

۱. «النَّاسُ بِخَيْرٍ مَا تَفَافَتْوْا فَإِذَا اسْتَوَوْا هَلَكُوا». (مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۳۸۳)

۲. لطف آبادی و دیگران، روان‌شناسی رشد (۲)، ص ۶۴.

مشترک همچون کودکان دادو فریاد کرده و تندی می‌کنند، فاقد اقتدار مردانه هستند. مرد مقتدر در مواجهه با زحمت‌ها و مشقت‌های زندگی، محکم و بدون ترس، توانمند و استوار در صدد اعتماد بخشی به اعضای خانواده خویش است. او در تلاطم‌های شدید زندگی، کشتی خانواده را با تدبیر و آرامش به ساحل سلامت می‌رساند و فضای امن و آرامش بخش را برای همسر و فرزندان فراهم می‌کند.^۱

تفاوت جنسیتی که در این بخش به آن اشاره شد از آغاز کودکی قابل مشاهده است؛ پسران از کودکی به دنبال بازی‌های هیجان‌انگیز و تهاجمی هستند. آنها به سادگی به یکدیگر هجوم می‌آورند و سپس می‌خندند و به روابط دوستانه با هم ادامه می‌دهند. آنها این نوع تعامل را بخشی از روابط دوستانه خود تلقی می‌کنند؛ در حالی که «دختران در به کارگیری عواطف، همدردی و صمیمیت بر پسران برتری دارند».^۲

با توجه به این تفاوت جنسیتی روانی که زنان لطیف‌تر از مردان و مردان خشن‌تر از زنان هستند، زنان باید رفتار جدی مرد را خشونت بی‌رحمانه نشمارند و از شوهر خود انتظار ابراز محبت زنانه نداشته باشند و در رفتارهای گوناگون شوهر خود نیز به ابراز محبت‌های او توجه کنند. مردان هنگام خرید برای خانه، تعمیر لوازم منزل و هر خدمتی که به خانواده می‌کنند، پیام‌های محبت‌آمیزی دارند. به مردان نیز توصیه می‌شود به همسر خود سخت‌گیری نکنند. همچنین از تأثیر کلماتی غفلت نورزند که بار عاطفی دارد، در گفتار و رفتار تکیه‌گاهی مناسب برای همسر خود باشند و در مشکلات به او توجه کنند و او را تسلی دهند. امور خانواده را به درستی مدیریت کنند و بدانند زنان به مردان مقتدر، مسئولیت‌پذیر و متعهد نیاز دارند. از تندخویی بپرهیزند و از همسر خود حمایت و حفاظت کنند؛ زیرا زنان به دلیل ظرافت جسمانی و عواطف لطیف، آسیب‌پذیرترند. به تعبیری می‌توان گفت: زن مظهر رحمت خداست و مرد مظهر قدرت خدا؛ زن جلوه جمال الهی است و مرد جلوه جلال الهی. حفظ این دو جلوه در خانواده، آن را متکامل می‌سازد. فرزندان نیز برای رشد و تعالی نیاز به خوف و رجا، هر دو، دارند؛ اگر مادر در خانه محبوب باشد، فرزند خطای مخفیانه نمی‌کند و اگر پدر محترم باشد، خطای آشکار از فرزند سر نمی‌زند.

۱. نک: حبشی، کتاب زندگی، اهمیت و شناخت، ج ۱، ص ۲۵۷-۱۶۱.

۲. لطف‌آبادی و دیگران، روان‌شناسی رشد (۱)، ص ۳۴۲.

زن، یک موجودی است رقیق، مظهر زیبایی، لطافت و رقت، و مرد به این چشم به او می‌نگرد؛ محبت او را در این قالب ترسیم و مجسم می‌کند. مرد در چشم زن، مظهر اعتماد و نقطه تکیه‌گاه است و محبت خودش را به او در این قالب ترسیم می‌کند. این دو تا، دو نقش جداگانه است از یکدیگر، و هر دو نقش لازم است. زن وقتی به مرد نگاه می‌کند، با همان چشم محبت و عشق، او را در نقش یک تکیه‌گاه می‌بیند که می‌تواند از نیروهای جسمی و فکری او برای پیشبرد کار زندگی استفاده کند؛ مثل یک موتور. مرد وقتی به آن نگاه می‌کند، به چشم مظهر انس و آرامش می‌نگرد که می‌تواند به انسان آرامش بدهد. اگر مرد نقطه اتکا در زمینه مسائل ظاهر زندگی است، زن هم به نوبه خود نقطه اتکاست برای مسائل روحی و معنوی زندگی؛ دریایی است از انس و محبت [که] می‌تواند مرد را در این فضای سرشار از محبت، از همه غصه‌ها و غم‌های خودش خارج کند. اینها توانایی‌های مرد و زن است؛ توانایی‌های روحی آنهاست.^۱

دو. غالباً مردان هدف‌مدار و زنان رابطه‌مدارند. بر همین اساس مردان بیشتر به موفقیت‌های اجتماعی و زنان بیشتر به هدف‌هایی با موفقیت احساسی (مانند عشق) علاقه دارند. بنابراین مردان باید به همسر خود اظهار علاقه کنند و به احساسات او اهمیت دهند. وقتی همسرشان با احساس سخن می‌گوید، به خوبی گوش دهند و هنگامی که ناراحت است، با او همدردی کنند و از نگاه و کلام و رفتاری که نشان‌دهنده ارتباط صمیمی و عاشقانه است، غفلت نورزند. زنان نیز تصمیم‌گیری در امور مهم خانواده را به شوهر خود بسپارند؛ اما از همکاری و بیان نظر مشورتی دریغ نورزند. در مقابل همسر خود متواضع باشند و او را با دیگران نسنجند و در سخن گفتن با او از کلمات تأییدکننده بهره گیرند. بی‌گمان توانایی مردان به پشتیبانی همسرشان بستگی دارد. اگر شوهرشان نمی‌تواند مشکلی را حل کند، او را مأیوس نکنند.

سه. «خیال‌پردازی زنان قوی‌تر است»^۲ و مردان معمولاً جدی‌تر و استدلالی‌ترند. بر این بنیاد، مردان باید از بیان سخنانی پرهیزند که همسرشان را مضطرب می‌سازد، و به همسر خود امنیت خاطر دهند. همچنین برخی سخنان اغراق‌آمیز همسر خود را جدی نگیرند و هدف اصلی از ابراز آن سخن را دریابند. برای مثال، وقتی زن به شوهر خود می‌گوید: «تو هیچ وقت به من توجه نمی‌کنی»، در حقیقت می‌گوید: «لطفاً اکنون به من توجه کن». زنان نیز در به کار

۱. حاج علی‌اکبری، مطلع عشق، خطبه عقد به تاریخ ۶ شهریور ۱۳۸۱.

۲. نک: پیره، روان‌شناسی اخلاقی زن و مرد، ص ۱۵۶.

بردن کلمات و جملات دقت بیشتری کنند؛ زیرا شوهر آنها سخنانشان را جدی خواهد گرفت. چهار. قدرت تکلم در زنان قوی تر از مردان است. معمولاً زن ها شکایت می کنند؛ «شوهرم کم صحبت می کند» و مردان نیز شکایت می کنند؛ «همسر من همواره حرف می زند». با توجه به این تفاوت جنسیتی، زنان این انتظار خود را تعدیل کنند و نیاز به سخن گفتن بیشتر را در روابط خود با فرزندان یا سایر زنان (بستگان و دوستان) تأمین نمایند. مردان نیز فرصت بیشتری را به سخن گفتن با همسر و توجه به کلام او اختصاص دهند.

از این نکته نیز غافل نباشند که مردان از شیرین سخنی همسرشان لذت می برند و بدان نیاز دارند. معمولاً زنان خوش زبان نزد شوهر خود از زنان خوش سیما محبوب ترند.

تفاوت دیگر آنکه، مردان بسیاری از اوقات در سکوت می اندیشند و سپس نتیجه پایانی را بر زبان می آورند. آنان دوست ندارند تردیدشان را نشان دهند. همچنین تحلیلی و استدلالی سخن می گویند، بی آنکه متوجه احساسات خود باشند. از سویی، برای صحبت کردن درباره احساس های خود، به ویژه احساس های منفی مانند عصبانیت و سرخوردگی، تمایل کمتری دارند. آنها معمولاً بیان این نوع احساس ها را ضعف می دانند. این در حالی است که زنان پس از تجربه احساس منفی دوست دارند درباره آن صحبت کنند تا از این طریق آرامش یابند. در ضمن زنان برای افزایش صمیمیت و نزدیکی علاقه دارند درباره هر کاری که انجام می دهند یا درباره اتفاق هایی که در طول روز افتاده با همسرشان صحبت کنند؛ ولی مردان گفت و گو درباره جزئیات را خسته کننده و بی فایده می دانند. همچنین مردان تمایل دارند هنگام بروز مشکل به جای صحبت کردن درباره آن، به دنبال راه حل برای رفع آن باشند؛ ولی زنان دوست دارند ابتدا درباره مشکل و احساس خود به آن سخن بگویند و سپس به راه حل بپردازند.

ب. تفاوت در نقش ها

به دلیل تفاوت های جسمانی و روانی که زنان و مردان با یکدیگر دارند، نقش های متفاوتی برای آنها تعریف شده است. آیه زیر اشاره به همین تفاوت نقش ها دارد: صَبَّوْهُنَّ مِنْ

✓ الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ مطابق با آیات قرآن، تأمین معاش خانواده و پذیرش مسئولیت مدیریت کلان امور خانواده بر عهده مردان گذاشته شده است. مدیریت مطلوب هر مجموعه ای هر چند کوچک، سختی ها و دشواری های خاص خود را دارد. بر این اساس:

- مردان با همتی بلند سرپرستی خانواده را بر عهده گیرند و بکوشند تا با توجه به مصلحت همسر و فرزندان، مدیریت خوب خود را اثبات کنند.

- زنان برای ریاست مردان در خانواده احترام قائل شوند و اجازه دهند تا شوهرشان از قدرت خود برای حمایت از خانواده بهره گیرد. اگر زن در خانه مدیریت شوهر را نپذیرد، اعتماد به نفس مرد آسیب می بیند و بدین سان انگیزه اش برای پذیرش مسئولیت های سنگین خانوادگی تضعیف می شود. و نیز با نبود مدیریت واحد و متناسب با مسئولیت ها، بی نظمی در خانه حاکم می شود و در نهایت فرزندان از پدر و مادر خود فرمان نمی پذیرند و در نتیجه درست تربیت نخواهند شد.

- تفکیک نقش ها در خانواده، به معنای کم ارزش دیدن نقش زن یا شوهر نیست. بسیار روشن است که عواطف و احساسات عمیق، اصلی ترین عامل پیوند در خانواده به شمار می آید. زن همواره عامل اصلی مهرورزی و مهرگستری بوده است. از این رو به دلیل نفوذ معنوی خاص زن، مدیریت معنوی خانواده بیشتر با زنان است و البته این امر تدبیر زنانه خویش را می طلبد.

۲-۵-۲. تفاوت های فردی

زن ها و شوهرها علاوه بر تفاوت های جنسیتی دارای تفاوت های فردی و شخصیتی نیز هستند. در ازدواج موفق، زن و شوهر باید بکوشند تا تفاوت های فردی خود و همسرشان را نیز شناسایی کنند و متناسب با این تفاوت ها با همسر خویش رفتار کنند. بنابراین اگر زن و شوهرها با هم متفاوت هستند، سعی نکنند به زور همدیگر را تغییر دهند. از تفاوت ها ناراحت نباشند. تفاوت رحمت خداست. تفاوت ها را زیبایی های گوناگون ببینند. اگر به تفاوت ها احساس خوبی نداشته باشند، احساس منفی فرد در گفتار و رفتار با همسرش بروز خواهد کرد و سبب سردی روابط آنها خواهد شد.

۲-۶. احترام به همسر و خانواده او

۲-۶-۱. احترام به همسر

همه افراد در روابط با دیگران نیازمند احترام اند؛ ولی زن و شوهر به پاس روابط عاطفی عمیق خود و نیز به دلیل زحمات بسیاری که برای یکدیگر می کشند، از همسرشان انتظار احترام بیشتری دارند.

روایات اسلامی نیز بر رعایت این اصل اخلاقی تأکید می‌کند؛ چنان‌که حضرت فاطمه فرمود: «بهترین شما کسی است که در برخورد با مردم نرم‌تر و مهربان‌تر باشد و همسر خویش را بیشتر تکریم کند»^۱.
اقبال لاهوری به زیبایی گوید:

جهان عشق نه میری نه سروری داند
همین بس است که آیین چاکری داند^۲
برخی عادت دارند حرمت هرکس را که به آنها نزدیک‌تر است بیشتر می‌شکنند و به همسرشان کمتر احترام می‌گذارند تا به دوستان، آشنایان یا غریبه‌ها. همان‌طور که می‌دانید: احترام است که احترام می‌آورد.

مهارت‌های رفتاری همسران

پس از ازدواج برای احترام به همسر باید:
یک. به رابطه صمیمی میان خود و همسران بسنده نکنید و به او احترام نیز بگذارید.
احترام گذاردن به همسر موجب کوچک شدن شما نمی‌شود؛ بلکه حق‌شناسی و صفا و مودت شما را اثبات خواهد کرد. افزون بر این، احترام به همسران سبب می‌شود که او در انجام مسئولیت‌هایش توانمندتر گردد. در ضمن او نیز احترام شما را حفظ خواهد کرد و بدین‌سان عزت نفس هر دو شما بیشتر خواهد شد.

دو. به یاد داشته باشید شما هستید که می‌توانید همسر خود را نزد دیگران پُراج یا بی‌مقدار کنید. بی‌شک هرچه بر ارزش او بیفزایید، بر ارزش خود افزوده‌اید.

سه. هنگام ورود به منزل به استقبال او بروید و هنگام خروج از خانه او را بدرقه کنید.
رسول خدا ﷺ ویژگی زن خوب را استقبال از همسر هنگام ورود به خانه معرفی می‌فرماید.^۳
زنان توجه داشته باشند: با آراستگی و به‌گرمی به استقبال همسرشان بروند، شادمانی خود را از ورودش ابراز کنند و با یک لیوان نوشیدنی مناسب با فصل، لذت او را از دیدن خود دوچندان نمایند.

علاوه بر آن، هنگام ورود مرد به خانه آنچه خریده است را به دقت نگاه کنند و از او تشکر

۱. «خِيارُكُمُ الَّذِيكُم مِّنَاجِبَةً وَأَكْرَمُهُمْ لِنِسَائِهِمْ». (بحرانی اصفهانی، عوالم العلوم والمعارف، ج ۱۱، ص ۹۰۹)

۲. لاهوری، اشعار فارسی غزلیات، ص ۳۴.

۳. نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۵۴.

نمایند؛ مردان نیز پس از ورود به منزل به زحماتی که همسرشان در طول روز کشیده توجه، و از او تشکر کنند.

چهار. هرگاه همسران برای شما کاری انجام داد، از او تشکر کنید حتی اگر آن کار کوچک باشد یا وظیفه او باشد. با تشکر از همسران احساس نشاط و رضایت خواهید داشت، محبت همسران به شما زیاد خواهد شد، انگیزه همسران برای خدمت بیشتر به خانواده تقویت می شود و همگان، شما را فردی حق شناس و باادب خواهند شناخت.

پنج. در حضور میهمان او را کمک، و هنگام پذیرایی، به او نیز تعارف کنید.

شش. در غیاب همسران از او تعریف کنید و در جمع از او تمجید نمایید.

هفت. کارهای شخصی تان را خودتان انجام دهید و به او دستور ندهید.

هشت. در امور زندگی با او مشورت کنید.

نه. به بستگان او محبت کنید و به آنها احترام بگذارید.

۲-۶-۲. احترام به خانواده همسر

در اسلام درباره ضرورت ارتباط مؤثر با خانواده خود و خانواده همسر توصیه هایی شده است. خداوند در قرآن بارها بر نیکی کردن و احترام به پدر و مادر سفارش کرده^۱ و احسان به والدین را پس از امر به پرستش خود امری ضروری شمرده است.^۲ در روایات اهل بیت علیهم السلام نیز بر نیکی به پدر و مادر تأکید بسیار شده است؛ چنان که امام صادق علیه السلام فرمود:

سه چیز است که خداوند بر هیچ یک از مردم در آن سه چیز آسان نگرفته است؛

یکی از آنها نیکی کردن به پدر و مادر است؛ نیکوکار باشند یا خطا کار.^۳

در روایتی نیز آمده است که رعایت احترام و نیکی به والدین همسر نیز لازم است؛ زیرا پدر و مادر همسر، جایگاهی شبیه پدر و مادر خود انسان دارند.^۴

بنابراین باورهای دینی و ملی مستلزم آن است که دختر و پسر پس از ازدواج روابطی گرم و صمیمی با خانواده خود و خانواده همسرشان داشته باشند. علاوه بر آن، زوج جوانی که

۱. سوره عنکبوت، آیه ۸؛ سوره لقمان، آیه ۱۵-۱۴؛ سوره اسراء، آیه ۲۴-۲۳.

۲. «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» (پروردگار تو مقرر کرد جز او را مهرستید و به پدر و مادر نیکی کنید). (سوره اسراء، آیه ۲۴-۲۳)

۳. مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۹۲.

۴. «الْأَبَاءُ ثَلَاثَةٌ: أَبٌ وَلَدَكَ وَأَبٌ زَوْجَكَ وَأَبٌ عَلَمَكَ». (امینی، الغدير، ج ۱، ص ۳۶۹)

زندگی‌شان را آغاز کرده‌اند، به دلیل تجربه اندک در مدیریت زندگی نیازمند حمایت‌های فکری و عاطفی و مالی خانواده خویش‌اند، آنها از سویی باید از حمایت فکری و عاطفی والدین خویش بهره‌مند گردند و از دیگر سو نیازمند استقلال در زندگی خود هستند تا بتوانند بدون دخالت اطرافیان زندگی خود را مدیریت کنند. از این رو پس از ازدواج، تنظیم روابط با خانواده خود و همسر نیازمند کسب مهارت‌های ویژه است. رفتار خوب با خانواده همسر سبب می‌شود که آنها نیز با عروس یا داماد رابطه خوب و عاطفی برقرار نمایند و فضای روانی مثبتی به نفع او در خانواده ایجاد شود؛ امری که در نهایت موجب مثبت‌تر شدن نظر همسر می‌شود.

مهارت‌های رفتاری همسران

یک. برای پیشگیری از ایجاد اختلاف بین خانواده خود و همسران، از آغاز زندگی مشترک به همسر خود کمک کنید تا عادات و آداب و رسوم خانواده شما را بهتر بشناسد. البته از او انتظار نداشته باشید که دقیقاً متناسب با آن رفتار کند.

دو. هنگام نیاز خانواده خود و همسران به کمک آنها بشتابید تا اگر زمانی آنها منتظر حضور شما بودند و شما این حضور را مصلحت ندانستید، دل‌گیر نشوند و رفتار شما را تکبر یا بدخلقی به شمار نیاورند. کمک شما به خانواده همسران در مشکلات، نشانه صمیمیت شماست و نزد خداوند نیز اجر خواهد داشت؛ ضمن آنکه آنها نیز هنگام مشکلات به کمک شما خواهند شتافت. به علاوه، همسر شما نیز می‌آموزد که در سختی‌ها به خانواده شما رسیدگی کند.

سه. اسرار زندگی خود و همسران را تا حد امکان نزد خانواده خود یا همسر بازگو نکنید. آنها شما را دوست دارند و ممکن است نگرانی‌های آنان سبب دخالت نامناسب در زندگی شما شود.

چهار. دختران با روش مناسب مدیریت داخل خانه، همچون آشپزی خوب، نظافت و نظم منزل و مهمان‌داری شایسته، آشنا باشند و پسران نیز در کسب و کار و شیوه صحیح تأمین مخارج زندگی اطلاعات کافی به دست آورند و به درستی رفتار کنند تا زمینه دخالت‌های والدین در زندگی آنان کم شود.

پنج. اگر از خانواده همسر خود انتقادی دارید، فقط درباره آنچه به روابط شما و همسران

و زندگی خانوادگی شما مربوط می‌شود، واکنش نشان دهید؛ انتقاد به آنها را از طریق همسران ابراز کنید و مستقیم به آنان سخنی نگویید. همچنین هنگام بازگویی این انتقادهای به همسران، احترام آنها را رعایت کنید.

شش. اگر همسر شما از رفتار خانواده شما با خودش گله‌مند است، با او همدلی کنید و نگذارید حمایت‌های شما از خانواده‌تان، میان شما و همسران شکاف ایجاد کند.

هفت. اگر بستگان همسران مرتکب رفتار زشتی شدند، همسر خود را سرزنش نکنید. هرکسی مسئول اعمال خویش است، نه مسئول اعمال دیگران. در ضمن پشت سر خانواده همسران بدگویی نکنید که غیبت و حرام است.

هشت. برای پیشگیری از دخالت‌های ناروای خانواده همسر در زندگی خصوصی خود، به همسر خویش در جمع خانواده ابراز علاقه کنید و به او احترام بگذارید. این امر، خانواده همسر را متوجه روابط مستحکم شما می‌کند و آنها را از دخالت در زندگی شما باز می‌دارد. نه. زمانی که پدر یا مادر درباره زندگی خصوصی شما توصیه‌ای دارند، به آنها بگویید در آن زمینه با همسران مشورت می‌کنید و سپس در صورت صلاح دید، اقدام خواهید کرد. در نتیجه آنها متوجه خواهند شد که با زوجی روبه‌رویند که دارای حریم‌های مستحکم است.

۷-۲. سازگاری با همسر

امروزه نهاد خانواده در جهان دچار تحولات جدی شده و شاخصه مهم آن فردگرایی درون خانواده است. زن و شوهر هریک در پی منافع خویش هستند و البته برای آنکه زیست مشترک داشته باشند، به همسر خود نیز انعطاف نشان می‌دهند؛ ولی از آنجاکه اصالت با لذات فردی است تعارضات به وجود آمده به سرعت زندگی را به بن‌بست می‌کشاند و خانواده استحکام لازم را ندارد.

«اسلام خانواده را مقدس دانسته و ازدواج را «میثاق غلیظ» (پیمان مستحکم) می‌نامد و در مواجهه با مشکلات زندگی و یا اشکالات رفتاری همسر توصیه به سازگاری و مدارا می‌کند تا در آرامش حاصل از آن، بتوان مسائل زندگی را حل کرد و رفتار اشتباه همسر را نیز اصلاح کرد. و اگر باز هم مشکلات ادامه یافت، سازش، زندگی را تحمل‌پذیر خواهد ساخت. واقعیت آن است که زندگی مشترک با فردی که در محیطی متفاوت رشد یافته، شیرینی‌ها

و دشواری‌های خاص خود را دارد. آشنایی اندک‌اندک با تفاوت‌ها از جانبی جادیه‌های جدیدی ایجاد می‌کند و از جانبی دیگر موجب تراحمات و تعارضاتی در روابط همسران خواهد شد. همسرانی که از هوش عاطفی بالا بهره‌مند هستند، با تدبیر، با به کارگیری مهارت‌های حل مسئله و با صبر فعال این تعارض‌ها را در گرمای عشق همسری ذوب می‌کنند و از هدف ازدواج که سکینه و آرامش است^۱ غفلت نمی‌کنند. لازمه تداوم این آرامش در ازدواج، سازگاری با همسر است. از نظر قرآن کریم معاشرت پسندیده با همسر حتی در جایی که وی مورد علاقه فرد نباشد سفارش شده و سبب برخورداری از خیر کثیر به شمار آمده است:

۴ با همسر خود (زن) به نیکویی رفتار کنید و اگر شما را از زنان خوش نیامد، چه بسا چیزها که شما را از آن خوش نمی‌آید، درحالی که خدا خیر کثیری در آن نهاده است.^۲

این سازگاری که از طریق مقابله با نفس و خواهش‌های نفسانی به دست می‌آید، خود حقیقی انسان را شکوفا می‌سازد که این «خیر کثیر» است.^۳

امام سجاد علیه السلام در رساله حقوق، در لزوم سازگاری همسران فرموده است:

هریک از شما همسران باید خدا را شکر کند که به او همسری هم صحبت و یار عطا کرده و همسرش را نعمتی از جانب خداوند بداند که لازمه آن مصاحبت نیکو

با این نعمت الهی، احترام به او و رفاقت و دوستی و مدارا با اوست.^۴

در اهمیت سازگاری همسران با یکدیگر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز می‌فرماید: «اگر خداوند برای خانواده‌ای خیر را اراده کند، آنها را به رفق و مدارا و وقار و متانت راهنمایی می‌کند».^۵

امام صادق علیه السلام نیز در بیان نیازمندی‌های شوهران در روابط با همسر خود سه چیز را ضروری می‌نامد که یکی از آنها عبارت است از: «مدارا و خوش رفتاری با زن تا همراهی، محبت و علاقه زن را جلب کند».^۶

۱. سوره روم، آیه ۲۱.

۲. «وَعَايِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَمَعْسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا» (سوره نسا، آیه ۱۹)

۳. نک: حسین زاده، همسران سازگار، ص ۱۸-۱۹

۴. «كُلُّ أَحَدٍ مِنْكُمْ يَجِبُ أَنْ يَحْتَمِدَ اللَّهَ عَلَى صَاحِبِهِ وَيَعْلَمَ أَنَّ ذَلِكَ نِعْمَةٌ مِنْهُ عَلَيْهِ وَوَجِبَ أَنْ يُحْسِنَ صُحْبَةَ نِعْمَةِ اللَّهِ وَيُكْرِمَهَا وَيَرْفُقَ بِهَا...» (نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۱۵۴)

۵. «إِنَّا أَرَادَ اللَّهُ بِأَهْلِ بَيْتٍ خَيْرًا أَرْسَدَهُمُ لِلرِّفْقِ وَالنَّائِي...» (پابنده، نهج الفصاحة، ص ۵۰۹)

۶. «قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام: لَا غِنَى بِالزَّوْجِ عَنْ ثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ زَوْجَتِهِ وَهِيَ الْمَوَافَقَةُ لِيَجْتَلِبَ بِهَا مَوَافَقَتَهَا وَمَحَبَّتَهَا وَهَوَاهَا وَحُسْنُ خُلُقِهِ مَعَهَا...» (مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۲۳۷)

پیامبر اکرم ﷺ در ستایش زنان برتر فرموده است: «بهترین زنان مسلمان چند ویژگی دارند که یکی از آنها سازگاری است و بدترین زنان، زنان لج باز هستند»^۱.

همسر پیامبر اکرم ﷺ نیز در پاسخ به این سؤال که اخلاق پیامبر ﷺ با خانواده اش چگونه بود؟ گفت: «نیک خوترین مردمان بود. نه دشنام می داد و نه بدزبانی می کرد و نه اهل به راه انداختن هیاهو در کوچه و بازار بود و نه بدی را با بدی جبران می کرد؛ بلکه می بخشید و گذشت می کرد»^۲.

و نیز نقل شده: «پیامبر اکرم ﷺ چون با همسرش تنها بود نرم خوترین مردم و بزرگواری ترین آنها بود و همواره خنده و تبسم بر لب داشت».

در احوال الگوی همسران جوان، حضرت علی و حضرت فاطمه علیهما السلام، نیز بیان شده که آن دو هرگز همسر خود را عصبانی نکردند و هرگز او را به کاری مجبور نداشتند.^۳

سازگاری با همسر لوازمی دارد؛ از جمله:

۱. یک. توجه به خوبی های همسر و نادیده گرفتن عیوب او؛ پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

هیچ مرد باایمانی از زن باایمان خود نفرت ندارد؛ او اگر اخلاقی از همسر خود را

نپسندد اخلاق دیگری از او را خواهد پسندید.^۴

عطار نیشابوری گوید:

گر مرد راه بین شده ای عیب کس مبین از زاغ، چشم بین و ز طاووس، پرنگر
گاهی برخی از همسران ناجوانمردانه محاسن فراوان همسر خود را نادیده می گیرند و درباره معایب چندانی که او دارد بزرگ نمایی می کنند. این افراد معمولاً عیوب خود را نیز کوچک شمرده، گرفتار خود برتر بینی می شوند و با شریک زندگی خود ناسازگاری می کنند. این افراد معمولاً در استفاده از تأیید، خشک و خشن بوده و از رفتارهای همسر شاک و گله مند هستند. آنها در عین بدرفتاری با همسر، با بیانات توجیهی قصد دفاع از خویشان را دارند. در مقابل، همسران سازگار اگر در همسر خود عیبی می بینند به دنبال کشف سایر عیوب او نیستند، محاسن و خوبی های او را نیز می بینند و ضعف ها و نقص های گذشته او را فراموش می کنند و در عوض همت خود را صرف کشف عیوب خویش و اصلاح آن

۱. نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۶۲.

۲. متقی، کنز العمال، ج ۷، ص ۲۲۲، ح ۱۸۷۱۷.

۳. طبرسی، مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۴۵۴، ح ۱۵۵۱.

۴. متقی، کنز العمال، ج ۱۶، ص ۳۷۴، ح ۴۴۹۶.

می نمایند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است: «خوشا به حال کسی که آن قدر مشغول کشف و اصلاح عیوب خویش است که عیوب دیگران را نمی بیند»^۱.

همسران سازگار از کلمات و عبارات محبت آمیز، تأییدکننده و حمایتکننده بیشتر استفاده می کنند، توانایی درک و پذیرش افکار و احساسات همسر را دارند، نرم خو بوده و رفتار توأم با ملاطفت و فروتنی دارند. آنها معمولاً از محبت های همسر خود، گرچه اندک باشد، تشکر و قدردانی می کنند و این امر نه فقط به زبان، بلکه در قلب آنها نیز جاری است. نرم خویی و نرم زبانی آنها معمولاً سبب می شود همسرشان تحت تأثیر قرار گیرند و محبتشان بیشتر جلب شود. همسران سازگار از بودن در کنار یکدیگر احساس آرامش بیشتر، و احساس خوشبختی بیشتری دارند. سازگاری با همسر زمانی که او تندخویی یا بدرفتاری می کند امری دشوار است، ولی با به کارگیری مهارت های ارتباط مؤثر و تمرین عفو و گذشت، می توان اندک اندک این خصلت را در خویشتن ایجاد و تقویت کرد. امام صادق علیه السلام می فرماید:

انسان در خلال برآوردن نیازهای منزل و عیالش به سه چیز نیازمند است، حتی اگر آن چیزها با طبع او سازگار نباشد: معاشرت نیکو با همسر و....^۲

دو. عفو و گذشت: انسان به دلیل جهالت و کوتاهی، مرتکب خطا می شود. در توصیه های اسلامی آمده است که در برابر خطای خویش سخت گیر، اما در تعامل با دیگران سهل گیر و نرم خوب باشیم؛ مگر آنکه خطا سبب وارد آمدن آسیب جدی به دیگران گردد. این امر در خانواده که کانون عطوفت و محبت است، بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. «برخی وقتی در طوفان تندخویی گرفتار می شوند، لحظات خوب زندگی را و خوبی های ازهم دیده و باهم چشیده را فراموش می کنند»^۳ حال آنکه اگر مرد یا زن از اشتباه همسر خود چشم نپوشد، هر کوتاهی سبب ایجاد نزاع و اختلاف خواهد شد. «بخشش و گذشت نه تنها به تحکیم روابط همسران کمک می کند، بلکه موجب حفظ سلامت جسمی و روانی خود فرد نیز می گردد؛ چنان که بر پایه برخی تحقیقات، افرادی که کینه به دل می گیرند، دچار ناراحتی های جسمی از جمله فشارخون و زخم معده و ناراحتی های عصبی (همچون افسردگی) می شوند»^۴.

۱. «طوبی لمن شغلَهُ عَيْبُهُ عَنْ عَيْبِ النَّاسِ». (مجلسی، بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۰۵)
۲. «قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام: إِنَّ الْمَرْءَ يَحْتَاجُ فِي مَنَازِلِهِ وَعِيَالِهِ إِلَى ثَلَاثٍ خِلَالٍ يَتَكَلَّفُهَا وَإِنْ لَمْ يَكُنْ فِي طَبْعِهِ ذَلِكَ مُعَاشَرَةٌ جَمِيلَةٌ...».

۳. سوزی، خانواده کارآمد و متعالی، ص ۴۱-۴۰.

۴. عاطف وحید و لواسانی، مهارت های ارتباطی همسران، ص ۱۱.